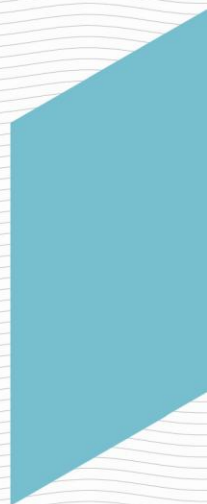


وقفة للصلاة لكل من



راه‌های تکمیل نماز
محمد ابراهیم کفیل

فهرست:

۷	مقدمه
۱۱	دو مشکل اساسی نماز ما
۱۳	چه کنیم نماز برای ما مهم باشد؟
۳۱	خواندن تسبیحات اربعه موجب استجابت دعا است
۴۹	راههای تکمیل نماز
۵۳	معنای حضور قلب
۵۳	چند تذکر
۵۴	راههای تحصیل حضور قلب
۶۰	اهمیت نماز جماعت
۶۱	چند نکته درباره نماز جماعت
۶۴	تعقیب چیست؟

اهمیت تعقیب.....	۶۴
احکام تعقیبات.....	۶۶
نمونه‌ای از تعقیبات وارده.....	۶۷
معنای سجده شکر و فلسفه آن.....	۷۵
اهمیت و آثار سجده شکر.....	۷۶
چند نکته از احکام سجده شکر.....	۷۹
اهمیت نوافل.....	۸۱
موانع قبولی نماز.....	۸۵
کتاب‌نامه.....	۹۵

مقدمه

همان گونه که در بُعد معرفت و شناخت، "اندیشه و تفکر" ویژگی‌ای است که موجب امتیاز انسان از حیوانات می‌شود،^۱ شاید بتوان گفت در بُعد "عمل" هم "اطاعت و عبادت آگاهانه و توأم با اختیار انسان" او را از حیوانات جدا می‌سازد. اندیشه و تفکر، عقل نظری را کامل می‌کند و عبادت، کمال عقل عملی را به همراه دارد، و به دنبال آن، کمال عقل نظری را؛^۲ چراکه انسانیت او را همین عبادت آگاهانه تأمین می‌کند.

توضیح آن اینکه انسان در رحم مادر، از حیات "گیاهی" برخوردار است، جذب دارد و رشد. وقتی از نظر گیاهی کامل و بالغ شد، پا به مرحله "حیوانی" می‌گذارد، متولد می‌شود و رشد و نمو می‌نماید؛ تا اینکه از قوای حیوانی بهره‌مند می‌شود و واجد شهوت و غضب می‌گردد. او در این مرحله بالغ می‌گردد، و بدین ترتیب مکلف می‌شود؛ مکلف به تحصیل حیات انسانی. اگر در تکوین مراحل سابق هستی خود، دخالتی نداشت و دست تکوین او را به این حد رساند؛ ولی تحصیل مرحله یا مراحل بعدی، به عهده

^۱ چراکه آنها (علی‌الظاهر) اندیشه و تفکر عقلانی ندارند.

^۲ خداوند در قرآن می‌فرماید: "أَعْبُدْ رَبَّكَ حَتَّى يَأْتِيَكَ الْيَقِينُ" (حجر: ۹۹) بنابر تفسیری بودن "حتی": عبادت پروردگار، علت رسیدن به یقین است.

خود اوست. اوست که باید با استفاده از امکاناتی که خداوند متعال در مراحل سابق به او ارزانی داشته، کسب انسانیت کند؛ چراکه در این مرحله تقریباً^۱ حیوان بالفعل است و انسان بالقوه؛ لذا باید در صدد فعلیت بخشیدن به خود باشد تا رستگار شود و نه زیانکار.^۲ اما چگونه؟ از کدام طریق انسان باید خودش را به فعلیت برساند؟ از طریق عبادت. عبادت خداوند، صراط مستقیمی است که او را به سرمنزل مقصود می‌رساند.

در قرآن می‌خوانیم: "أَلَمْ أَعْهَدْ إِلَيْكُمْ... وَ أَنْ أَعْبُدُونِي، هَذَا صِرَاطٌ مُسْتَقِيمٌ".^۳ پس بی‌جهت نیست که خداوند متعال غایت آفرینش انسان را عبادت دانسته است: "وَمَا خَلَقْتُ الْجِنَّ وَالْإِنْسَ إِلَّا لِيَعْبُدُونِ"^۴، و تنها مأموریت و وظیفه او را بندگی خالصانه برشمرده است: "وَمَا أُمِرُوا إِلَّا لِيَعْبُدُوا اللَّهَ مُخْلِصِينَ لَهُ الدِّينَ حُنَفَاءً".^۵ و شکی نیست که ستون خیمه بندگی و محور اساسی آن، نماز است. "بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ، قَدْ أَفْلَحَ الْمُؤْمِنُونَ، الَّذِينَ هُمْ فِي صَلَاتِهِمْ خَاشِعُونَ وَالَّذِينَ هُمْ عَنِ اللَّغْوِ مُعْرِضُونَ".^۶

^۱. گفتیم "تقریباً"، نه "تحقیقاً"؛ چراکه در این مرحله، فطرت خداجوی را دارد.

^۲. "قَدْ أَفْلَحَ مَنْ تَزَيَّ" (اعلی: ۱۴)، "قَدْ أَفْلَحَ مَنْ زَكَّاهَا، وَ قَدْ خَابَ مَنْ دَسَّاهَا" (شمس: ۹-۱۰) (تزکیه:

پاک‌کردن و رشد دادن است).

^۳. یس: ۶۰-۶۱.

^۴. ذاریات: ۵۶.

^۵. بینه: ۵.

^۶. مؤمنون ۱-۳.

آیت‌الله العظمی بهجت (ره) در فرمایشی حکیمانه با دریافت از این آیات می‌فرماید: "اگر بدانیم اصلاح همه امور انسان به اصلاح عبادت و در رأس آن نماز است که به واسطه خضوع و خشوع و آن هم با اعراض از لغو می‌شود محقق می‌شود، کار تمام است".^۱

امیر مؤمنان علی علیه السلام هم همه امور را تابع و وابسته به نماز دانسته‌اند: "وَ اعْلَمْ أَنَّ كُلَّ شَيْءٍ مِنْ عَمَلِكَ تَبِعَ لِصَلَاتِكَ فَمَنْ ضَيَعَ الصَّلَاةَ فَإِنَّهُ لَغَيْرِهَا أَضْيَعُ".^۲

دیگر اولیای دین علیهم السلام نیز نسبت به نماز، هم در گفتار و هم در رفتار اهتمام و توصیه ویژه داشته‌اند؛ ولی با این همه در سطوح مختلف جامعه نسبت به نماز آن عنایت جدی مشاهده نمی‌شود و نماز در بین اهل نماز هم جایگاه مطلوب و بایسته خود را نیافته است و به گونه‌ای نیست که نماز اهل نماز از افراد بی‌نماز دلبری کند.

نوشته حاضر در صدد است، در حد توان محدود گردآورنده آن با عنایت خداوند متعال و اولیای دین علیهم السلام به آسیب‌شناسی نماز بپردازد و نمی‌ازیم گفتار نمازگزاران حقیقی را در معرض دید مشتاقان قرار دهد و "لا قوة الا بالله".

۱. پایگاه اطلاع رسانی دفتر معظم له.

۲. وسائل الشیعة؛ ج ۴، ص ۱۶۱

دو مشکل اساسی نماز ما

۱. نماز برای ما کار مهمی نیست

مشکل اول این است که به نمازمان اهمیت نمی‌دهیم و عملاً قبول نداریم نمازمان ناقص است؛ چراکه برای برطرف‌شدن نقصش تلاشی نمی‌کنیم. شاهدش اینکه نمازهای ما از اول تکلیف تاکنون، تغییری نکرده است و در نمازمان پیشرفتی نکرده‌ایم، حتی شاید کیفیتش پایین‌تر هم آمده باشد! و همین، شاهد اندک‌بودن اهتمام ما به نماز است.

کودکی را در نظر بگیرید که چند ماه به طور مستمر و مرتب در کلام آموزش خط حاضر شده، ولی جز حضور در کلاس کار ویژه‌ای انجام نداده است و در نتیجه خطش هیچ تغییری نکرده است؛ هنوز مثل اول بدخط می‌نویسد. در چنین حالتی به او گفته می‌شود: "چرا به کلاس و درست اهمیت نمی‌دهی؟!"، یعنی عدم حصول پیشرفت، شاهد عدم اهتمام او به کلاس و درس تلقی می‌شود، اگرچه هر روز در کلاس حاضر شده باشد.

۲. نمازهای ما ناقص است.

کمال و نقصان هر چیز حداقل از دو جهت قابل ارزیابی است: یکی با بررسی حقیقت آن و دیگری با توجه به آثار آن. نمازهای ما با هر دو نگاه، ناقص است؛ چون:

الف) نماز ما با غفلت همراه است؛ در حالی که حقیقت نماز و عیار اصلی آن به فرموده خداوند متعال، "ذکر" است: "أقم الصلوة لذكری".
 ب) نماز ما، بازدارنده از گناه نیست. قرآن کریم نماز را فریادگری می‌داند که نمازگزار را به پرهیز از گناه دعوت می‌کند: "إن الصلوة تنهى عن الفحشاء و المنکر؛" حال آنکه ما نماز می‌خوانیم، ولی مرتکب گناه هم می‌شویم. معلوم می‌شود نماز ما کارایی لازم را ندارد و فریادش آن قدر بلند نیست که ما را در مواجهه با گناه در جایمان می‌خکوب کند. پس درجه مطلوب کمال را ندارد؛ چراکه اگر کامل بود، کارایی‌اش هم کامل بود. در علم منطق گفته شده است اگر گزاره‌ای صحیح و صادق بود، عکس نقیض آن هم صحیح و صادق خواهد بود؛ مثلاً گزاره "آتش سوزنده است" گزاره‌ای درست است؛ بنابراین گزاره "آنچه سوزنده نیست آتش نیست" (عکس نقیض آن است) هم صحیح است بر این اساس چون آیه شریفه ای که ذکر شد، بلاشک صادق است، عکس نقیض آن هم صادق است؛ یعنی "ما لاینهى عن الفحشاء و المنکر فلیس بصلوة". و از آنجا که آنچه ما با عنوان نماز انجام می‌دهیم، بازدارنده از گناه نیست (یا لااقل بازدارنده از همه، گناهان نیست) معلوم می‌شود در همان محدوده نماز هم نیست؛ یعنی ناقص است.

چه کنیم نماز برای ما مهم باشد؟

در این بخش به بیان راه حل مشکل اول می‌پردازیم؛ یعنی بیان اینکه چه کنیم که "نماز" یک کار مهم، بلکه مهم‌ترین کار برایمان باشد؟ در این راستا راه‌های زیر را می‌توان از فرمایش‌های معصومین (علیهم‌السلام) استفاده نمود:

۱. توجه به اینکه نماز سخن گفتن با خدا به شیوه مطلوب اوست

قال علی بن الحسین (علیه السلام): وَ حَقُّ الصَّلَاةِ أَنْ تَعْلَمَ أَنَّهَا وَقَادَةٌ إِلَى اللَّهِ عَزَّوَجَلَّ وَ أَنَّكَ فِيهَا قَائِمٌ بَيْنَ يَدَيِ اللَّهِ عَزَّوَجَلَّ فَإِذَا عَلِمْتَ ذَلِكَ قُمْتَ مَقَامَ الدَّلِيلِ الْحَقِيرِ الرَّائِبِ الرَّاهِبِ الرَّاجِي الْخَائِفِ الْمُسْتَكَينِ الْمُنْتَزِعِ الْمُعْظَمِ لِمَنْ كَانَ بَيْنَ يَدَيْهِ بِالسَّكُونِ وَ الْوَقَارِ وَ تُقْبَلُ عَلَيْهَا بِقَلْبِكَ وَ تُقِيمُهَا بِحُدُودِهَا وَ حُقُوقِهَا.

وامام سجّاد (علیه السلام) می‌فرماید: و حق نماز این است که بدانی نماز کوچ کردن سوی خدای عزوجل است، و تو در آن حال در برابر خدای عزوجل ایستاده‌ای، و چون این معنا و موقعیت را دانستی در موضع بنده‌ای می‌ایستی که خوار و بی‌مقدار و زار و هراسان و امیدوار و ترسان و خاضع و متضرع است، و کسی را که در برابر او ایستاده است، به وسیله سکون و وقار

خود بزرگ می‌دارد. و در این حال با صمیم قلب به نماز رو می‌آوری، و آن را با حدود و حقوقش به پا می‌داری.^۱

۲. توجه به آثار و ثواب نماز

توجه به مزد و پاداش و مقدار آن، در "اهتمام به عمل" مؤثر است؛ مثلاً اگر سه نفر، از فرد نجاری درخواست ساختن میزی را داشته باشند و هر کدام مبلغی را پیشنهاد کنند، مثلاً هزار تومان، ده هزار تومان و صد هزار تومان، نجار با توجه به پولی که هر کدام پیشنهاد کرده، میز مناسبی می‌سازد؛ یعنی توجه به مزد و مقدار آن، تلقی او را نسبت به عمل مورد سفارش مشخص می‌کند. گفتنی است پاداش از طرف دیگر، بیانگر اهتمام پیشنهاد دهنده نیز است.

در ادامه نمونه‌هایی از ثواب‌های عظیم نماز را مرور می‌کنیم

الف. نماز، کفاره گناهان

عَنْ أَبِي عَبْدِ اللَّهِ عليه السلام: قَالَ حَدَّثَنِي أَبِي عَنْ جَدِّي عَنْ أَبِيهِ عليه السلام أَنَّ أَمِيرَ الْمُؤْمِنِينَ عليه السلام عَلَّمَ أَصْحَابَهُ فِي مَجْلِسٍ وَاحِدٍ أَرْبَعِمِائَةَ بَابٍ مِمَّا يَصْلُحُ لِلْمُؤْمِنِ فِي دِينِهِ وَ دُنْيَاهُ قَالَ عليه السلام: مَنْ أَتَى الصَّلَاةَ عَارِفًا بِحَقِّهَا غُفِرَ لَهُ ^۲.

امام صادق عليه السلام فرمودند: هر که نماز را با حق‌شناسی از آن بخواند خدایش بیامزد.

۱. شیخ صدوق؛ من لا یحضره الفقیه؛ ترجمه غفاری، علی اکبر و محمد جواد و بلاغی، صدر؛ ج ۳، ص ۵۵۸.

۲. علامه مجلسی؛ بحار الانوار؛ ج ۱۰، ص ۱۰۶.

عن سلمان (ره) قال: كنا مع رسول الله ﷺ في ظل شجرة فأخذ غصنا منها فنقضه فتساقط ورقة فقال ﷺ: ألا تسألون عما صنعت؟ قلنا: اخبرنا يا رسول الله ﷺ. قال: إنَّ العبد المسلم إذا قام إلى الصلوة، تحانت عنه خطاياه كما تحانت ورق هذه الشجرة^۱ سلمان می گوید: زیر سایه درختی در کنار رسول خدا ﷺ بودیم. شاخه‌ای از آن را گرفته، تکان دادند. برگ‌هایی از آن بر زمین ریخت. حضرت فرمودند: نمی‌پرسید چرا چنین کردم؟ گفتیم: بفرمایید. فرمودند: هنگامی که مسلمانی به نماز می‌ایستد، گناهانش مانند برگ‌های این درخت بر زمین می‌ریزد.

عَنْ أَبِي بصيرٍ عَنْ أَبِي جَعْفَرٍ عليه السلام قَالَ: قَالَ رَسُولُ اللَّهِ ﷺ: لَوْ كَانَ عَلَى بَابِ دَارِ أَحَدِكُمْ نَهْرٌ فَأَغْتَسَلَ فِي كُلِّ يَوْمٍ مِنْهُ خَمْسَ مَرَّاتٍ أَ كَانَ يَبْقَى فِي جَسَدِهِ مِنَ الدَّرَنِ شَيْءٌ؟ قُلْنَا لَا. قَالَ فَإِنَّ مَثَلَ الصَّلَاةِ كَمَثَلِ نَهْرِ الْجَارِي كُلَّمَا صَلَّى صَلَاةً كَفَرَتْ مَا بَيْنَهُمَا مِنَ الذُّنُوبِ^۲.

پیامبر ﷺ فرمودند: اگر بر در خانه شما نه‌ری باشد و در شبانه روز، پنج بار بدن خود را در آن شستشو دهید، آیا اثری از چ‌رک و آلودگی در بدنتان باقی خواهد ماند؟ گفتیم: نه. فرمودند: همانا مَثَل نماز در میان شما، مَثَل نه‌ری است که هر نماز در شبانه روز، اثر گناهانی که در فاصله نماز گذشته با آن انجام شده است را از بین می‌برد.

^۱ علامه مجلسی: بحار الانوار (ط. بیروت) ج ۷۹، ص ۲۰۸.

^۲ شیخ حر عاملی؛ وسائل الشیعة؛ ج ۴، ص ۱۲.

ب. ثواب عظیم نماز

نماز واجب معادل هزار حج و هزار عمره مقبول است.
 عَنْ أَبِي كَهْمَسٍ عَنْ أَبِي عَبْدِ اللَّهِ عليه السلام: قَالَ قُلْتُ لَهُ أَيُّ الْأَعْمَالِ هُوَ أَفْضَلُ بَعْدَ الْمَعْرِفَةِ قَالَ مَا مِنْ شَيْءٍ بَعْدَ الْمَعْرِفَةِ يَعْدِلُ هَذِهِ الصَّلَاةَ ... وَ صَلَاةٌ قَرِيضَةٌ تَعْدِلُ عِنْدَ اللَّهِ أَلْفَ حَجَّةٍ وَ أَلْفَ عُمْرَةٍ مَبْرُورَاتٍ مُتَقَبَّلَاتٍ^۱.

ابو کهمس گوید به ابو عبدالله امام صادق عليه السلام گفتم: بارج‌ترین طاعتی که انسان را به خدا نزدیک کند و هیچ طاعتی به درگاه خدا محبوب‌تر از آن نباشد، چه طاعتی است؟ حضرت در جواب فرمودند: بعد از معرفت الله (یعنی اعتراف به توحید، نبوت و امامت)، هیچ طاعتی را بارج‌تر و پربهتر از نماز نمی‌شناسم ... و یک نماز واجب در نزد خداوند با هزار حج و هزار

عمره‌ای که به‌خوبی انجام شود و تمقبول درگاه الهی واقع شود، برابر است.
 قَالَ رَسُولُ اللَّهِ قَالَ اللَّهُ عَزَّ وَ جَلَّ قَسَمْتُ فَاتِحَةَ الْكِتَابِ بَيْنِي وَ بَيْنَ عَبْدِي فَنَصَفْتُهَا لِي وَ نَصَفَ هَا لِعَبْدِي وَ لِعَبْدِي مَا سَأَلَ إِذَا قَالَ الْعَبْدُ بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ قَالَ اللَّهُ جَلَّ جَلَالُهُ بَدَأَ عَبْدِي بِاسْمِي وَ حَقَّ عَلَيَّ أَنْ أَتَمِّمَ لَهُ أُمُورَهُ وَ أَبَارِكُ لَهُ فِي أَحْوَالِهِ فَإِذَا قَالَ الْحَمْدُ لِلَّهِ رَبِّ الْعَالَمِينَ قَالَ اللَّهُ جَلَّ جَلَالُهُ حَمَدَنِي عَبْدِي وَ عَلِمَ أَنَّ النِّعَمَ الَّتِي لَهُ مِنْ عِنْدِي وَ أَنَّ الْبَلَايَا الَّتِي دَفَعْتُ عَنْهُ قِطُولِي أَشْهَدُكُمْ أَنِّي أَضِيفُ لَهُ إِلَيَّ نِعَمَ الدُّنْيَا نِعَمَ الْآخِرَةِ وَ أَدْفَعُ عَنْهُ بَلَايَا الْآخِرَةِ كَمَا دَفَعْتُ عَنْهُ بَلَايَا الدُّنْيَا فَإِذَا قَالَ الرَّحْمَنُ الرَّحِيمُ قَالَ اللَّهُ جَلَّ جَلَالُهُ شَهِدَ لِي عَبْدِي أَنِّي الرَّحْمَنُ الرَّحِيمُ أَشْهَدُكُمْ لَأَوْفَرَنْ مِنْ رَحْمَتِي حَظُّهُ وَ لَأَجْزِلَنْ مِنْ عَطَائِي نَصِيبُهُ فَإِذَا قَالَ مَالِكُ يَوْمَ الدِّينِ قَالَ اللَّهُ جَلَّ جَلَالُهُ أَشْهَدُكُمْ كَمَا اعْتَرَفَ أَنِّي أَنَا مَالِكُ يَوْمَ الدِّينِ لَأَسْهَلَنْ يَوْمَ الْحِسَابِ حِسَابَهُ وَ لَأَتَجَاوِزَنَّ عَنْ سَيِّئَاتِهِ فَإِذَا قَالَ إِيَّاكَ تَعَبُدُ قَالَ اللَّهُ عَزَّ وَ جَلَّ صَدَقَ عَبْدِي إِيَّايَ يَعْبُدُ أَشْهَدُكُمْ لَأَتُبِيَنَّهُ عَلَى عِبَادَتِهِ ثَوَابًا يَغِيْطُهُ كُلُّ مَنْ خَالَفَهُ فِي عِبَادَتِهِ لِي فَإِذَا قَالَ وَ إِيَّاكَ نَسْتَعِينُ قَالَ اللَّهُ عَزَّ وَ جَلَّ بِ

^۱ علامه مجلسی؛ بحار الانوار؛ ج ۶۶، ص ۴۰۵.

اَسْتَعَانَ عَبْدِي وَالتَّجَا إِلَى اَشْهَدُكُمْ لِعَيْنِنَهُ عَلَى اَمْرِهِ وَ لِعَيْنِنَهُ فِي شِدَائِدِهِ وَ لَأَخُذَنَّ بِيَدِهِ يَوْمَ نَوَائِبِهِ فَاِذَا قَالَ اِهْدِنَا الصِّرَاطَ الْمُسْتَقِيمَ إِلَى آخِرِ السُّورَةِ قَالَ اللَّهُ عَزَّ وَ جَلَّ هَذَا لِعَبْدِي وَ لِعَبْدِي مَا سَأَلَ فَقَدْ اسْتَجَبْتُ لِعَبْدِي وَ أُعْطِيَتْهُ مَا أَمَلَ وَ أَمْنَتْهُ مِمَّا مِنْهُ وَ جَلَّ ١٠

امام حسن عسگری علیه السلام از پدر بزرگوارشان و ایشان از پدران گرامی‌شان از امیرالمؤمنین علیه السلام از رسول خدا صلی الله علیه و آله نقل کرده که حضرت حق فرمود: من سوره فاتحه الكتاب را میان خود و بندگانم تقسیم کرده‌ام که نصفش مال من است و نصفش مال بندگانم و هرچه بنده‌ام از من درخواست کند، اجابت می‌نمایم. وقتی که بنده‌ای بگوید: "بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ" خداوند متعال می‌فرماید: بنده‌ام مرا حمد کرد و می‌داند نعمت‌هایی که دارد از من است و بلاهایی که از او دفع شده، با عنایت و احسان من دفع شده است. شما فرشتگان را شاهد می‌گیرم که من نعمت‌های آخرت را هم به نعمت‌های دنیای بنده‌ام، اضافه می‌کنم و از او بلاها را دفع می‌کنم؛ همان‌طوری که بلاهای آخرت را از او دفع کردم.

وقتی بنده می‌خواند: "الرحمن الرحيم"، خداوند می‌فرماید: بنده‌ام شهادت به رحمان و رحیم بودن من داد، من هم شما را شاهد می‌گیرم که رحمت خود را درباره او زیاده‌تر کنم و از عطا‌های خود به وی ببخشم. وقتی بنده بگوید: "مَالِكِ يَوْمَ الدِّينِ"، خداوند متعال می‌فرماید: من شما را شاهد می‌گیرم، چون او اعتراف به این کرد که من صاحب روز پاداش هستم، من هم در آن روز،

۱. شیخ صدوق؛ عیون أخبار الرضا (ع)؛ ج ۱، ص ۳۰۱. محمد بن الحسن شیخ حرعاملی؛ الجواهر السنیه فی الاحادیث القدسیه (کلیات حدیث قدسی)؛ ص ۲۷۰.

حساب او را آسان تر می‌کنم، حسنات وی را قبول می‌کنم و از گناهانش در می‌گذرم. و وقتی بنده در نماز می‌گوید: "إِيَّاكَ نَعْبُدُ"، خداوند می‌فرماید: بنده‌ام راست گفت، او فقط مرا عبادت می‌کند. من شما را شاهد می‌گیرم که برای عبادت این بنده‌ام، چنان ثوابی بدهم که مخالفان عبادت او به آن ثواب غبطه بخورند.

و وقتی بنده می‌گوید: "وَاِيَّاكَ تَسْتَعِينُ"، خداوند می‌فرماید: این بنده از من یاری خواست و به من پناه آورد. من شما را شاهد می‌گیرم که در کارهایش به وی یاری دهم و در سختی‌ها او را حمایت کنم و روز قیامت هم دست او را بگیرم و داخل بهشت کنم. و وقتی بنده می‌گوید: "اهْدِنَا الصِّرَاطَ الْمُسْتَقِيمَ" تا آخر سوره حمد، خداوند می‌فرماید: این صراط مستقیم برای بنده من است.

آنچه را از من خواست، به وی می‌دهم و او را از هرچه می‌ترسید امان دادم.

۳. توجه به جایگاه نماز در دین

امر دیگری که اهمیت نماز را در نگاه نمازگزار بیشتر می‌کند، توجه به جایگاه نماز در دین مبین اسلام است.

الف) نماز "رأس اسلام" است

پیامبر ﷺ زمانی که معاذ بن جبل را به یمن فرستادند، در ضمن سفارش‌ها به او فرمودند:

يَا مَعَاذُ عِلْمِهِمْ كِتَابَ اللَّهِ ... وَ لَيْكُنْ أَكْثَرُ هَمِّكَ الصَّلَاةَ فَإِنَّهَا رَأْسُ الْإِسْلَامِ بَعْدَ الْإِقْرَارِ بِالدِّينِ^۱.

کتاب خدا را به ایشان بیاموز... و بیشترین توجه خود را معطوف به نماز کن، چراکه پس از پذیرش اصل دین، نماز مهم‌ترین جایگاه را دارد.

ب) نماز "وجه دین" است

مَحَمَّدٌ عَنْ سَهْلِ بْنِ زِيَادٍ عَنِ النَّوْفَلِيِّ عَنِ السَّكُونِيِّ عَنْ جَعْفَرٍ عَنْ أَبِيهِ عليه السلام قَالَ: قَالَ رَسُولُ اللَّهِ ﷺ: لِكُلِّ شَيْءٍ وَجْهٌ وَ وَجْهُ دِينِكُمُ الصَّلَاةُ فَلَا يَشِينَنَّ أَحَدُكُمْ وَجْهَ دِينِهِ وَ لِكُلِّ شَيْءٍ أَنْفٌ وَ أَنْفُ الصَّلَاةِ التَّكْبِيرُ^۲.

هر چیزی چهره‌ای دارد و چهره دین شما نماز است. پس مبدا شخصی چهره دینش را زشت و نازیبا گرداند و هر چیزی شروعی دارد و شروع نماز با تکبیر است.

ج) نماز "حُبِّ الْأَعْمَالِ إِلَى اللَّهِ" است

عَنْ زَيْدِ الشَّحَامِ عَنْ أَبِي عَبْدِ اللَّهِ عليه السلام قَالَ: سَمِعْتُهُ يَقُولُ أَحَبُّ الْأَعْمَالِ إِلَى اللَّهِ عَزَّ وَ جَلَّ الصَّلَاةُ وَ هِيَ آخِرُ وَصَايَا الْأَنْبِيَاءِ عليهم السلام فَمَا أَحْسَنَ الرَّجُلُ يَغْتَسِلُ أَوْ يَتَوَضَّأُ فَيُسَبِّحُ الْوُضُوءَ ثُمَّ لَا يَتَنَحَّى حَيْثُ لَا يَرَاهُ أَنْيْسُ فَيُشْرِفُ عَلَيْهِ وَ هُوَ رَاكِعٌ أَوْ سَاجِدٌ إِنْ الْعَبْدُ إِذَا سَجَدَ فَأَطَالَ السُّجُودَ نَادَى إِبْلِيسُ يَا وَيْلَاهُ أَطَاعَ وَ عَصَيْتَ وَ سَجَدَ وَ أَبَيْتَ^۳.

۱. علامه مجلسی، بحار الانوار، ج ۷۴، ص ۱۲۹.

۲. شیخ کلینی، کافی، ج ۳، ص ۲۷۰.

۳. شیخ کلینی، ج ۳، ص ۲۶۴.

زید شحام می گوید: از امام صادق علیه السلام شنیدم که فرمود: خداوند عزوجل نماز را بیش از سایر اعمال دوست دارد و نماز آخرین سفارش همه پیامبران است. چه منظره زیبایی است این که شخصی غسل کرده یا وضوی مطلوبی گرفته، در مکانی خلوت و به دور از چشم دیگران، به رکوع و سجده مشغول شود. زمانی که بنده‌ای سر بر خاک می‌نهد و سجده می‌کند، صدای شیطان به ناله بلند می‌شود که ای وای این بنده اطاعت خدای را نمود و من نافرمانی کردم و او سجده کرد و من امتناع نمودم.

د) نماز "نور چشم پیامبر صلی الله علیه و آله" است

آن حضرت به ابوذر فرمودند: يَا أَبَاذَرٍّ جَعَلَ اللَّهُ جَلَّ ثَنَاهُ قُرَّةَ عَيْنِي فِي الصَّلَاةِ وَ حَبَبَ إِلَى الصَّلَاةِ كَمَا حَبَبَ إِلَى الْجَائِعِ الطَّعَامَ وَ إِلَى الظَّمْآنِ الْمَاءَ وَ إِنَّ الْجَائِعَ إِذَا أَكَلَ شَبِعَ وَ إِنَّ الظَّمْآنَ إِذَا شَرِبَ رَوَى وَ أَنَا لَا أَشْبِعُ مِنَ الصَّلَاةِ^۱.
خداوند فرا ستایش، نور چشم مرا در نماز قرار داده است و چنان مرا علاقه‌مند به نماز ساخته که گرسنه را علاقه‌مند به غذا و تشنه را علاقه‌مند به آب. البته محبت گرسنه و تشنه به غذا و آب موقت است و لیکن من از نماز سیری ندارم.

ه) نماز "عامل نزدیک شدن به خدا" است

عَنْ أَبِي الْحَسَنِ الرِّضَا علیه السلام: قَالَ: "الصَّلَاةُ قُرْبَانُ كُلِّ تَقِيٍّ": نماز عامل نزدیکی پارسایان به خداوند است.

^۱. علامه مجلسی: بحار الأنوار؛ ج ۷۴، ص ۷۲.

^۲. شیخ کلینی: کافی؛ ج ۳، ص ۲۶۴.

و) نماز "بهترین موضوع" است

عن أبي ذر: قُلْتُ يَا رَسُولَ اللَّهِ إِنَّكَ أَمَرْتَنِي بِالصَّلَاةِ فَمَا الصَّلَاةُ؟ قَالَ خَيْرُ مَوْضُوعٍ فَمَنْ شَاءَ أَقَلَّ وَ مَنْ شَاءَ أَكْثَرَ.^۱

ابوذر می گوید به پیامبر ﷺ عرض کردم: مگر نماز چیست که مرا به آن توصیه [ویژه] نمودید؟ فرمودند: بهترین موضوع است. حال، هرکس [مخیراست] که بهره خود را اندک کند یا بسیار نماید.

ز) نماز "عمود خیمه دین" است:

عَنْ أَبِي عَبْدِ اللَّهِ السَّيْطِيِّ قَالَ: قَالَ رَسُولُ اللَّهِ ﷺ: مَثَلُ الصَّلَاةِ مَثَلُ عَمُودِ الْفُسْطَاطِ إِذَا ثَبَتَ الْعَمُودُ نَفَعَتِ الْأُتُنَابُ وَالْأَوْتَادُ وَالْغِشَاءُ وَإِذَا انْكَسَرَ الْعَمُودُ لَمْ يَنْفَعْ طَنْبُ وَلَا وَتْدٌ وَلَا غِشَاءٌ.^۲

امام صادق علیہ السلام نقل می کنند که پیامبر ﷺ فرمودند: مَثَلُ نماز مَثَلُ ستون چادر (خیمه) است. اگر ستون محکم باشد، طناب‌ها و میخ‌ها و پوش [بر سر پا و] سودمند خواهد بود و اگر ستون بشکند [و از جا در رود]، هیچ طناب و میخ و پوشی به درد نمی‌خورد [و چادر بر پا نخواهد ماند].

^۱. علامه مجلسی: بحار الانوار؛ ج ۷۴، ص ۷۲.

^۲. شیخ کلینی: کافی؛ ج ۳، ص ۲۶۴.

ح) نماز "بهترین اعمال بعد از معرفت" است

عَنْ مُعَاوِيَةَ بْنِ وَهَبٍ قَالَ سَأَلْتُ أَبَا عَبْدِ اللَّهِ عليه السلام عَنْ أَفْضَلِ مَا يَتَقَرَّبُ بِهِ الْعِبَادُ إِلَى رَبِّهِمْ وَ أَحَبِّ ذَلِكَ إِلَى اللَّهِ عَزَّ وَ جَلَّ مَا هُوَ فَقَالَ مَا أَعْلَمُ شَيْئًا بَعْدَ الْمَعْرِفَةِ أَفْضَلَ مِنْ هَذِهِ الصَّلَاةِ أَلَا تَرَى أَنَّ الْعَبْدَ الصَّالِحَ، عِيسَى ابْنَ مَرْيَمَ عليه السلام قَالَ وَ أَوْصَانِي بِالصَّلَاةِ ۱

به امام صادق عليه السلام گفتم: بالرجترین طاعتی که انسان را به خدا نزدیک کند و هیچ طاعتی به درگاه خدا محبوب تر از آن نباشد، چه طاعتی است؟ ابوعبدالله فرمودند: بعد از شناخت خداوند، هیچ طاعتی را بالرجتر و پر بهاتر از نماز نمی شناسم. نشنیده ای که بنده صالح خدا عیسی بن مریم گفته است: "و خداوند مرا به ادای نماز سفارش کرد".

ط) نماز، اولین چیزی است که از آن، سؤال می شود

قال النبی ص: أوَّلُ مَا يَنْظُرُ فِي عَمَلِ الْعَبْدِ فِي يَوْمِ الْقِيَامَةِ، فِي صَلَوَتِهِ؛ فَإِنْ قُبِلَتْ، نَظَرَ فِي غَيْرِهَا، وَ إِنْ لَمْ تَقْبَلْ، لَمْ يَنْظُرْ مِنْ عَمَلِهِ بَشْيَءٍ ۲

در روز قیامت، ابتدا به نماز بنده توجه می شود؛ اگر شایسته پذیرش بود به بقیه اعمال او هم توجه می شود و اگر شایسته پذیرش نبود به هیچ یک از اعمالش توجه نمی شود؛ مثل اینکه دکتري به مريض می گوید: از این نسخه اگر فلان دوا را نخوری، مصرف بقیه دواها بی فایده است. یا معلم به دانش آموز می گوید: اگر به فلان سؤال جواب ندهی، ورقهات را تصحیح نمی کنم، چرا که پاسخگویی به بقیه سؤالات، وابسته به پاسخگویی به این

۱. همان.

۲. بحارالانوار (ط. بیروت)؛ ج ۷۹ ص ۲۲۷.

سؤال است. یا به کسی گفته می‌شود: از این کتاب اگر فلان صفحه را نخوانی، گویی اصلاً کتاب را نخوانده‌ای. به عبارت دقیق‌تر نماز محصول کارخانه زندگی و بندگی انسان است که کیفیت مطلوب آن از سلامت همه دستگاه‌ها و عرصه‌ها حکایت دارد.

ی) خداوند متعال از اموری چون شرب خمر (نوشیدن شراب) به دلیل اینکه [علاوه بر ایجاد عداوت و بغضاء] انسان را از یاد خدا و نماز باز می‌دارد، نهی نموده است

يَا أَيُّهَا الَّذِينَ آمَنُوا إِنَّمَا الْخَمْرُ وَالْمَيْسِرُ وَالْأَنْصَابُ وَالْأَزْلَامُ رَجَسٌ مِنْ عَمَلِ الشَّيْطَانِ فَاجْتَنِبُوهُ لَعَلَّكُمْ تُفْلِحُونَ إِنَّمَا يُرِيدُ الشَّيْطَانُ أَنْ يُوقِعَ بَيْنَكُمْ الْعَدَاوَةَ وَالْبَغْضَاءَ فِي الْخَمْرِ وَالْمَيْسِرِ وَيَصُدَّكُمْ عَنْ ذِكْرِ اللَّهِ وَعَنِ الصَّلَاةِ قَهْلَ أَنْتُمْ مُنْتَهُونَ^۱

ک) خداوند متعال مسلمانان را از ارتباط دوستانه با اهل کتاب و کفار به

دلیل اینکه دین و نماز را به بازی و مسخره می‌گیرند، باز داشته است

يَا أَيُّهَا الَّذِينَ آمَنُوا لَا تَتَّخِذُوا الَّذِينَ اتَّخَذُوا دِينَكُمْ هُزُوًا وَلَعِبًا مِنَ الَّذِينَ أُوتُوا الْكِتَابَ مِنْ قَبْلِكُمْ وَالْكَافِرَ أَوْلِيَاءَ وَاتَّقُوا اللَّهَ إِنَّ كُنْتُمْ مُؤْمِنِينَ وَإِذَا نَادَيْتُمْ إِلَى الصَّلَاةِ اتَّخَذُوهَا هُزُوًا وَلَعِبًا ذَلِكَ بِأَنَّهُمْ قَوْمٌ لَا يَعْقِلُونَ^۲

۴. توجه به اهتمام ویژه خداوند به نماز

نماز به فرموده امام سجاد (علیه السلام) ورود بر خداوند و ایستادن در پیشگاه اوست؛ ورود و ملاقاتی که حضرت حق تبارک و تعالی جوانب مختلف آن را

۱. مائده: ۹۰-۹۱.

۲. مائده: ۵۷-۵۸.

مورد توجه قرار داده، عنايات ويژه خود را نسبت به آن مبذول داشته است كه همه اينها از جايگاه خاص نماز در بين عبادات حكايت مي‌كند. در ادامه به گوشه‌اي از اين عنايات اشاره مي‌شود.

الف) خداوند متعال نماز را در بهترين اوقات شبانه‌روز قرار داده است

قال رسول الله ﷺ: وَارْفَعُوا إِلَيْهِ أَيْدِيَكُمْ بِالدُّعَاءِ فِي أَوْقَاتِ صَلَاتِكُمْ فَإِنَّهَا أَفْضَلُ السَّاعَاتِ يَنْظُرُ اللَّهُ عَزَّوَجَلَّ فِيهَا بِالرَّحْمَةِ إِلَى عِبَادِهِ يُجِيبُهُمْ إِذَا نَاجَوْهُ وَيَلْبِيَهُمْ إِذَا نَادَوْهُ وَيُعْطِيهِمْ إِذَا سَأَلُوهُ وَيَسْتَجِيبُ لَهُمْ إِذَا دَعَوْهُ.^۱

در وقت نماز دست به دعا برداريد كه بهترين ساعت‌ها است. خدا در آن نظر لطف به بندگان خود دارد، به مناجات آنان پاسخ مي‌دهد و فرياد آنان را ليك مي‌گويد و درخواست آنان را مي‌دهد و دعاي آنان را مستجاب مي‌كند.

ب) براي نماز مكان ويژه با فضيلت خاص در نظر گرفته شده است
وَ رَوَى أَنَّ فِي التَّوْرَةِ مَكْتُوبًا أَنَّ بَيْوتِي فِي الْأَرْضِ الْمَسَاجِدُ فَطُوبَى لِعَبْدٍ تَطَهَّرَ فِي بَيْتِهِ ثُمَّ زَارَنِي فِي بَيْتِي إِلَّا أَنْ عَلَى الْمَزُورِ كَرَامَةُ الزَّائِرِ إِلَّا بَشَرِ الْمَشَائِثِ فِي الظُّلُمَاتِ إِلَى الْمَسَاجِدِ بِالنُّورِ السَّاطِعِ يَوْمَ الْقِيَامَةِ.^۲

در تورات چنين آمده است: به راستي خانه‌هاي من روي زمين، همان مساجد است. فرخنده باد آن بنده‌اي كه در سراي خويش وضو سازد و مرا در خانه‌ام زيارت كند. البته كه گرامي داشت ميهمان بر صاحب خانه لازم و فرض است. الا آنان را كه در تاريخي‌هاي شب گام برداشتن به سوي

۱. شيخ حر عاملي؛ وسائل الشيعة؛ ج ۱۰ ص ۳۱۳. شيخ صدوق؛ امالي؛ ترجمه محمدباقر كمراهي؛ ص ۹۴.

۲. شيخ صدوق؛ من لايحضره الفقيه؛ ج ۱، ص ۲۳۹.

مساجد را پیشه ساخته‌اند، بشارت ده که در روز رستاخیز با نوری درخشان وارد محشر خواهند شد.

ج) برای نماز جهت ویژه قرار داده شده است (قبله). آن هم مکانی که پس از کربلا بهترین نقطه زمین است.

د) مجموعه نماز از بهترین‌ها شکل گرفته است. توضیح اینکه در بین عبادات فردی عبادتی به پای قرائت قرآن، ذکر، دعا و استغفار نمی‌رسد و در بین این امور، اجزای تشکیل‌دهنده نماز یعنی سوره مبارک "حمد"، سوره مبارک "توحید"، "تسبیحات اربعه" و "صلوات بر محمد و آل محمد" هر کدام جایگاه ویژه‌ای دارند و از بهترین‌ها هستند. حالات نماز یعنی قیام، رکوع و سجده هم از بهترین حالات حضور بنده در پیشگاه رب العالمین است. آری نماز، از چنین مفردات و حالاتی تشکیل شده است که توجه به آنها می‌تواند گوشه‌ای از عظمت و اهمیت نماز را برای نمازگزار جلوه‌گر سازد. هرچه نمازگزار به اجزا و حالات نماز و اهمیت ویژه هر کدام توجه کند، در ایجاد یک نماز کامل، بیشتر تلاش خواهد کرد.

در ادامه گوشه‌هایی از اهمیت اجزای نماز را به نظاره می‌نشینیم:

یک. اهمیت سوره حمد

الف) سوره "حمد" دو بار نازل شده است، سبع المثانی است شارح اصول کافی می‌فرماید: وَ اتَّفَقَ أَرْبَابُ التَّفْسِيرِ عَلَى أَنَّ السَّبْعَ الْمُثَانِي هِيَ الْفَاتِحَةُ، وَ قَالُوا: سَمَّيْتُ بِذَلِكَ لِأَنَّهَا سَبْعُ آيَاتٍ، وَ يَتَنَى فِي الصَّلَاةِ أَوْ فِي النُّزُولِ حَيْثُ

نزلت بمكة و بالمدينة.^۱ همه مفسران "السبع المثانی" را سوره حمد دانسته‌اند. چون مشتمل بر هفت آیه است "السبع" نامیده شده و چون در هر نماز دو بار خوانده می‌شود و یا اینکه دو بار نازل شده یک بار در مکه و دیگر بار در مدینه به آن "المثانی" گفته می‌شود.

ب) سوره حمد اساس قرآن است: یکی از نامه‌های سوره مبارکه حمد، "ام الكتاب" است یعنی "اساس قرآن"

و عن ابن عباس أنه قال: إنَّ لكلَّ شيءٍ أساساً، و أساس القرآن فاتحة الكتاب؛^۲ از ابن عباس نقل شده که هر چیزی اساسی دارد و اساس قرآن سوره حمد است.

ج) سوره حمد، برترین سوره است

أَنَّ النَّبِيَّ ﷺ قَالَ لِجَابِرٍ: أَلَا أَعْلَمُكَ أَفْضَلَ سُورَةٍ أُنْزِلَهَا اللَّهُ فِي كِتَابِهِ قَالَ بَلَى عَلَّمَنِيهَا. قَالَ فَعَلَّمَهُ الْحَمْدُ أَمْ الْكِتَابِ ثُمَّ قَالَ هِيَ شِفَاءٌ مِنْ كُلِّ دَاءٍ إِلَّا السَّامَ وَ السَّامُ الْمَوْتُ.^۳

پیامبر ﷺ به جابر بن عبدالله انصاری فرمودند: برترین سوره‌ای را که خداوند متعال در کتابش نازل فرموده، به تو بیاموزم؟ جابر عرض کرد: آری. حضرت به او سوره حمد را که اساس قرآن است تعلیم نمودند و پس از آن فرمودند: این سوره شفای هر دردی جز "سام" است و منظور از سام، "مرگ" است.

د) سوره حمد، عدل قرآن است

۱. محمد هادی بن محمد صالح مازندرانی؛ شرح فروع الکافی؛ ج ۳، ص ۳۴.

۲. محمد هادی بن محمد صالح مازندرانی؛ شرح فروع الکافی؛ ج ۳، ص ۳۴.

۳. شیخ حر عاملی؛ وسائل الشیعه؛ ج ۶، ص ۲۳۲.

عَنِ الْحَسَنِ بْنِ عَلِيٍّ عَلَيْهِ السَّلَامُ عَنْ أَبِيهِ عَلِيِّ بْنِ مُحَمَّدٍ عَلَيْهِ السَّلَامُ عَنْ أَبِيهِ مُحَمَّدِ بْنِ عَلِيٍّ عَلَيْهِ السَّلَامُ عَنْ أَبِيهِ الرُّضَا عَلِيِّ بْنِ مُوسَى عَلَيْهِ السَّلَامُ عَنْ أَبِيهِ مُوسَى بْنِ جَعْفَرٍ عَلَيْهِ السَّلَامُ عَنْ أَبِيهِ جَعْفَرِ بْنِ مُحَمَّدٍ عَلَيْهِ السَّلَامُ عَنْ أَبِيهِ مُحَمَّدِ بْنِ عَلِيٍّ عَلَيْهِ السَّلَامُ عَنْ أَبِيهِ عَلِيِّ بْنِ الْحُسَيْنِ عَلَيْهِ السَّلَامُ عَنْ أَبِيهِ الْحُسَيْنِ بْنِ عَلِيٍّ عَلَيْهِ السَّلَامُ عَنْ أَخِيهِ الْحَسَنِ بْنِ عَلِيٍّ عَلَيْهِ السَّلَامُ قَالَ قَالَ أَمِيرُ الْمُؤْمِنِينَ عَلَيْهِ السَّلَامُ ...

سَمِعْتُ رَسُولَ اللَّهِ ﷺ يَقُولُ إِنَّ اللَّهَ عَزَّ وَجَلَّ قَالَ لِي يَا مُحَمَّدُ وَلَقَدْ آتَيْنَاكَ سَبْعًا مِنَ الْمَثَانِي وَالْقُرْآنَ الْعَظِيمَ فَأَفْرَدَ الْإِمْتِنَانَ عَلَيَّ بِفَاتِحَةِ الْكِتَابِ وَجَعَلَهَا بِإِزَاءَ الْقُرْآنِ الْعَظِيمِ وَإِنَّ فَاتِحَةَ الْكِتَابِ أَشْرَفُ مَا فِي كُنُوزِ الْعَرْشِ وَإِنَّ اللَّهَ عَزَّ وَجَلَّ خَصَّ مُحَمَّدًا وَشَرَفَهُ بِهَا وَلَمْ يَشْرِكْ مَعَهُ فِيهَا أَحَدًا مِنْ أَنْبِيَائِهِ مَا خَلَا سُلَيْمَانَ فَإِنَّهُ أُعْطِيَ مِنْهَا بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ الْخ^۱

امام حسن علیه السلام از پدرانشان نقل می کنند که امیرمؤمنان علیه السلام در ضمن حدیثی فرمودند: از پیامبر خدا ﷺ شنیدم که فرمودند: خداوند عزوجل در خطاب به من این گونه فرمود: " وَلَقَدْ آتَيْنَاكَ سَبْعًا مِنَ الْمَثَانِي وَالْقُرْآنَ الْعَظِيمِ: " و به راستی، به تو سبع المثنائی (سوره فاتحه) و قرآن بزرگ را عطا کردیم. "۲

که به واسطه سوره حمد بر من منت ویژه گذاشته و آن را همتای قرآن عظیم قرار داده است. امیر مؤمنان علیه السلام در ادامه فرمودند: فاتحه الکتاب برترین موجودی گنجینه های عرش الهی است و خداوند عزوجل آن را به حضرت محمد ﷺ اختصاص داده و آن حضرت را به آن شرافت بخشیده و در

۱. شیخ صدوق؛ أمالی؛ ص ۱۷۵، مجلس سی و سوم. (این حدیث شریف را همه امامان علیهم السلام نقل کرده اند).

۲. حجر: ۸۷.

این جهت هیچ یک از پیامبران را با ایشان شریک نکرده، به جز حضرت سلیمان که به ایشان "بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ" آن را عطا فرموده است.

خواندن سوره حمد ثواب خواندن دو ثلث قرآن را دارد

عَنْ أَبِي بِنِ كَعْبٍ قَالَ: قَالَ رَسُولُ اللَّهِ ﷺ: أَيُّمَا مُسْلِمٍ قَرَأَ فَاتِحَةَ الْكِتَابِ أُعْطِيَ مِنَ الْأَجْرِ كَأَمَّا قَرَأَ ثُلُثِي الْقُرْآنِ وَ أُعْطِيَ مِنَ الْأَجْرِ كَأَمَّا تَصَدَّقَ عَلَى كُلِّ مُؤْمِنٍ وَ مُؤْمِنَةٍ^۱.

رسول خدا ﷺ فرمودند: هر مسلمانی سوره حمد را بخواند به اندازه‌ای پاداش می‌گیرد که گویی دو سوم قرآن را تلاوت نموده است و به اندازه‌ای که گویی به همه مؤمنان صدقه داده است.

دو. گوشه‌هایی از اهمیت سوره توحید

الف) قرائت سوره توحید، معادل قرائت ثلث قرآن و ثلث تورات و ثلث انجیل و ثلث زبور است

عَنْ أَبِي عَبْدِ اللَّهِ الْعَلِيِّ قَالَ : مَنْ قَرَأَ قُلْ هُوَ اللَّهُ أَحَدٌ مَرَّةً وَاحِدَةً فَكَأَمَّا قَرَأَ ثُلُثَ الْقُرْآنِ وَ ثُلُثَ التَّوْرَةِ وَ ثُلُثَ الْإِنْجِيلِ وَ ثُلُثَ الزَّبُورِ^۲ :

امام صادق علیهِ السلام فرمودند: هر که سوره توحید را بخواند گویی یک سوم همه کتاب‌های آسمانی، یعنی قرآن و تورات و انجیل و زبور را تلاوت نموده است.

قرائت سوره توحید، موجب آمرزش گناهان است

۱. مجلسی؛ بحار الانوار (ط. بیروت)؛ ج ۸۹، ص ۲۵۹.

۲. شیخ صدوق؛ التوحید؛ ص ۹۵.

قَالَ رَسُولُ اللَّهِ ﷺ: مَنْ قَرَأَ قُلْ هُوَ اللَّهُ أَحَدٌ مِائَةً مَرَّةٍ حِينَ يَأْخُذُ مَضْجَعَهُ غَفَرَ اللَّهُ لَهُ عَزَّ وَجَلَّ ذُنُوبَ خَمْسِينَ سَنَةً^۱.

رسول خدا ﷺ فرمودند: هر کس هنگام خواب سوره "قل هو الله احد" را صد مرتبه بخواند، خداوند گناهان پنجاه سال او را می‌آمرزد.

محبت به سوره توحید، نشانه محبت خداوند به بنده است

عَنْ عُمَرَ بْنِ حَصِينٍ: أَنَّ النَّبِيَّ ﷺ بَعَثَ سَرِيَّةً وَاسْتَعْمَلَ عَلَيْهَا عَلِيَّ بْنَ أَبِي السَّلَاسِلِ فَلَمَّا رَجَعُوا سَأَلَهُمْ فَقَالُوا كُلُّ خَيْرٍ غَيْرَ أَنَّهُ قَرَأَ بِنَا فِي كُلِّ صَلَاةٍ يَقُلُّ هُوَ اللَّهُ أَحَدٌ فَقَالَ يَا عَلِيُّ لِمَ فَعَلْتَ هَذَا فَقَالَ لِحُبِّي لِقُلْ هُوَ اللَّهُ أَحَدٌ، فَقَالَ النَّبِيُّ ﷺ مَا أَحْبَبْتَهَا حَتَّى أُحِبَّكَ اللَّهُ عَزَّ وَجَلَّ^۲.

عمران بن حصین می‌گوید: پیامبر ﷺ لشکری را به فرماندهی علی بن ابی‌السلاسل گسیل داشتند و پس از بازگشت لشکر، از ایشان درباره آن حضرت سؤال کردند. لشکریان در پاسخ گفتند: علی بن ابی‌السلاسل از هر جهت خوب و شایسته بود جز اینکه در همه نمازهای جماعت، پس از حمد، (قل هو الله احد) می‌خواند. پیامبر ﷺ از علی بن ابی‌السلاسل علت را پرسیدند. حضرت فرمودند: من به سوره "قل هو الله احد" علاقه خاصی دارم. پیامبر ﷺ فرمودند: دلیل این محبت خاص این است که خداوند به تو محبت ویژه دارد.

قرائت مستمر سوره توحید، توجه ویژه فرشتگان را به همراه دارد

۱. همان.

۲. همان؛ ص ۹۴.

عَنْ جَعْفَرِ بْنِ مُحَمَّدٍ عَنْ أَبِيهِ عليه السلام: أَنَّ النَّبِيَّ صلى الله عليه وآله صَلَّى عَلَى سَعْدِ بْنِ مُعَاذٍ فَقَالَ لَقَدْ وَافَى مِنَ الْمَلَائِكَةِ لِلصَّلَاةِ عَلَيْهِ سَبْعُونَ أَلْفَ مَلَكٍ وَ فِيهِمْ جِبْرِيلُ يُصَلُّونَ عَلَيْهِ فَقُلْتُ يَا جِبْرِيلُ بِمِ اسْتَحَقَّ صَلَاتُكُمْ عَلَيْهِ قَالَ بِقِرَاءَةِ قُلْ هُوَ اللَّهُ أَحَدٌ قَائِمًا وَ قَاعِدًا وَ رَاكِبًا وَ مَاشِيًا وَ ذَاهِبًا وَ جَائِيًا^۱.

سکونی از امام صادق عليه السلام، و آن حضرت از پدر بزرگوارش امام محمدباقر عليه السلام روایت کرده است که رسول خدا صلى الله عليه وآله بر جنازه سعد بن معاذ نماز خواند و فرمود: هفتاد هزار فرشته که جبرئیل عليه السلام نیز در میان آنان بود، بر جنازه او نماز خواندند. از جبرئیل پرسیدم: او چه عملی انجام داده بود که این شایستگی را پیدا کرد که شما بر جنازه او نماز خواندید؟ گفت: به سبب اینکه سوره "قُلْ هُوَ اللَّهُ أَحَدٌ" را در حالت ایستاده و نشسته، سواره و پیاده، و در حال رفت و آمد تلاوت می کرد.

سه. گوشه‌هایی از اهمیت تسبیحات اربعه

الف) اذکار آسمانی، خوبی‌های ماندگار و بازدارنده از انواع حوادث ناگوار است

عَنْ أَبِي عَبْدِ اللَّهِ عليه السلام قَالَ: إِنَّ رَسُولَ اللَّهِ صلى الله عليه وآله قَالَ لِأَصْحَابِهِ ذَاتَ يَوْمٍ أَرَأَيْتُمْ لَوْ جَمَعْتُمْ مَا عِنْدَكُمْ مِنَ الثِّيَابِ وَ الْأَنْيَةِ ثُمَّ وَضَعْتُمْ بَعْضَهُ عَلَى بَعْضٍ أَ كُنْتُمْ تَرَوْنَهُ يَبْلُغُ السَّمَاءَ قَالُوا لَا يَا رَسُولَ اللَّهِ قَالَ أَ فَلَا أُدَلِّكُمْ عَلَى شَيْءٍ أَصْلُهُ فِي الْأَرْضِ وَ قَرَعُهُ فِي السَّمَاءِ قَالُوا بَلَى يَا رَسُولَ اللَّهِ قَالَ يَقُولُ أَحَدُكُمْ إِذَا قَرَعَ مِنَ الصَّلَاةِ الْفَرِيضَةِ ثَلَاثِينَ مَرَّةً سُبْحَانَ اللَّهِ وَ الْحَمْدُ لِلَّهِ وَ لَا إِلَهَ إِلَّا اللَّهُ وَ اللَّهُ أَكْبَرُ فَإِنَّ أَصْلَهُنَّ فِي الْأَرْضِ وَ قَرَعُهُنَّ فِي السَّمَاءِ وَ هُنَّ يَدْفَعْنَ

^۱ همان؛ ص ۹۵.

الْهَدْمَ وَالْغَرَقَ وَالْحَرَقَ وَالتَّرْدَى فِي الْبُيْرِ وَ أَكَلَ السَّعِ وَ مِيتَةَ السَّوْءِ وَ الْبَلِيَّةَ الَّتِي تُنَزَّلُ مِنَ السَّمَاءِ عَلَى الْعَبْدِ فِي ذَلِكَ الْيَوْمِ وَ هُنَّ الْبَاقِيَّاتُ الصَّالِحَاتُ^۱.

امام صادق علیه السلام فرمود: رسول خدا صلی الله علیه و آله روزی به یاران خود فرمودند: آیا اگر لباس‌ها و ظرف‌هایتان را جمع کرده و آنها را روی هم بگذارید، به آسمان خواهد رسید؟ گفتند: نه، ای رسول خدا! حضرت فرمودند: نمی‌خواهید چیزی به شما بگویم که ریشه‌اش در زمین و شاخه‌اش در آسمان باشد؟ عرض کردند: چرا ای رسول خدا! حضرت فرمودند: هر کدام از شما بعد از نماز واجبی سی بار بگوید: "سبحان الله و الحمد لله و لا اله الا الله و الله اکبر"؛ زیرا ریشه این ذکرها در زمین و شاخه‌اش در آسمان است. این ذکرها از زیر آوار ماندن، با آتش سوختن، غرق شدن، افتادن در چاه، طمعه درندگان شدن، مرگ بد و حادثه ناگواری که در آن روز از آسمان فرود می‌آید، جلوگیری می‌کند.

خواندن تسبیحات اربعه موجب استجاب دعا است

عَنِ الْحَارِثِ بْنِ الْمُغِيرَةِ النَّضْرِيُّ قَالَ سَمِعْتُ أَبَا عَبْدِ اللَّهِ علیه السلام يَقُولُ: مَنْ قَالَ سُبْحَانَ اللَّهِ وَ الْحَمْدُ لِلَّهِ وَ لَا إِلَهَ إِلَّا اللَّهُ وَ اللَّهُ أَكْبَرُ أَرْبَعِينَ مَرَّةً فِي ذِكْرِ كُلِّ صَلَاةٍ قَرِيزَةً قَبْلَ أَنْ يَتَنَبَّأَ رَجُلِيهِ ثُمَّ سَأَلَ اللَّهَ أُعْطِيَ مَا سَأَلَ^۲.

حارث بن مغیره می‌گوید: از امام صادق علیه السلام شنیدم که فرمودند: هر کس بعد از هر نماز واجب قبل از...چهل بار "سُبْحَانَ اللَّهِ وَ الْحَمْدُ لِلَّهِ وَ لَا إِلَهَ إِلَّا اللَّهُ وَ

۱. علامه مجلسی؛ بحار الانوار؛ (ط - بیروت)؛ ج ۹۰، ص ۱۷۳.

۲. شیخ صدوق؛ امالی؛ ص ۱۸۳، مجلس چهل و سوم.

اللهُ أَكْبَرُ" بگویند و پس از آن از خداوند درخواست کند، حاجتش برآورده می‌شود.

خواندن تسبیحات اربعه، متمم نماز شکسته است
خواندن سی مرتبه تسبیحات اربعه بعد از نماز شکسته، فضیلت دو رکعت باقیمانده را دارد. امام رضا علیه السلام در سفر بعد از هر نماز شکسته سی مرتبه "سبحان الله و الحمد لله و لا اله الا الله والله اکبر" را بر زبان جاری می‌ساختند و می‌فرمودند: این متمم نماز قصر (شکسته) است.^۱

تسبیحات اربعه، زیربنای اسلام است

رَوَى عَنِ الصَّادِقِ عليه السلام أَنَّهُ سُئِلَ لِمَ سَمِيتَ الْكَعْبَةَ كَعْبَةً قَالَ لِأَنَّهَا مَرْبَعَةٌ قَلِيلٌ لَهُ وَلَمْ صَارَتْ مَرْبَعَةً قَالَ لِأَنَّهَا بِحِذَاءِ الْبَيْتِ الْمَعْمُورِ وَهُوَ مَرْبَعٌ قَلِيلٌ لَهُ وَلَمْ صَارَ الْبَيْتُ الْمَعْمُورُ مَرْبَعًا قَالَ لِأَنَّهُ بِحِذَاءِ الْعَرْشِ وَهُوَ مَرْبَعٌ قَلِيلٌ لَهُ وَلَمْ صَارَ الْعَرْشُ مَرْبَعًا قَالَ لِأَنَّ الْكَلِمَاتِ الَّتِي بَنِيَ عَلَيْهَا الْإِسْلَامُ أَرْبَعٌ وَهِيَ سُبْحَانَ اللَّهِ وَالْحَمْدُ لِلَّهِ وَلَا إِلَهَ إِلَّا اللَّهُ وَاللَّهُ أَكْبَرُ.^۲

از امام صادق علیه السلام سؤال شد: برای چه کعبه، کعبه نامیده شد؟ حضرت فرمودند: زیرا چهارگوش است. محضر مبارکش عرض شد: برای چه چهارگوش است؟ حضرت فرمودند: زیرا محاذی بیت المعمور است و آن چهارگوش می‌باشد. عرض شد: برای چه بیت المعمور چهارگوش است؟ حضرت فرمودند: زیرا محاذی عرش است و آن چهارگوش است. محضر

۱. عیون أخبار الرضا علیه السلام؛ ترجمه محمدتقی آقانجفی؛ ج ۲، ص ۴۲۵.

۲. شیخ صدوق؛ علل الشرائع؛ ترجمه محمدجواد ذهني تهرانی؛ ج ۲، ص ۲۸۷.

مبارکش عرض شد: چرا عرش مربع است؟ فرمودند: زیرا کلماتی که اسلام بر آن بنا شده چهار تا است و آنها عبارت‌اند از: "سبحان الله و الحمد لله و لا اله الا الله و الله اکبر".

چهار. گوشه‌های از اهمیت صلوات بر پیامبر و اهل بیت علیهم‌السلام

الف) خداوند متعال از صلوات پیوسته خود و فرشتگان بر پیامبر (و اهل بیت ایشان علیهم‌السلام)^۱ خبر داده و همگان را به این امر و به تسلیم شدن در پیشگاه ایشان فرمان داده است: "إِنَّ اللَّهَ وَمَلَائِكَتَهُ يُصَلُّونَ عَلَى النَّبِيِّ يَا أَيُّهَا الَّذِينَ آمَنُوا صَلُّوا عَلَيْهِ وَسَلِّمُوا تَسْلِيمًا"^۲

ب) صلوات بر پیامبر و آل ایشان موجب صلوات مضاعف خداوند بر فرستنده صلوات است

عَنْ إِسْحَاقَ بْنِ قُرُوحٍ مَوْلَى آلِ طَلْحَةَ قَالَ: قَالَ أَبُو عَبْدِ اللَّهِ عليه السلام: يَا إِسْحَاقُ بْنُ قُرُوحٍ مَنْ صَلَّى عَلَى مُحَمَّدٍ وَآلِ مُحَمَّدٍ عَشْرًا، صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَوَلَدِهِ مِائَةَ مَرَّةٍ وَمَنْ صَلَّى عَلَى مُحَمَّدٍ وَآلِ مُحَمَّدٍ مِائَةَ مَرَّةٍ، صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَوَلَدِهِ أَلْفًا، أَمَا تَسْمَعُ قَوْلَ اللَّهِ عَزَّ وَجَلَّ هُوَ الَّذِي يُصَلِّي عَلَيْكُمْ وَمَلَائِكَتُهُ لِيُخْرِجَكُم مِّنَ الظُّلُمَاتِ إِلَى النُّورِ وَكَانَ بِالْمُؤْمِنِينَ رَحِيمًا.^۱ و^۲

^۱ بر اساس روایات، صلوات بر پیامبر با صلوات بر ایشان و اهل بیتشان محقق می‌شود؛ از آن جمله

رسول اکرم صلی الله علیه و آله فرمودند: "لا تَصَلُّوا عَلَى آلِ الصُّلَوةِ الْبِتْرَاءِ، فَقَالُوا يَا رَسُولَ اللَّهِ مَا الصُّلَوةُ الْبِتْرَاءُ؟ قَالَ اَنْ تَقُولُوا: اللَّهُمَّ صَلِّ عَلَى مُحَمَّدٍ، بَلْ قُولُوا: اللَّهُمَّ صَلِّ عَلَى مُحَمَّدٍ وَآلِ مُحَمَّدٍ؛" بر من درود بی‌دنباله نفرستید. گفتند: یا رسول الله درود بی‌دنباله چیست؟ فرمود: اینکه می‌گویید: اللهم صل علی محمد، بلکه بگویید: اللهم صل علی محمد و آل محمد (صحیفة سجادية؛ ترجمه و شرح فیض الإسلام؛ ص ۴۳، دعاي دوم، همچنین رک: علامه مجلسی؛ مرآة العقول فی شرح أخبار آل الرسول؛ ج ۱۲، ص ۱۰۷، ح ۲۱،

۲. احزاب: ۵۶.

اسحاق بن فروخ گوید: حضرت صادق علیه السلام فرمود: ای اسحاق بن فروخ هر که ده بار بر محمد و آل محمد صلوات بفرستد، خداوند و فرشتگان او صد بار بر او صلوات می‌فرستند، و هر که صد بار بر محمد و آل محمد صلوات فرستد، خداوند و فرشتگانش هزار بار بر او صلوات می‌فرستند، آیا گفتار خدای عزوجل را نشنیده‌ای [که می‌فرماید:] "اوست آن خداوندی که رحمت (یا درود) فرستد بر شما (او) و همچنین فرشتگانش تا برون آرد شما را از تاریکی‌ها بسوی روشنایی^۱ و او نسبت به مؤمنان مهربان است."

عَلَى بْنِ إِبْرَاهِيمَ عَنْ أَبِيهِ عَنْ ابْنِ أَبِي عَمِيرٍ عَنْ أَبِي أَيُّوبَ عَنْ مُحَمَّدِ بْنِ مُسْلِمٍ عَنْ أَحَدِهِمَا قَالَ: مَا فِي الْمِيزَانِ شَيْءٌ أَثْقَلَ مِنَ الصَّلَاةِ عَلَى مُحَمَّدٍ وَآلِ مُحَمَّدٍ وَإِنَّ الرَّجُلَ لَتَوْضِعَ أَعْمَالُهُ فِي الْمِيزَانِ فَيُخْرِجُ اللَّهُ الصَّلَاةَ عَلَيْهِ فَيُضَعُّهَا فِي مِيزَانِهِ فَيَرْجَحَ بِهِ.^۲

محمد بن مسلم از یکی از دو امام باقر و صادق علیه السلام نقل می‌کند که فرمود: در میزان (ترازوی اعمال در قیامت) چیزی سنگین‌تر از صلوات بر محمد و آل محمد نیست، و همانا مردی باشد که اعمالش را در میزان گذارند و سبک باشد، پس ثواب صلوات او درآید و آن را در میزان نهد؛ پس سبب آن سنگین گردد و [بر کفه دیگر] بچربد.

۱. توجه به دعای وارد شده از ناحیه مقدسه، برای فهمیدن نمونه‌های روشن تاریکی و نور مفید است:
"اللَّهُمَّ إِنِّي أَسْأَلُكَ أَنْ تُصَلِّيَ عَلَيَّ مُحَمَّدٍ نَبِيِّ رَحْمَتِكَ وَكَلِمَةِ نُورِكَ وَأَنْ تَمْلَأَ قَلْبِي نُورَ الْيَقِينِ وَصَدْرِي نُورَ الْإِيمَانِ وَفَكْرِي نُورَ الثَّبَاتِ وَعَزْمِي نُورَ الْعِلْمِ وَقُوَّتِي نُورَ الْعَمَلِ وَلِسَانِي نُورَ الصِّدْقِ وَدِينِي نُورَ الْبَصَائِرِ مِنْ عِنْدِكَ وَبَصِيرِي نُورَ الضِّيَاءِ وَسَمْعِي نُورَ الْحِكْمَةِ وَمُودَتِي نُورَ الْمَوَالَةِ لِمُحَمَّدٍ وَآلِهِ عليهم السلام حَتَّى أَتَقَاكَ وَتَقْبَلَ بِعَهْدِكَ وَمِثْلِكَ أَفْعَشِيَنِي رَحْمَتَكَ يَا وَلِيَّ يَا حَمِيدٌ" (علامه مجلسی، بحار الأنوار، ج ۵۳، ص ۱۷۲).

۲. شیخ کلینی؛ کافی؛ ج ۲، ص ۴۹۶ و اصول کافی؛ ترجمه سیدجواد مصطفوی؛ ج ۴، ص ۲۵۲.

۴. توجه به مذمت‌های سبک شمردن نماز

یکی دیگر از عواملی که اهمیت نماز را برای نمازگزار بیشتر می‌کند، توجه به مذمت‌هایی است که درباره سبک شمردن نماز آمده است.

عَنْ حَمَادِ بْنِ عِيسَى قَالَ: قَالَ لِي أَبُو عَبْدِ اللَّهِ يَوْمًا: تَحْسَنُ أَنْ تُصَلِّيَ يَا حَمَادُ؟ قَالَ: فَقُلْتُ يَا سَيِّدِي أَنَا أَحْفَظُ كِتَابَ حَرِيزٍ فِي الصَّلَاةِ. قَالَ فَقَالَ: لَا عَلَيْكَ، فَمَنْ صَلَّى قَالَ فَقُمْتُ بَيْنَ يَدَيْهِ مَتَوَّجَهَا إِلَى الْقِبْلَةِ فَاسْتَفْتَحْتُ الصَّلَاةَ وَرَكَعْتُ وَسَجَدْتُ فَقَالَ يَا حَمَادُ لَا تَحْسَنُ أَنْ تُصَلِّيَ مَا أَفْبَحَ بِالرَّجُلِ أَنْ يَأْتِيَ عَلَيْهِ سِتُونَ سَنَةً أَوْ سَبْعُونَ سَنَةً فَمَا يَقِيمُ صَلَاةً وَاحِدَةً بِحُدُودِهَا تَامَةً...^۱

حماد بن عیسی گوید: روزی امام ششم به من فرمود: می‌توانی خوب نماز بخوانی؟ عرض کردم یا سیدی من کتاب نماز حریز را حفظ هستیم. فرمود: بر تو باکی نیست. برخیز نماز بخوان. گوید: برابر آن حضرت رو به قبله ایستادم و تکبیر نماز گفتم و رکوع و سجود نمودم. فرمود: ای حماد خوب نماز نمی‌خوانی و چه اندازه بر مرد زشت است که شصت سالش شود و یک نماز کامل و تمام بر پا ندارد...^۲

^۱ . شیخ صدوق؛ أمالی؛ ص ۴۱۴، مجلس چهل و ششم.

^۲ ادامه حدیث: حماد گوید پیش خود خوار شدم و عرض کردم قربانت نماز را به من بیاموز. امام

صادق (علیه السلام) رو بقبله ایستاد، تمام قد و دو دست را تا ران پایین انداخت که انگشتانش به هم چسبیده بود و دو گام را به هم نزدیک کرد تا فاصله آنها سه انگشت گشاده شد و انگشتان پایش همه را برابر قبله نمود و منحرف ساخت. در حال خشوع و استکانت گفت: الله اکبر. حمد و قُلْ هُوَ اللهُ را آرام خواند و به اندازه نفسی درنگ کرد و ایستاده گفت: الله اکبر. سپس به رکوع رفت و دو کف خود را که انگشتانش باز بود از دو سر زانو پر کرد و زانو را عقب داد تا پشت او هموار شد که اگر قطره آبی یا روغنی بر آن می‌چکید، نمی‌لغزید؛ از بس پشتش هموار بود، و گردن کشید و چشم‌ها خوابانید. سه بار به آرامی فرمود: سبحان الله ربی العظیم و بحمده. و به ایستادن برخاست و چون بر جا شد، گفت: سمع الله لمن

قَالَ النَّبِيُّ ﷺ: إِنَّ الرَّجُلَيْنِ مِنْ أُمَّتِي يَقُومَانِ فِي الصَّلَاةِ وَرُكُوعَهُمَا وَسُجُودَهُمَا وَاحِدٌ وَ
إِنَّ مَا بَيْنَ صَلَاتَيْهِمَا مِثْلُ مَا بَيْنَ السَّمَاءِ وَالْأَرْضِ.^۱

پیامبر ﷺ فرمودند: ممکن است دو نفر از امت من مشغول نماز شوند و
[در ظاهر] رکوع و سجده‌ای یکسان به جا آورند و حال آنکه فاصله بین
نمازشان همچون فاصله بین آسمان و زمین است.

عَنْ هِشَامِ بْنِ سَالِمٍ عَنْ أَبِي عَبْدِ اللَّهِ ﷺ قَالَ إِذَا قَامَ الْعَبْدُ فِي الصَّلَاةِ فَخَفَّفَ
صَلَاتَهُ قَالَ اللَّهُ تَبَارَكَ وَتَعَالَى لِمَلَايَكَتِهِ: أَمَا تَرَوْنَ إِلَى عَبْدِي كَأَنَّهُ يَرَى أَنَّ قَضَاءَ حَوَائِجِهِ
بِيَدٍ غَيْرِي أَمَا يَعْلَمُ أَنَّ قَضَاءَ حَوَائِجِهِ بِيَدِي.^۲

امام صادق ﷺ فرمود: هنگامی که بنده به نماز بایستد، و نمازش را
مختصر بخواند و سبک شمارد، خداوند تبارک و تعالی [به فرشتگان]
می‌فرماید: آیا به بنده من نمی‌نگرید، گویا خیال می‌کند که برآورده‌شدن

حمده. و همان ایستاده تکبیر گفت و دو دست را تا برابر رو بلند کرد و به سجده رفت و دو کف را که
انگشتانش به هم چسبیده بود، میانه دو سر زانو برابر روی نهاد و سه بار گفت: سبحان ربی الاعلی و
بحمده. و چیزی از اعضای بدن را بر هم نگذاشت و بر هشت عضو سجده کرد: پیشانی، دو کف، دو سر
زانو و دو سر انگشت بزرگ پاها که این هفت واجب است و سر بینی را بر زمین نهاد و این سنت
(مستحب) است و همان ارغام است. سپس سر از سجده برداشت و چون بر جا نشست گفت: الله اکبر و
بر طرف چپ نشست و روی پای راستش را بر پشت پای چپش نهاد و گفت: أَسْتَغْفِرُ اللَّهَ رَبِّي وَآتُوبُ
إِلَيْهِ. و همان نشسته باز تکبیر گفت و به سجده دوم رفت و همان گفت که در سجده اول گفته بود و
در رکوع و سجود هیچ عضو تنش از هم کمک نگرفتند و دست‌ها را از زیر تن بیرون داده بود مانند پیر،
و دو ذراع (از آرنج تا مچ دست) را بر زمین نگذاشته بود. به همین روش دو رکعت نماز خواند و فرمود: ای
حماد چنین نماز بخوان و رو بر مگردان و با دست و انگشت بازی مکن و به سوی راست و چپ آب
دهن مینداز و نه پیش روی خود.

^۱. علامه مجلسی: بحار الأنوار؛ ج ۸۱، ص ۲۴۹.

^۲. شیخ کلینی؛ کافی؛ ج ۳، ص ۲۶۹.

حوايجش به دست غير من است. آيا نمى داند كه برآورده شدن خواسته هايش به دست من است؟

عَنْ أَبِي عَبْدِ اللَّهِ عليه السلام: قَالَ أَبْصَرَ عَلَى بْنِ أَبِي طَالِبٍ عليه السلام رَجُلًا يَقْرُ صَلَاتَهُ فَقَالَ مَنْذُ كَمْ صَلَّيْتُ بِهَذِهِ الصَّلَاةِ فَقَالَ لَهُ الرَّجُلُ مَنْذُ كَذَا وَ كَذَا فَقَالَ مَثَلُكَ عِنْدَ اللَّهِ كَمَثَلِ الْغُرَابِ إِذَا تَقَرَّ لَوْ مِتَّ عَلَى غَيْرِ مِلَّةٍ أَبِي الْقَاسِمِ مُحَمَّدٍ ثُمَّ قَالَ عَلَى عليه السلام: إِنَّ أَسْرَقَ النَّاسِ مَنْ سَرَقَ صَلَاتَهُ.

امام صادق عليه السلام فرموده اند: اميرالمؤمنين عليه السلام مردى راديدند كه شتابان و بدون رعايت طمأنينه نماز مى گزارد. حضرت از او پرسيدند چند وقت است كه چنين نماز مى گزارى. گفت: مدتى است. فرمودند: مثل تو در پيشگاه خداوند، مثل كلاغ است كه نوک به زمين مى زند، اگر با اين حال بميرى به آيين ابوالقاسم عليه السلام نخواهى مرد. سپس اميرالمؤمنين عليه السلام فرمود: همانا دزدترين مردم كسى است كه از نماز خود مى دزدد.

عَنْ أَبِي بصيرٍ قَالَ دَخَلْتُ عَلَى أُمِّ حَمِيدَةَ أُعْزِيهَا بِأَبِي عَبْدِ اللَّهِ عليه السلام فَبَكَتْ وَ بَكَتُ لِيُكَائِبَهَا ثُمَّ قَالَتْ يَا أَبَا مُحَمَّدٍ لَوْ رَأَيْتَ أَبَا عَبْدِ اللَّهِ عليه السلام عِنْدَ الْمَوْتِ لَرَأَيْتَ عَجَبًا فَتَحَ عَيْنَيْهِ ثُمَّ قَالَ أَجْمَعُوا كُلُّ مَنْ بَيْنِي وَ بَيْنَهُ قَرَابَةٌ قَالَتْ فَمَا تَرَكْنَا أَحَدًا إِلَّا جَمَعْنَاهُ فَنَظَرَ إِلَيْهِمْ ثُمَّ قَالَ إِنَّ شَفَاعَتَنَا لَا تَنَالُ مُسْتَخَفًّا بِالصَّلَاةِ^۱

ابوبصير مى گويد: پيش ام حميده رفتم كه به او رحلت امام صادق عليه السلام را تسليت بگويم، گريست و از گريه او من هم گريستم. سپس گفت: اى ابومحمد اگر امام صادق عليه السلام را هنگام رحلت ايشان ديده بودى، چيز

^۱ شيخ حر عاملي؛ وسائل الشيعه؛ ج ۴، ص ۲۷.

عجیبی می‌دید؛ چشمهایش را گشود و فرمود: همه کسانی را که نزدیکان من هستند و میان من و ایشان خویشاوندی است، جمع کنید. همگان را جمع کردیم، امام علیه السلام به آنان نگریست و فرمود: همانا شفاعت ما به کسی که نماز را سبک بشمرد، نخواهد رسید.

عَنِ السَّكُونِيِّ عَنْ أَبِي عَبْدِ اللَّهِ عليه السلام قَالَ: قَالَ رَسُولُ اللَّهِ ﷺ: لَا يَزَالُ الشَّيْطَانُ دَعِرًا مِّنَ الْمُؤْمِنِ مَا حَافَظَ عَلَى الصَّلَوَاتِ الْخَمْسِ فَإِذَا ضَيَعَهُنَّ تَجَرَّأَ عَلَيْهِ فَأَدْخَلَهُ فِي الْعِظَائِمِ.

پیامبر ﷺ فرموده‌اند: تا وقتی که آدمی نمازهای پنجگانه خویش را به وقت خود بگذارد شیطان از او ترسان و گریزان است و چون نمازها را تباه کند، شیطان بر او دست می‌یابد و او را به گناهان بزرگ می‌کشد.

فَلَا حَاشَ السَّائِلِ، أَرَوَى بِحَدِيثِ الْإِسْنَادِ عَنْ سَيِّدَةِ النِّسَاءِ فَاطِمَةَ ابْنَةِ سَيِّدِ الْأَنْبِيَاءِ صَلَوَاتُ اللَّهِ عَلَيْهَا وَ عَلَى آبِهَا وَ عَلَى بَعْلِهَا وَ عَلَى أَبْنَائِهَا الْأَوْصِيَاءِ أَنَّهَا سَأَلَتْ أَبَاهَا مُحَمَّدًا ﷺ فَقَالَتْ يَا أَبَتَاهُ مَا لِمَنْ تَهَاجَرُ بِصَلَاتِهِ مِنَ الرِّجَالِ وَ النِّسَاءِ قَالَ يَا فَاطِمَةُ مَنْ تَهَاجَرُ بِصَلَاتِهِ مِنَ الرِّجَالِ وَ النِّسَاءِ ابْتَلَاهُ اللَّهُ بِخَمْسِ عَشْرَةِ خَصْلَةٍ سِتٍّ مِنْهَا فِي دَارِ الدُّنْيَا وَ ثَلَاثٌ عِنْدَ مَوْتِهِ وَ ثَلَاثٌ فِي قَبْرِهِ وَ ثَلَاثٌ فِي الْقِيَامَةِ إِذَا خَرَجَ مِنْ قَبْرِهِ فَأَمَّا اللَّوَاتِي تُصِيبُهُ فِي دَارِ الدُّنْيَا فَلَأُولَى يَرْفَعُ اللَّهُ الْبَرَكَةَ مِنْ عُمُرِهِ وَ يَرْفَعُ اللَّهُ الْبَرَكَةَ مِنْ رِزْقِهِ وَ يَمْحُو اللَّهُ عَزَّ وَ جَلَّ سَيِّئَاتِ الصَّالِحِينَ مِنْ وَجْهِهِ وَ كُلُّ عَمَلٍ يَعْمَلُهُ لَا يُؤْجِرُ عَلَيْهِ وَ لَا يَرْتَفِعُ دُعَاؤُهُ إِلَى السَّمَاءِ وَ السَّادِسَةُ لَيْسَ لَهُ حَظٌّ فِي دُعَاءِ الصَّالِحِينَ وَ أَمَّا اللَّوَاتِي تُصِيبُهُ عِنْدَ مَوْتِهِ فَأُولَاهُنَّ أَنَّهُ يَمُوتُ ذَلِيلًا وَ الثَّانِيَةُ يَمُوتُ جَائِعًا وَ الثَّالِثَةُ يَمُوتُ عَطْشَانًا فَلَوْ سَقَى مِنْ أَنْهَارِ الدُّنْيَا لَمْ يَبْرُو عَطْشُهُ وَ أَمَّا اللَّوَاتِي تُصِيبُهُ فِي قَبْرِهِ فَأُولَاهُنَّ يُوَكَّلُ اللَّهُ بِهِ مَلَكًا يُزَعِّجُهُ فِي قَبْرِهِ وَ الثَّانِيَةُ يَضِيقُ عَلَيْهِ قَبْرُهُ وَ الثَّالِثَةُ تَكُونُ الظُّلْمَةُ فِي قَبْرِهِ وَ أَمَّا اللَّوَاتِي تُصِيبُهُ يَوْمَ الْقِيَامَةِ إِذَا خَرَجَ مِنْ قَبْرِهِ فَأُولَاهُنَّ أَنْ يُوَكَّلَ اللَّهُ بِهِ مَلَكًا يَسْحَبُهُ عَلَى وَجْهِهِ وَ الْخَالِثُ يَنْظُرُونَ

إِلَيْهِ وَ الثَّانِيَةَ يُحَاسِبُ حِسَابًا شَدِيدًا وَ الثَّالِثَةَ لَا يَنْظُرُ اللَّهُ إِلَيْهِ وَ لَا يُزَكِّيهِ وَ لَهُ عَذَابٌ أَلِيمٌ.

سرور زنان، فاطمه، دختر سرور پیامبران که دروذهای خداوند بر او و پدر و شوی و پسران اوصیای او باد، از پدر بزرگوارش حضرت محمد ﷺ پرسید: ای پدر جان! سزای مردان و زنانی که نماز را سبک بشمارند، چیست؟ فرمود: ای فاطمه، هر کس چه مرد باشد و چه زن، نمازش را سبک بشمارد، خداوند او را به پانزده مصیبت گرفتار می‌نماید: شش گرفتاری در سرای دنیا، و سه گرفتاری هنگام مرگ، و سه گرفتاری در قبرش، و سه گرفتاری در قیامت هنگام بیرون آمدن از قبر.

مصیبت‌هایی که در دنیا بدان مبتلا می‌گردد عبارت‌اند از:

۱. خداوند، خیر و برکت را از عمر او برمی‌دارد.
۲. خداوند، خیر و برکت را از روزی‌اش برمی‌دارد.
۳. خداوند عزوجلّ نشانه صالحان را از چهره او محو می‌فرماید.
۴. در برابر اعمالی که انجام داده پاداش داده نمی‌شود.
۵. دعای او به سوی آسمان بالا نمی‌رود و مستجاب نمی‌گردد.
۶. هیچ بهره‌ای در دعای بندگان شایسته خدا نداشته و مشمول دعای آنان نخواهد بود.

و مصائبی که هنگام مرگ به او می‌رسد بدین ترتیب است:

۱. با حالت خواری و زبونی جان می‌دهد.

۲. گرسنه می‌میرد.

۳. تشنه جان می‌سپارد، به گونه‌ای که اگر آب تمام رودخانه‌های دنیا را به او بدهند، سیراب نگشته و تشنگی‌اش برطرف نخواهد شد.

و مصیبت‌هایی که در قبرش بدان گرفتار می‌گردد، بدین قرار می‌باشد:

۱. خداوند فرشته‌ای را بر او می‌گمارد تا او را در قبر نگران و پریشان نموده و از جایش برکند.

۲. خداوند گور را بر او تنگ می‌گرداند.

۳. قبرش تاریک می‌شود.

و مصائبی که در روز قیامت، هنگام بیرون آمدن از قبر، بدان مبتلا می‌شود، عبارت است از:

۱. خداوند فرشته‌ای را بر او می‌گمارد تا در حالی که مردم به او می‌نگرند، او را به رو بر زمین بکشد.

۲. سخت از او حساب می‌کشند.

۳. خداوند هرگز نظر رحمت به او ننموده، از بدی‌ها پاکیزه‌اش نمی‌گرداند، و برای او عذاب دردناکی خواهد بود.

عَنِ ابْنِ عَبَّاسٍ أَهْدَىٰ إِلَى رَسُولِ اللَّهِ ﷺ نَافَتَانِ عَظِيمَتَانِ فَجَعَلَ أَحَدَاهُمَا لِمَنْ يَصَلِّي رَكَعَتَيْنِ لَا يَهُمُّ فِيهِمَا شَيْءٌ مِنْ أَمْرِ الدُّنْيَا وَ لَمْ يُجِبْهُ أَحَدٌ سِوَى عَلِيٍّ عَلَيْهِ السَّلَامُ فَأَعْطَاهُ كِلْتَابَهُمَا.^۱

۱. علامه مجلسی؛ بحار الأنوار ج ۴۱، ص ۱۸.

روزی دو شتر بزرگ به رسول الله ﷺ هدیه شد. آن حضرت رو به اصحاب کرد و فرمود آیا در بین شما کسی هست که دو رکعت نماز را خالصانه برای خدای عزوجل به جای آورد و قلبش فقط متوجه الله باشد و از کار دنیا چیزی در قلبش خطور نکند و در ذهنش راه نیابد، تا یکی از دو شتر را به او بدهم. علی علیه السلام برخاست و به نماز ایستاد. وقتی نماز را به پایان رسانید... رسول الله ﷺ هر دو شتر را به علی علیه السلام عطا فرمود.^۱

۵. توجه به عنایت خداوند به نمازگزار

از دیگر مواردی که اهمیت نماز را برای نمازگزار بیش از پیش جلوه‌گر می‌کند، توجه به عنایات پروردگار به نمازگزار است.

عَنْ جَعْفَرِ بْنِ مُحَمَّدٍ عَنْ أَبِيهِ قَالَ: قَالَ عَلِيٌّ عَلَيْهِ السَّلَامُ: لِلْمُصَلِّي ثَلَاثُ خَصَالٍ مَلَائِكَةُ حَافِينَ مِنْ قَدَمَيْهِ إِلَى أَعْنَانِ السَّمَاءِ وَ الْبُرْ يُنْتَرُ عَلَيْهِ مِنْ رَأْسِهِ إِلَى قَدَمِهِ وَ مَلَكٌ عَنْ يَمِينِهِ وَ عَنْ يَسَارِهِ فَإِنْ التَفَتَ قَالَ الرَّبُّ تَبَارَكَ وَ تَعَالَى إِلَى خَيْرٍ مِنْهُي تَلْتَفَتَ يَا ابْنَ آدَمَ لَوْ يَعْلَمُ الْمُصَلِّي مَنْ يَنَاجِي مَا انْقُتَلَ.^۲

حضرت علی علیه السلام می‌فرمایند: چون نمازگزار به نماز می‌ایستد، برای او سه خصلت است: فرشتگانی او را از جای پاهایش تا آسمان احاطه می‌کنند، و از آسمان بر فرق سرش رحمت و نیکی فرو می‌ریزد و فرشته‌ای از سمت راست و چپ بر او گماشته می‌شود. در این حال اگر نمازگزار توجه خود را از

۱. مشروح روایت در کتاب البرهان فی تفسیر القرآن؛ بحرانی؛ سیدهاشم بن سلیمان؛ ج ۵ ص ۱۴۹، ملاحظه شود.

۲. شیخ حر عاملی؛ وسائل الشیعة؛ ج ۷، ص ۲۸۹.

دست بدهد خدای تبارک و تعالی ندا می‌دهد: بهتر از من کسی را یافته‌ای که به او توجه می‌کنی؟ اگر نمازگزار می‌دانست با چه کسی مشغول مناجات است خسته و آزرده نمی‌شد.

عَنْ أَبِي ذَرٍّ عَنْ رَسُولِ اللَّهِ ﷺ فِي وَصِيَّتِهِ لَهُ قَالَ بَعْدَ مَا ذَكَرَ فَضْلَ الصَّلَاةِ فِي الْمَسْجِدِ الْحَرَامِ وَ مَسْجِدِ النَّبِيِّ وَ أَفْضَلَ مِنْ هَذَا كُلِّهِ صَلَاةُ يُصَلِّيَهَا الرَّجُلُ فِي بَيْتِهِ حَيْثُ لَا يَرَاهُ إِلَّا اللَّهُ عَزَّ وَ جَلَّ يَطْلُبُ بِهَا وَجَهَ اللَّهِ تَعَالَى يَا أَبَا ذَرٍّ مَا دُمْتُ فِي صَلَاةٍ فَإِنَّكَ تَقْرَعُ بَابَ الْمَلِكِ وَ مَنْ يَكْثُرْ قَرَعَ بَابَ الْمَلِكِ يُفْتَحْ لَهُ يَا أَبَا ذَرٍّ مَا مِنْ مُؤْمِنٍ يَقُومُ إِلَى الصَّلَاةِ إِلَّا تَنَازَعَتْ عَلَيْهِ أَلْوَانُ مَا بَيْنَهُ وَ بَيْنَ الْعَرْشِ وَ كُلُّ بِهِ مَلَكٌ يَنَادِي يَا ابْنَ آدَمَ لَوْ تَعْلَمُ مَا لَكَ فِي صَلَاتِكَ وَ مَنْ تَنَاجَى مَا سَنِمْتُ وَ لَا التَفْتُ.

رسول خدا ﷺ در سفارشاتشان به ابوذر پس از آنکه فضیلت نمازگزاردن در مسجد الحرام و مسجد النبی ﷺ را بیان کردند فرمودند: از همه این‌ها بهتر نماز مستحبی است که انسان در خانه خود، آنجا که جز خدا کسی او را نمی‌بیند، خالصانه به جای می‌آورد. ابوذر! مادامی که در نمازی، در خانه پادشاه عالم را می‌کوبی و آن که در خانه پادشاه را بسیار بکوبد، در بر او گشوده می‌شود. ابوذر! هیچ مؤمنی به نماز نمی‌ایستد مگر این که ما بین عرش تا سرش، نیکی ریزش می‌کند و فرشته‌ای بر او گمارده می‌شود که بانگ برآورد: ای فرزند آدم اگر می‌دانستی چه بهره‌ای از نماز داری و با چه کسی مشغول مناجات هستی خسته و آزرده نمی‌شدی.

وَقَالَ عَلَى الْغَيْبَةِ: إِذَا قَامَ الرَّجُلُ إِلَى الصَّلَاةِ أَقْبَلَ إِلَيْهِ إِبْلِيسُ يَنْظُرُ إِلَيْهِ حَسَدًا لِمَا يَرَى مِنْ رَحْمَةِ اللَّهِ الَّتِي تَغْشَاهُ.

حضرت امام علی علیه السلام فرمودند: هنگامی که شخصی به نماز می ایستد، چنان رحمت خداوند سر تا پای وجودش را می گیرد که حسادت شیطان برانگیخته می شود و شیطان با حسادت به او می نگرد.

عَنْ مُحَمَّدِ بْنِ عَلِيٍّ علیه السلام قَالَ: إِذَا اسْتَقْبَلَ الْمُصَلِّي الْقِبْلَةَ اسْتَقْبَلَ الرَّحْمَنَ بِوَجْهِهِ لَا إِلَهَ غَيْرُهُ.^۲

امام باقر علیه السلام می فرمایند: چون نمازگزار رو به قبله کند، به سوی خداوند رحمان که جز او معبودی نیست، روی نموده است.

۶. توجه به حالات پیغمبر صلی الله علیه و آله و اهتمام ایشان به نماز

از دیگر مواردی علیه السلام که اهمیت نماز را برای ما آشکار می کند، توجه به اهتمام ویژه پیامبر صلی الله علیه و آله و ائمه • به نماز است.

یک. پیامبر صلی الله علیه و آله

وَقَالَتْ عَائِشَةُ كَانَ رَسُولُ اللَّهِ صلی الله علیه و آله يُحَدِّثُنَا وَنُحَدِّثُهُ فَإِذَا حَضَرَتِ الصَّلَاةُ فَكَأَنَّهُ لَمْ يَعْرِفْنَا وَ لَمْ نَعْرِفْهُ.^۳

۱. علامه مجلسی؛ بحار الأنوار؛ ج ۷۹، ص ۲۰۷.

۲. علامه مجلسی؛ بحار الانوار؛ ج ۷۹ ص ۲۱۹.

۳. همان؛ ج ۸۱، ص ۲۵۸.

عایشه گوید: رسول خدا ﷺ با ما مشغول سخن گفتن بود، و ما با او سخن می‌گفتیم. همین که موقع نماز می‌شد، او را حالتی دست می‌داد که گویی نه او ما را می‌شناسد، و نه ما او را می‌شناسیم.

دو. امیرالمؤمنین علی (علیه السلام)

ذَكَرَ مُصَنِّفُ كِتَابِ اللَّوْلُؤِيَّاتِ فِي بَابِ الْخُشُوعِ قَالَ كَانَ عَلِيٌّ بْنُ أَبِي طَالِبٍ (عليه السلام) إِذَا حَضَرَ وَقْتُ الصَّلَاةِ يَتَزَلَّزَلُ وَيَقَالُ لَهُ مَا لَكَ يَا أَمِيرَ الْمُؤْمِنِينَ فَيَقُولُ جَاءَ وَقْتُ أَمَانَةِ اللَّهِ الَّتِي عَرَضَهَا عَلَى السَّمَاوَاتِ وَالْأَرْضِ فَأَبَيْنَ أَنْ يَحْمِلْنَهَا وَأَشْفَقْنَ مِنْهَا وَحَمَلَهَا الْإِنْسَانُ فَلَا أَدْرِي أَحْسَنُ أَدَاءً مَا حَمَلْتُ أَمْ لَا^۱

نویسنده کتاب لؤلؤیات در باب خشوع نوشته است: علی بن ابی‌طالب (علیه السلام) هر گاه وقت نماز می‌رسید، بر خود می‌لرزید و رنگ به رنگ می‌شد. از آن حضرت پرسیدند: ای امیرالمؤمنین! شما را چه می‌شود؟ می‌فرمود: وقت [ادای] امانت خدا فرا رسیده است؛ همان امانتی که خداوند به آسمان‌ها و زمین عرضه کرد و آنها از برداشتن آن امتناع کرده، ترسیدند ولی انسان آن را برداشت. و من نمی‌دانم آیا امانتی را که به عهده دارم نیکو، ادا خواهم کرد یا نه؟

سه. فاطمه (علیها السلام)

قَالَ النَّبِيُّ ﷺ : وَ أَمَّا ابْنَتِي فَاطِمَةُ فَإِنَّهَا سَيِّدَةُ نِسَاءِ الْعَالَمِينَ مِنَ الْأَوَّلِينَ وَالْآخِرِينَ وَ هِيَ بَضْعَةٌ مِنِّي وَ هِيَ نُورٌ عَيْنِي وَ هِيَ تَمَرَةٌ فُؤَادِي وَ هِيَ رُوحِي الَّتِي بَيْنَ جَنْبِي وَ هِيَ الْحَوَارِ الْأَنْسِيَّةُ مَتَى قَامَتْ فِي مَحْرَابِهَا بَيْنَ يَدَي رَبِّهَا جَلَّ جَلَالُهُ زَهَرَ نُورُهَا لِمَلَائِكَةِ السَّمَاءِ كَمَا يَزْهَرُ نُورُ الْكَوَاكِبِ لِأَهْلِ الْأَرْضِ وَ يَقُولُ اللَّهُ عَزَّ وَ جَلَّ لِمَلَائِكَتِهِ يَا مَلَائِكَتِي

۱. علامه مجلسی؛ بحارالانوار؛ ج ۷۹، ص ۲۴۸.

انظروا إلی أمتی فاطمة سیدة إمامی قائمة بین یدی ترتعد قرائصها من خیفتی و قد اُقبلت بقلبها علی عبادتی اُشهدکم انّی قد امنت شیعتها من النار.

رسول خدا ﷺ فرمود: فاطمه دختر من برترین زنان از اولین تا آخرین آنهاست. فاطمه پاره تن من است. فاطمه نور دو چشم من است. فاطمه قلب من است. فاطمه روح و جان من است. فاطمه حوریه‌ای است که به قیافه انسان در آمده است. هنگامی که فاطمه در مقابل پروردگار خود در میان محراب عبادت می‌ایستد، نور او برای ملائکه آسمان نظیر نور ستارگان برای اهل زمین می‌درخشد. خداوند به ملائکه خود می‌فرماید: ای ملائکه من! به فاطمه که برترین کنیزان من است، نظر کنید که چگونه در مقابل من قرار گرفته است. اعضا و جوارح او از خوف من می‌لرزد. فاطمه با توجه قلبی مشغول عبادت من شده است. من شما را شاهد می‌گیرم که شیعیان وی را از آتش ایمن می‌دارم.

چهار. امام حسن علیّه السلام

قال الصادق علیّه السلام حدّثنی أبی عن أبیه علیّه السلام انّ الحسن بن علی بن أبی طالب علیّه السلام کان أعبد الناس فی زمانه و أزهدهم و أفضلهم و... و کان إذا قام فی صلاته ترتعد قرائصه بین یدی ربّه عزّ و جلّ و کان إذا ذکر الجنة و النار اضطرب اضطراب السّليم و سأل الله الجنة و تعودّ به من النار. ۲

۱. همان، ج ۲۸، ص ۳۷.

۲. علامه مجلسی؛ بحارالانوار، ج ۴۳، ص ۳۳۱.

امام صادق علیه السلام از پدر و ایشان از پدرانشان علیهم السلام نقل می‌کنند: امام حسن بن علی علیه السلام عابدترین و زاهدترین و فاضل‌ترین مردم در روزگار خود بود. اگر به حج می‌رفت با پای پیاده و چه بسا با پای برهنه می‌رفت. هر گاه به یاد مرگ می‌افتاد، گریه می‌کرد. وقتی برانگیخته شدن در قیامت را به یاد می‌آورد، گریه می‌کرد. به یاد گذشتن از صراط که می‌افتاد، گریه می‌کرد و آنگاه که به یاد عرضه اعمال در برابر ذات اقدس الهی می‌افتاد، نعره‌ای می‌زد و خاموش می‌شد. وقتی در برابر پروردگار عزیز و جلیلش به نماز می‌ایستاد، گوشت‌های دو پهلویش می‌لرزید و هر وقت بهشت و جهنم را یاد می‌کرد مانند انسان مارگزیده، به اضطراب می‌آمد. از خدا آرزوی بهشت می‌کرد و از جهنم به او پناه می‌برد.

پنج. امام زین العابدین علیه السلام

و رَوَى الْكُتَيْبِيُّ بِإِسْنَادِهِ عَنْ أَبِي عَبْدِ اللَّهِ علیه السلام قَالَ كَانَ أَبِي يَقُولُ كَانَ عَلِيُّ بْنُ الْحُسَيْنِ علیه السلام إِذَا قَامَ فِي الصَّلَاةِ كَأَنَّهُ سَاقُ شَجَرَةٍ لَا يَتَحَرَّكُ مِنْهُ شَيْءٌ إِلَّا مَا حَرَّكَتِ الرِّيحُ مِنْهُ.^۱

امام صادق علیه السلام: پدرم می‌فرمود: علی بن الحسین علیه السلام هرگاه به نماز می‌ایستاد، به ساقه درختی می‌ماند که اصلاً تکان نمی‌خورد مگر قسمت‌هایی از آن که باد تکان می‌دهد.

۱. همان، ج ۸۱، ص ۲۴۸.

شش. امام باقر و امام صادق علیهما السلام

عَنْ أَبِي أَيُّوبَ قَالَ: كَانَ أَبُو جَعْفَرٍ وَ أَبُو عَبْدِ اللَّهِ عليهما السلام إِذَا قَامَا إِلَى الصَّلَاةِ تَغَيَّرَتْ أَلْوَانُهُمَا حُمْرَةً وَ مَرَّةً صُفْرَةً كَأَمَّا يَنَاجِيَانِ شَبَابًا يَرِيَانَهُ^۱.

از ابویوب نقل شده است: امام باقر علیه السلام و امام صادق علیه السلام هر گاه به نماز بر می‌خاستند، رنگشان تغییر می‌کرد؛ گاهی سرخ و گاهی زرد می‌شدند، گویی با کسی مناجات می‌کنند که او را می‌بینند.

۷. تقویت اعتقاد به قیامت

عامل دیگری که اهمیت نماز را در نگاه نمازگزار بیشتر می‌کند، اعتقاد به معاد و تقویت این اعتقاد است.

قال الله تعالى: وَ اسْتَعِينُوا بِالصَّبْرِ وَ الصَّلَاةِ وَ إِنَّهَا (أَى الصَّلَاةِ) لَكَبِيرَةٌ (عظيمة ثقیلة) إِلَّا عَلَى الْخَاشِعِينَ، الَّذِينَ يَظُنُّونَ أَنَّهُمْ مُلَاقُوا رَبِّهِمْ وَ أَنَّهُمْ إِلَيْهِ رَاجِعُونَ.^۲

خداوند تبارک و تعالی می‌فرماید: از شکیبایی و نماز یاری جوئید؛ و به راستی این [کار] گران است، مگر بر فروتنان. همان کسانی که می‌دانند با پروردگار خود دیدار خواهند کرد؛ و به سوی او باز خواهند گشت.

۱. همان، ۲۴۸، ص ۲۳۶.

۲. بقره: ۴۵-۴۶.

راه‌های تکمیل نماز

پس از آنکه اهمیت نماز روشن شد و نماز، کاری مهم، بلکه مهم‌ترین کار برایمان جلوه نمود، خودبه‌خود در صدد تکمیل آن برمی‌آییم؛ به گونه‌ای که ثمره آن " که نهی از فحشاء و منکر است " عملی شود و غرض اصلی آن که "یاد خداست" تحقق پذیرد. در این بخش به بیان راه حل مشکل دوم نمازهایمان می‌پردازیم و در راستای حل این مشکی که " نمازهای ما ناقص است "، راه‌های زیر را می‌توان از فرمایش‌های معصومین (علیهم‌السلام) استفاده کرد:

۱. فراگیری احکام نماز

یادگرفتن و رعایت کردن احکام نماز از قبیل واجبات، ارکان، مبطلات، مقدمات و اموری از این قبیل، شرط اساسی گام نهادن در فضای تکمیل است، چرا که بدون اینها ممکن است نماز، به مرحله صحت هم نرسد تا بتوان از کمال آن هم سخن گفت.

۲. رعایت آداب ظاهری نماز

رعایت آداب ظاهری نماز، ما را بیش از پیش کمک می‌کند تا نماز کاملی بخوانیم. فراموش نکنیم که نکته اصلی روایت حماد (که مورد نكوهش امام

صادق علیه السلام قرار گرفت) توجه به آداب ظاهری نماز بود. از آداب نماز می‌توان به موارد زیر اشاره کرد:

الف. انتخاب مکان مناسب؛

ب. انتخاب لباس مناسب؛

ج. پرهیز از حرکتهای اضافی (که منافى با حضور در محضر رب العالمین است)

عَنْ عَلِيِّ عليه السلام فِي حَدِيثِ الْأَرْبَعِمِائَةِ قَالَ وَ لَا يَعْثُ الرَّجُلُ فِي صَلَاتِهِ يَلْحِيَتِهِ وَ لَا يَمَّا يَشْغَلُهُ عَنْ صَلَاتِهِ.^۱

در حدیثی از امیرالمؤمنین علی علیه السلام آمده است: مرد نباید هنگام نماز، با ریشش یا هر چیزی که او را از نماز باز می‌دارد، بازی کند.

د. پرهیز از نماز در حالت کسالت

خداوند در قرآن کریم می‌فرماید: " يَا أَيُّهَا الَّذِينَ آمَنُوا لَا تَقْرَبُوا الصَّلَاةَ وَأَنْتُمْ سُكَارَى حَتَّى تَعْلَمُوا مَا تَقُولُونَ."^۲ گفتنی است "سکر" در آیه مذکور به "مستی خواب" نیز تفسیر شده است. عن أبي اسامة زيد الشحام، قال: قلت لأبي عبد الله عليه السلام: قول الله عز وجل: " لَا تَقْرَبُوا الصَّلَاةَ وَأَنْتُمْ سُكَارَى " فقال: "سکر النوم".^۳ زید شحام گوید: به امام صادق علیه السلام عرض کردم: نظرتان درباره این

^۱ شیخ حر عاملی؛ وسائل الشیعة؛ ج ۷، ص ۲۶۱.

^۲ نساء: ۴۳.

^۳ بحرانی؛ سیدهاشم؛ البرهان فی تفسیر القرآن؛ ج ۲، ص ۸۱؛ به نقل از: شیخ کلینی؛ کافی؛ ج ۳، ص ۲۹۹.

قول خداوند عزوجل که می‌فرماید: در حال مستی به نماز نزدیک نشوید، چیست؟ حضرت فرمودند: مراد، مستی خواب است.

"إِنَّ الْمُنَافِقِينَ يُخَادِعُونَ اللَّهَ وَهُوَ خَادِعُهُمْ وَإِذَا قَامُوا إِلَى الصَّلَاةِ قَامُوا كُسَالَى يُرَآؤُنَ النَّاسَ وَلا يَذْكُرُونَ اللَّهَ إِلَّا قَلِيلًا"^۱: منافقان همواره با خدا نیرنگ می‌کنند، و حال آنکه خدا کیفردهنده نیرنگ آنان است؛ و هنگامی که به نماز می‌ایستند، باکسالت می‌ایستند، و همواره در برابر مردم ریاکاری می‌کنند و خدا را جز اندکی به یاد نمی‌آورند.

فی حدیث المعراج: يَا أَحْمَدُ عَجِبْتُ مِنْ ثَلَاثَةِ عِبِيدٍ: عَبْدٌ دَخَلَ فِي الصَّلَاةِ وَهُوَ يَعْلَمُ إِلَى مَنْ يَرْفَعُ يَدَيْهِ وَقَدَّامَ مَنْ هُوَ وَهُوَ يَنْعَسُ ...

در حدیث معراج آمده است: ای احمد! از سه بنده در شگفتم: [اولی] بنده‌ای که به نماز می‌ایستد و می‌داند دست به سوی چه کسی برمی‌دارد و در برابر چه کسی ایستاده است، اما خواب‌آلود است...

ه. توجه‌نکردن به راست و چپ

رَوَى مَعَاذُ بْنُ جَبَلٍ عَنْهُ السلامة أَنَّهُ قَالَ مَنْ عَرَفَ مَنْ عَلَى يَمِينِهِ وَشِمَالِهِ مُتَعَمِّدًا فِي الصَّلَاةِ فَلَا صَلَاةَ لَهُ.^۲

پیامبر خدا السلامة فرمودند: هر که در نماز کاری کند که بداند در طرف راست و چپ او کیست، نمازش درست نیست.

وَقَالَ السلامة: إِنَّ اللَّهَ مُقْبِلٌ عَلَى الْعَبْدِ مَا لَمْ يَلْتَفِتْ.^۱

^۱. نساء: ۱۴۲.

^۲. همان، ج ۸۱، ص ۲۲۶.

پیامبر خدا ﷺ فرمودند: تا زمانی که بنده التفات [و توجه به غیر خدا] نکند، خداوند رو به او دارد.

عَلَى الْتِفَاتٍ قَالَ: الْاَلْتِفَاتُ فِي الصَّلَاةِ اخْتِلَاسٌ مِنَ الشَّيْطَانِ فَإِيَّاكُمْ وَ الْاَلْتِفَاتَ فِي الصَّلَاةِ فَإِنَّ اللَّهَ مُقْبِلٌ عَلَى الْعَبْدِ إِذَا قَامَ فِي الصَّلَاةِ فَإِذَا التَفَتَ قَالَ اللَّهُ تَبَارَكَ وَ تَعَالَى يَا ابْنَ آدَمَ عَمَّنْ تَلْتَفِتُ ثَلَاثَةً فَإِذَا التَفَتَ الرَّابِعَةَ أَعْرَضَ اللَّهُ عَنْهُ.^۲

امام علی (علیه السلام) فرمودند: التفات [و توجه به غیر خدا] در حال نماز، دست بردی از جانب شیطان است. پس، از توجه به غیر خدا در حال نماز بپرهیزید؛ زیرا هرگاه بنده به نماز بایستد، خداوند تبارک و تعالی به او رو می کند، و چون بنده به این سو و آن سو توجه کند، خداوند تبارک و تعالی فرماید: ای فرزند آدم! از که روی می گردانی؟! - تا سه مرتبه - و چون برای چهارمین بار بنده به غیر خدا توجه کرد، خداوند نیز از او روی می گرداند.

۳. افزایش حضور قلب با برطرف کردن موجبات حواس پرتی

از دیگر عوامل کامل کردن نماز، افزایش حضور قلب است. و حضور قلب بدون تلاش برای برطرف کردن موجبات حواس پرتی، حاصل نمی شود.

پیامبر خدا ﷺ فرمودند: لا یقبل الله صلوة عبد لا یحضر قلبه مع بدنه.^۳

خداوند نماز بنده ای را که دلش در کنار بدنش حضور ندارد، نمی پذیرد.

۱. همان، ج ۸۱، ص ۲۶۱.

۲. شیخ حر عاملی؛ وسائل الشیعة؛ ج ۷، ص ۲۸۸.

۳. بحارالانوار؛ ج ۸۱، ص ۲۴۲.

إِنَّ الْعَبْدَ لَيَصِلَى الصَّلَاةَ لَا يَكْتَبُ لَهُ سُدُسُهَا وَلَا عَشْرُهَا وَإِنَّمَا يَكْتَبُ لِلْعَبْدِ مِنْ صَلَوتِهِ مَا عَقَلَ مِنْهَا^۱.

[گاه] بنده نماز می‌خواند، اما یک‌ششم و یک‌دهم آن هم برایش نوشته نمی‌شود؛ تنها آن مقدار از نماز بنده به حساب می‌آید که با توجه همراه باشد.

معنای حضور قلب

"حضور قلب" یعنی انسان بداند مشغول چه کاری است و با توجه کامل آن را انجام دهد؛ یعنی فقط به کاری که انجام می‌دهد، توجه داشته باشد و نسبت به امور دیگر، بی‌توجه باشد. گفتنی است در روایات تعبیر "یعلم ما یقول فیهما": بداند در نماز چه می‌گوید و تعبیر "لم یحدث فیهما بشی من امور الدنیا": به کاری از امور دنیا در نمازش فکر نکند، وارد شده است.

چند تذکر

در حضور قلب، حتی موقع انجام یک بخش نباید ذهن نمازگزار متوجه بخش‌های دیگر باشد؛ مثلاً موقع قرائت، نباید به رکوع فکر کند. اینکه گفته می‌شود: برای حضور قلب، به معانی نماز توجه کنید، یعنی الفاظ را به قصد و با اراده‌ی جدی بگویید، نه اینکه یک بار عربی را بخوانید و در ذهن ترجمه را هم مرور کنید (یکی از بزرگان به کسی که گفته بود در نماز به معانی آن فکر می‌کنم، فرموده بودند: پس کی نماز می‌خوانی!). مثلاً

^۱. بحارالانوار؛ ج ۸۱، ص ۲۴۹.

بخش اول سورة مبارکه حمد را واقعاً به قصد ستایش خداوند متعال به زبان جاری کند و در بخش دوم، حقیقتاً از خداوند درخواست هدایت نماید و نگرانی خود را از مورد غضب خدا واقع شدن و گمراه گشتن ابراز نماید. و در تشهد، واقعاً به وحدانیت خدا و رسالت و بندگی پیامبر ﷺ گواهی دهد. نماز، از اذکار و افعالی تشکیل شده است که هر دو، معنادار هستند. معنی دار بودن الفاظ، روشن است. ولی برای فهم معنادار بدون افعال نماز، توجه به "اسرار الصلاة" و مطالعه کتاب‌هایی در این زمینه لازم است.

راه‌های تحصیل حضور قلب

باید توجه داشت که کسب حضور قلب مانند کسب یک مهارت، نیاز به تلاش دارد نه اینکه با ذکر و وردی انجام شود؛ و توقع حصول دفعی آن در هر شرایطی دور از واقعیت است. در ادامه به برخی از راه‌های تحصیل حضور قلب، اشاره می‌کنیم :

الف. مهم‌ترین راه درخواست از خداوند متعال است. "رَبِّ اجْعَلْنِي مَقِيمَ الصَّلَاةِ": ای پروردگار من، مرا برپادارنده نماز گردان.

ب. افزایش معرفت: فهم اهمیت نماز و توجه به آنچه در باب اهمیت نماز گفته شد، می‌تواند موجب حضور قلب بیشتر شود؛ چون کاری که برای انسان مهم باشد، انسان آن را با توجه بیشتر انجام می‌دهد، بلکه در هنگام کارهای دیگر هم حواسش به آن است؛ بنابراین اگر اهمیت نماز روشن شود، انسان در موقع کارهای دیگر هم، متوجه نماز خواهد بود: "خوشا آنان که دائم در نمازند!". شاهدش همان است که در نماز، کارهایی که برای ما مهم است، حواسمان را پرت می‌کند و ما را به خود مشغول می‌کند.

ج. ترک گناه: گناه کردن، ترک نمودن سیر بندگی است. بنابراین کسی که از گناه پرهیز کند، همیشه در سیر بندگی در حرکت است. در نتیجه، نماز هم ادامه سیر معمولی او خواهد بود و برای ورود به آن، نیاز به زحمت چندانی ندارد.

د. برطرف کردن موجبات حواس پرتی، مثل بی‌نظمی اگر کارهای انسان منظم باشد، موقع نماز می‌داند که فعلاً تنها کارش نماز است. ولی وقتی نامنظم باشد، اگر روحانی است، موقع نماز به فکر تهیه مطلب برای منبر خویش است، و اگر خانه‌دار است، به فکر تهیه غذا و نوع آن و ... است، و اگر دانش‌آموز است، فکر تکلیف و امتحان را می‌کند. یعنی بی‌نظمی انسان، راه را برای ورود شیطان باز می‌کند.

رَوَى عَنِ النَّبِيِّ ﷺ أَنَّ الْعَبْدَ إِذَا اشْتَغَلَ بِالصَّلَاةِ جَاءَهُ الشَّيْطَانُ وَقَالَ لَهُ اذْكُرْ كَذَا اذْكُرْ كَذَا حَتَّى يَضِلَّ الرَّجُلُ أَنْ يَدْرِيَ كَمْ صَلَّى^۱. پیامبر خدا ﷺ فرمودند: هرگاه بنده مشغول نماز شود، شیطان نزد او می‌آید و به وی می‌گوید: فلان چیز را به خاطر بیاور، بهمان چیز را به یاد بیاور، تا جایی که فرد یادش می‌رود چند رکعت خوانده است.

از دیگر موجبات حواس پرتی، صحبت کردن با دیگران، مشاهده تلویزیون، خواندن اخبار و نظیر اینها چند لحظه قبل از نماز است؛ چون اگر نفس آدمی تا قبل از گفتن تکبیرة الاحرام مشغول این امور باشد، مشکل می‌تواند هنگام نماز متوجه خدا گردد.

^۱. علامه مجلسی؛ بحارالأنوار؛ ج ۸۱، ص ۲۵۹.

ه. مراقبت مستمر در شبانه‌روز؛ یعنی مراقب باشیم کارهایی را که ممکن است مشغولیت فکری برایمان درست کند، انجام ندهیم، و به‌طور کلی از امور بیهوده و لغو روی‌گردان باشیم و آیات آغازین سوره مبارکه مؤمنون را از یاد نبریم که خداوند متعال فرموده است: "قد افلح المؤمنون، الذین هم فی صلواتهم خاشعون و الذین هم عن اللغو معرضون". مشاهده بسیاری از برنامه‌های تلویزیون می‌تواند از نمونه‌های امور بیهوده و لغو شمرده شود.

و. مقدمات نماز مانند وضو را با توجه انجام دادن.

ز. توسل همیشگی و هنگام شروع نماز به امام زمان علیه السلام: "بکم تُقبل الطاعة المفترضة".

ح. انصراف قلب از غیر خدا به مجرد التفات؛ یعنی پرهیز از انصراف اختیاری. در مواردی که ذهن به صورت ناخودآگاه متوجه مطلبی می‌شود و به فکر و اندیشه در مورد آن مشغول می‌شود، به مجرد توجه و التفات، انسان اندیشه مذبور را قطع کند و به نماز برگردد.^۱

۴. نماز اول وقت

یکی دیگر از راه کارهای کمال بخشی به نماز، اقامه آن در اول وقت است.

^۱. نقل است شخصی همیشه در عالم رؤیا، مسابقات فوتبال را در خواب می‌دید، نزد بزرگی آمد و چاره طلب نمود. آن بزرگ گفت: موقع خواب فلان ذکر را بگو تا از دیدن اینگونه خواب‌ها در امان بمانی. شخص مزبور پاسخ داد: آخر امشب فینال است، نمی‌توانم از آن چشم‌پوشی کنم!! . در حال نماز، نمازگزار نباید به این فکر باشد که مطالب غیر نماز را به سرانجام برساند.

"فویل للمصلین الذین هم عن صلوٰتہم ساهون"^۱ پس وای بر نمازگزاران که از نمازشان غافل و نسبت به آن سهل انگارند.

عَنْ عَلِيٍّ عَلَيْهِ السَّلَامُ فِي حَدِيثِ الْأَرْبَعَاءَةِ قَالَ لَيْسَ عَمَلٌ أَحَبَّ إِلَى اللَّهِ عَزَّ وَجَلَّ مِنَ الصَّلَاةِ فَلَا يَسْخَلَنَّكُمْ عَنْ أَوْقَاتِهَا شَيْءٌ مِنْ أُمُورِ الدُّنْيَا فَإِنَّ اللَّهَ عَزَّ وَجَلَّ ذَمَّ أَقْوَامًا فَقَالَ الَّذِينَ هُمْ عَنْ صَلَاتِهِمْ سَاهُونَ يَعْنِي أَنَّهُمْ غَافِلُونَ اسْتَهَانُوا بِأَوْقَاتِهَا.^۲

امام علی (علیه السلام): هیچ کاری نزد خداوند عزوجل محبوبتر از نماز نیست. پس مبدا چیزی از امور دنیا شما را از اوقات نماز باز دارد؛ زیرا خداوند عزوجل مردمانی را نکوهیده و فرموده است: "آنان که از نمازشان غافلند؛ یعنی از اوقات نماز غافل اند و به آن اهمیتی نمی دهند.

وَعَنْ أَبِي عَبْدِ اللَّهِ عَلَيْهِ السَّلَامُ قَالَ: إِنَّ فَضْلَ الْوَقْتِ الْأَوَّلِ عَلَى الْآخِرِ كَفَضْلِ الْآخِرَةِ عَلَى الدُّنْيَا.^۳

امام صادق (علیه السلام) فرمودند: فضیلت اول وقت [نماز] بر آخر وقت، همچون فضیلت آخرت بر دنیا است.

وَقَالَ عَلَيْهِ السَّلَامُ: أَوَّلُ الْوَقْتِ رِضَاؤُ اللَّهِ وَآخِرُهُ عَفْوُ اللَّهِ وَالْعَفْوُ لَا يَكُونُ إِلَّا مِنْ ذَنْبٍ.^۴

همچنین حضرت (علیه السلام) فرمودند: اول وقت [مايه] خشنودی خداست و آخر وقت [باعث] آمرزش خدا. یعنی آن که نمازش را به تأخیر انداخته است، تاثیر نمازش را کم کرده است.

۱. ماعون: ۴-۵.

۲. شیخ حر عاملی؛ وسائل الشیعة؛ ج ۴، ص ۱۱۳.

۳. شیخ کلینی؛ کافی؛ ج ۳، ص ۲۷۴.

۴. شیخ صدوق؛ من لایحضره الفقیه؛ ج ۱، ص ۲۱۷.

۵. توجه به معانی و اسرار نماز و رعایت آداب آن

از دیگر عواملی که موجب می شود انسان نمازش را کامل تر به جا آورد، توجه به اسرار نماز است.

همه عبادات و از جمله نماز، دارای اسراری هستند که به بعضی از آنها در کتاب های آداب الصلاه و اسرار الصلاه اشاره شده و بیان آنها از توان و حوصله این نوشته خارج است. مثلاً در فلسفه وضو چنین آمده است: «إِذَا قَامَ بَيْنَ يَدَيِ الْجَبَّارِ عِنْدَ مُنَاجَاتِهِ إِيَّاهُ مُطِيعاً لَهُ فِيمَا أَمَرَهُ تَقِيّاً مِنَ الْأَدْنَسِ وَ النَّجَاسَةِ مَعَ مَا فِيهِ مِنْ ذَهَابِ الْكُسْلِ وَ طَرْدِ النَّعَاسِ وَ تَرْكِهِ الْقَوَادِلِ الْقِيَامَ بَيْنَ يَدَيِ الْجَبَّارِ...»^{۱۰}

فضل بن شاذان از امام رضا علیه السلام چنین نقل می کند: همانا به وضو امر شده برای اینکه بنده وقتی در مقابل پروردگار جبار به مناجات می ایستد طاهر و پاکیزه باشد، مضافاً بر اینکه امر و فرمان او را که به منظور بر حذر ماندن از ناپاکی ها و نجاسات صادر شده، اطاعت کند. علاوه بر آن بدین وسیله کسالت و چرت از او برطرف گشته، قلب از ناپاکی ها ترکیه می گردد و [در نتیجه] بنده با طهارت جسم و قلب در مقابل پروردگار جبار می ایستد [و با او مناجات می کند].

توجه به دعاها و وارد هنگام وضو هم می تواند ما را به فلسفه اجزای وضو رهنمون شود:

۱. شیخ حر عاملی؛ وسائل الشیعة؛ ج ۱، ص ۳۶۷.

الف) انسان موقع دیدن آب، متوجه این نعمت عظیم و پاک‌کننده بودن آن می‌شود؛

ب) و در هنگام مضممه "اللهم لُقْنِي حَجَّتِي" می‌گوید و صحنه قیامت را ترسیم می‌کند؛

ج) و هنگام استنشاق، به یاد بهشت و جهنم می‌افتد و "اللهم لا تُحَرِّم عَلَيَّ رِيحَ الْجَنَّةِ" می‌گوید؛

د) و در هنگام شستن صورت و دست‌ها و مسح سر و پاها، صحنه‌های دیگر قیامت را ترسیم می‌کند...^۱

۱. شیخ صدوق؛ من لایحضره الفقیه؛ ج ۱، ص ۴۱.

قَالَ الصَّادِقُ عليه السلام بَيْنَا أَمِيرُ الْمُؤْمِنِينَ عليه السلام ذَاتَ يَوْمٍ جَالِسٌ مَعَ مُحَمَّدِ بْنِ الْحَفِيفَةِ إِذْ قَالَ لَهُ يَا مُحَمَّدُ ائْتِنِي بِإِنَاءٍ مِنْ مَاءٍ أَتَوَضَّأُ لِلصَّلَاةِ فَأَتَاهُ مُحَمَّدٌ بِالْمَاءِ فَأَكْفَأَ بِيَدِهِ الْيَمْنَى عَلَى يَدِهِ الْيُسْرَى ثُمَّ قَالَ بِسْمِ اللَّهِ وَ بِاللَّهِ وَ الْحَمْدُ لِلَّهِ الَّذِي جَعَلَ الْمَاءَ طَهُورًا وَ لَمْ يَجْعَلْهُ نَجَسًا قَالَ ثُمَّ اسْتَنْجَيْ فَقَالَ اللَّهُمَّ حَصِّنْ فَرْجِي وَ أَعْفُهِ وَ اسْتَرْ عَوْرَتِي وَ حَرِّمْنِي عَلَى النَّارِ قَالَ ثُمَّ مَضَمَضَ فَقَالَ اللَّهُمَّ لُقْنِي حَجَّتِي يَوْمَ الْبَقَاكِ وَ أَطْلِقْ لِسَانِي بِذِكْرِكَ وَ شُكْرِكَ ثُمَّ اسْتَنْشَقَ فَقَالَ اللَّهُمَّ لَا تُحَرِّمْ عَلَيَّ رِيحَ الْجَنَّةِ وَ اجْعَلْنِي مِمَّنْ يَشْمُ رِيحَهَا وَ رُوحَهَا وَ طِبْهَا قَالَ ثُمَّ غَسَلَ وَجْهَهُ فَقَالَ اللَّهُمَّ بَيِّضْ وَجْهِي يَوْمَ تَسْوَدُ فِيهِ الْوُجُوهُ وَ لَا تَسْوَدْ وَجْهِي يَوْمَ تَبْيِضُ فِيهِ الْوُجُوهُ هُ ثُمَّ غَسَلَ يَدَيْهِ الْيَمْنَى فَقَالَ اللَّهُمَّ أُعْطِنِي كِتَابِي بِيَمِينِي وَ الْخُلْدَ فِي الْجَنَانِ بِيَسَارِي وَ حَاسِبَنِي حَسَابًا يَسِيرًا ثُمَّ غَسَلَ يَدَيْهِ الْيُسْرَى فَقَالَ اللَّهُمَّ لَا تُعْطِنِي كِتَابِي بِيَسَارِي وَ لَا تَجْعَلْهَا مَغْلُولَةً إِلَى عُنُقِي وَ أَعُوذُ بِكَ رَبِّي مِنْ مَقْطَعَاتِ النَّبْرَانِ ثُمَّ مَسَحَ رَأْسَهُ فَقَالَ اللَّهُمَّ عَشِّنِي بِرَحْمَتِكَ وَ بَرِّكَاةِكَ وَ عَفْوِكَ ثُمَّ مَسَحَ رِجْلَيْهِ فَقَالَ اللَّهُمَّ ثَبِّتْنِي عَلَى الصِّرَاطِ يَوْمَ تَزُولُ فِيهِ الْأَقْدَامُ وَ اجْعَلْ سَعْيِي فِيمَا يَرْضِيكَ عَنِّي يَا ذَا الْجَلَالِ وَ الْإِكْرَامِ ثُمَّ رَفَعَ رَأْسَهُ فَظَنَرَ إِلَى مُحَمَّدٍ فَقَالَ يَا مُحَمَّدُ مِنْ تَوَضَّأَ مِثْلَ وَضْوِي وَ قَالَ مِثْلَ قَوْلِي خَلَقَ اللَّهُ تَبَارَكَ وَ تَعَالَى مِنْ كُلِّ قَطْرَةٍ مَلَكًا يَقْدُسُهُ وَ يَسْبَحُهُ وَ يَكْبِّرُهُ فَيَكْتُبُ اللَّهُ عَزَّ وَ جَلَّ ثَوَابَ ذَلِكَ لَهُ إِلَى يَوْمِ الْقِيَامَةِ

۶. اهتمام به نماز جماعت

نماز جماعت یکی از کامل‌ترین شکل‌های نماز است. نمازگزار با حضور در مسجد و اهتمام به نماز جماعت می‌تواند نمازش را به درجه‌ای از کمال برساند که نماز فرادای در خانه در مقایسه با آن اصلاً نماز به حساب نیاید. در این میان آگاهی از اهمیت نماز جماعت بسیار راه‌گشا باشد.

اهمیت نماز جماعت

حَمَادٌ عَنْ حَرِيزٍ عَنْ زُرَّارَةَ وَ الْفَضِيلِ قَالَا قُلْنَا لَهُ الصَّلَاةُ فِي جَمَاعَةٍ قَرِيضَةٌ هِيَ فَقَالَ الصَّلَاةُ قَرِيضَةٌ وَ لَيْسَ الْجَمَاعَةُ مَفْرُوضٌ فِي الصَّلَاةِ كُلِّهَا وَ لَكِنَّهَا سُنَّةٌ وَ مَنْ تَرَكَهَا رَغْبَةً عَنْهَا وَ عَنْ جَمَاعَةِ الْمُؤْمِنِينَ مِنْ غَيْرِ عِلَّةٍ فَلَا صَلَاةَ لَهُ.^۱

زراره و فضیل که از شخصیت‌های بسیار نزدیک به امام صادق علیه السلام هستند، می‌گویند: به حضرت عرضه داشتیم که آیا نماز را به جماعت گزاردن واجب است؟ حضرت در پاسخ فرمودند: اصل نماز واجب است ولی به جماعت گزاردنش واجب نیست؛ ولیکن مستحب است و چنان این مستحب مورد تأکید است که اگر کسی از روی بی‌اعتنایی به جماعت و اجتماع مؤمنان و بدون عذر آن را ترک کند، گویی اصلاً نماز نخوانده است. (اینکه شبهه وجوب جماعت برای شخصیت‌هایی چون زراره فضیل مطرح بوده، حاکی از کمال اهمیت جماعت است).

عَنْ جَابِرٍ عَنْ أَبِي جَعْفَرٍ علیه السلام : قَالَ ... وَ فَضْلُ صَلَاةِ الْجَمَاعَةِ عَلَى صَلَاةِ الرَّجُلِ قَدْأً (فرداً) خَمْسٌ وَ عِشْرُونَ دَرَجَةً فِي الْجَنَّةِ.^۱

۱. شیخ کلینی؛ کافی؛ ج ۳، ص ۳۷۲.

جابر از امام باقر علیه السلام نقل کرده که حضرت فرموده اند: نماز جماعت در بهشت، بیست و پنج درجه بالاتر از نماز فرادا است.

قَالَ رَسُولُ اللَّهِ ﷺ : وَمَنْ مَشَى إِلَى مَسْجِدٍ يَطْلُبُ فِيهِ الْجَمَاعَةَ كَانَ لَهُ بِكُلِّ خُطْوَةٍ سَبْعُونَ أَلْفَ حَسَنَةٍ وَ يُرْفَعُ لَهُ مِنَ الدَّرَجَاتِ مِثْلُ ذَلِكَ فَإِنْ مَاتَ وَ هُوَ عَلَى ذَلِكَ وَكَلَّ اللَّهُ بِهِ سَبْعِينَ أَلْفَ مَلَكٍ يَعُودُونَهُ فِي قَبْرِهِ وَ يَبْشِرُونَهُ وَ يُؤْنِسُونَهُ فِي وَحْدِهِ وَ يَسْتَغْفِرُونَ لَهُ حَتَّى يُبْعَثَ.^۱

پیامبر خدا صلی الله علیه و آله فرمودند: هر که برای شرکت در نماز جماعت به مسجدی رود، برای هر قدمی که برمی دارد، هفتاد هزار حسنه منظور شود و به همان اندازه درجاتش بالا می رود و اگر در آن حال بمیرد، خداوند هفتاد هزار فرشته می گمارد که در قبرش به عیادت او روند و انیس تنهایی او باشند و تا زمانی که برانگیخته شود، برایش آمرزش طلبند.

چند نکته درباره نماز جماعت

۱. همسایه مسجد و کسی که صدای اذان را می شنود، باید نسبت به نماز جماعت عنایت بیشتری داشته باشد؛
۲. اهتمام به جماعت، در نماز صبح و مغرب و عشاء بیشتر مورد توصیه است؛ مستحب مؤکد است؛

۱. همان.

۲. شیخ حر عاملی؛ وسائل الشیعة؛ ج ۸، ص ۲۸۷.

قَالَ الصَّادِقُ (عَلَيْهِ السَّلَامُ) مَنْ صَلَّى الْغَدَاةَ وَالْعِشَاءَ الْآخِرَةَ فِي جَمَاعَةٍ فَهُوَ فِي ذِمَّةِ اللَّهِ عَزَّ وَجَلَّ وَ مَنْ ظَلَمَهُ فَإِنَّمَا يَظْلِمُ اللَّهَ وَ مَنْ حَقَّرَهُ فَإِنَّمَا يُحَقِّرُ اللَّهَ عَزَّ وَجَلَّ: ^۱ کسی که نماز صبح و نماز عشا را به جماعت بگزارد، در پناه خدای عزوجل خواهد بود و اگر کسی به او ستم نماید، به خدا ستم نموده است و هر کس او را کوچک بشمارد، خدای عزوجل را کوچک شمرده اس؛

قَالَ رَسُولُ اللَّهِ (صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ وَسَلَّمَ): فَمَنْ صَلَّى الْمَغْرِبَ وَالْعِشَاءَ الْآخِرَةَ وَصَلَاةَ الْغَدَاةِ فِي الْمَسْجِدِ فِي جَمَاعَةٍ فَكَأَنَّمَا أَحْيَا اللَّيْلَ كُلَّهُ. ^۲

پیامبر (ص) فرمودند: هر کس نماز مغرب و عشا و نماز صبح را در مسجد به جماعت به جای آورد، مثل این است که تمام شب را به عبادت گزرانده باشد.

۳. در نماز جماعت، نزدیک به امام ایستادن، در صف اول ایستادن و در سمت راست صفوف ایستادن، مورد توصیه است؛

عَنْ جَابِرٍ عَنْ أَبِي جَعْفَرٍ (عَلَيْهِ السَّلَامُ) قَالَ: وَ أَفْضَلُ الصُّفُوفِ أُولَاهَا وَ أَفْضَلُ أُولَاهَا مَا دَنَا مِنَ الْإِمَامِ. ^۳

جابر از امام بار (ع) نقل کرده که فرمودند: صف‌های نخست جماعت از بقیه صفوف برترند و در صف‌های نخست، هر چه مأوم به امام نزدیکتر باشد از فضیلت بیشتری برخوردار است.

۱. همان، ص ۲۹۵.

۲. علامه مجلسی؛ بحار الأنوار؛ ج ۶۶، ص ۳۶۹.

۳. شیخ کلینی؛ کافی؛ ج ۳، ص ۳۷۲.

قَالَ أَبُو الْحَسَنِ مُوسَى بْنُ جَعْفَرٍ عليه السلام: إِنَّ الصَّلَاةَ فِي الصَّفِّ الْأَوَّلِ كَالْجِهَادِ فِي سَبِيلِ اللَّهِ عَزَّ وَجَلَّ.^۱

نماز در اول وقت قطعاً همچون جهاد در راه خدای عزوجل است.
قَالَ رَسُولُ اللَّهِ ﷺ وَمَنْ حَافَظَ عَلَى الصَّفِّ الْأَوَّلِ وَالتَّكْبِيرَةِ الْأُولَى لَا يُؤْذَى مُسْلِمًا أَعْطَاهُ اللَّهُ مِنَ الْأَجْرِ مَا يُعْطَى الْمُؤَدَّنُونَ فِي الدُّنْيَا وَالْآخِرَةِ.^۲

رسول خدا ﷺ فرمودند: آنکه پیوسته در صف اول می ایستد و از آغار نماز و هنگام تکبیره الاحرام با جماعت همراه می شود، بدون آنکه به مسلمانی آسیب برساند، خداوند پاداش اذان گویان در دنیا و آخرت را به او عطا فرماید.

عَنْ سَهْلِ بْنِ زِيَادٍ بِإِسْنَادِهِ قَالَ: قَالَ فَضْلُ مِيَامِنِ الصُّفُوفِ عَلَى مِيَاسِرِهَا كَفَضْلِ الْجَمَاعَةِ عَلَى صَلَاةِ الْفَرْدِ.^۳

سهل بن زیاد از امام صادق عليه السلام نقل می کند که فرمودند: برتری طرف راست صفوف بر طرف چپ آنها همچون برتری نماز جماعت بر فرادا است.
۴. در نماز جماعت خوب است کسانی که شایستگی امامت دارند، در صف اول نزدیک امام بایستند.

عَنْ جَابِرٍ عَنْ أَبِي جَعْفَرٍ عليه السلام: قَالَ قَالَ لِيَكُنِ الَّذِينَ يَلُونِ الْإِمَامَ أُولَى الْأَحْلَامِ مِنْكُمْ وَالنَّهْيُ فَإِنَّ نَسَى الْإِمَامُ أَوْ تَعَايَا قَوْمَهُ.^۱

۱. شیخ حر عاملی؛ وسائل الشیعة؛ ج ۸، ص ۳۰۷.

۲. همان.

۳. شیخ کلینی؛ کافی؛ ج ۳، ص ۳۷۳.

جابر از امام باقر علیه السلام نقل می کند که فرمودند: در کنار امام جماعت و نزدیک به او باید انسان های بالغ و برخوردار از عقل و درایت بایستند که اگر امام جماعت دچار نسیان و اشتباه شد او را متذکر سازند.

۷. اهتمام به تعقیبات

از دیگر مواردی که در کامل کردن نماز، نقش بسزایی دارد، خواندن تعقیبات است.

تعقیب چیست؟

در تعریف تعقیب آمده است: و هو الاشتغال عقیب الصلاة بالدعاء أو الذكر أو التلاوة أو غيرها من الأفعال الحسنة مثل التفكير في عظمة الله ونحوه و مثل البكاء لخشية الله أو للرغبة إليه و غیر ذلك و هو من السنن الأكيدة و منافعه فی الدین و الدنيا كثيرة^۱: (تعقیب عبارت است از اینکه نمازگزار) پس از ادای نماز به دعا، ذکر، تلاوت قرآن و اموری از این قبیل همچون تفکر در عظمت خداوند، گریه از ترس او به خاطر اشتیاق به او، بپردازد. و تعقیب از مستحبات مؤکد است و منافع و آثار دنیوی و اخروی فراوانی دارد.

اهمیت تعقیب

همانگونه که گفته شد انجام تعقیبات یکی از مستحباتی است که تأکید فراوانی بر آن شده است و دارای بهره های دنیوی و اخروی فراوانی است.

^۱. همان، ص ۳۷۲. قوله علیه السلام: تعایا می العی و هو العجز و عدم الاهتمام لوجه المراد او منه بمعنی الجهل و عدم البیان و قال م. حقیق الشعرانی فی هامش الوافی: قوله تعایا قوموه ای: اذا لم یستطع او منی بعض کلمات القرآن فی القراءة ذکره. (راجع الی الکافی- دارالحديث- ج ۶، ص ۳۲۲).
۱. سید محمدکاظم یزدی: العروة الوثقی؛ ج ۱، ص ۷۰۳.

عَنْ مَسْعَدَةَ بْنِ صَدَقَةَ عَنْ أَبِي عَبْدِ اللَّهِ عليه السلام قَالَ: كَانَ أَبِي يَقُولُ فِي قَوْلِ اللَّهِ تَبَارَكَ وَتَعَالَى فَإِذَا فَرَغْتَ فَانصَبْ وَإِلَىٰ رَبِّكَ فَارْغَبْ، إِذَا قَضَيْتَ الصَّلَاةَ بَعْدَ أَنْ تُسَلِّمَ وَأَنْتَ جَالِسٌ فَانصَبْ فِي الدُّعَاءِ مِنْ أَمْرِ الدُّنْيَا وَالْآخِرَةِ فَإِذَا فَرَغْتَ مِنَ الدُّعَاءِ فَارْغَبْ إِلَى اللَّهِ عَزَّ وَجَلَّ أَنْ يَتَقَبَّلَهَا مِنْكَ.^۱

مسعدة بن صدقه از امام باقر عليه السلام نقل کرده که فرمودند: پدرم درباره آیات "فإذا فرغت فانصب و إلى ربك فارغب"، می فرمود: هنگامی که نماز را به جا آوردی و از انجام آن فارغ شدی پس از نماز سلام، با همان حال نشسته خود را به دعا کردن درباره امور دنیا و آخرت مشغول ساز (و به زحمت انداز) و چون از دعا فارغ شدی به سوی خداوند عزوجل توجه کن که نمازت را قبول کند.

رَوَى شَيْخُ الطَّائِفَةِ فِي التَّهْذِيبِ بِسَنَدٍ صَحِيحٍ عَنِ الصَّادِقِ عليه السلام أَنَّهُ قَالَ التَّعْقِيبُ يُبْلَغُ فِي طَلَبِ الرِّزْقِ مِنَ الضَّرْبِ فِي الْبِلَادِ.^۲

امام صادق عليه السلام فرمودند: اثر تعقیب در طلب نمودن و به دست آوردن روزی، از مسافرت کردن در شهرها بیشتر است.

عن ابی عبد الله عليه السلام : إن الله فرض الصلوات في أحبِّ الأوقات، فاسألوا حوائجكم عقيب فرائضكم.

۱. شیخ حر عاملی؛ وسائل الشیعة؛ ج ۶، ص ۴۲۹.

۲. سید بطاویوس؛ مفتاح الفلاح فی عمل الیوم و اللیلة من الواجبات و المستحبات؛ ص ۶۴.

از امام صادق علیه السلام روایت شده که فرمودند: خداوند نمازها را در بهترین زمان‌های شبانه روز بر شما واجب نموده است. پس (از فرصت استفاده کنید) و نیازهای خود را پس از نمازهای واجب از خداوند درخواست نمایید. و قال اللهم: من أدّى لله مكتوبةً، فله في أثرها دعوة مستجابة.^۱

پیامبر صلی الله علیه و آله فرمودند: هر کس نماز واجبی را برای خدا به جای آورد، پس از آن دعای مستجابی خواهد داشت.

احکام تعقیبات^۲

۱. تعقیب، بعد از نمازهای مستحب هم مستحب است، و اگرچه بر استحباب آن بعد از نمازهای واجب بیشتر تأکید شده است.
۲. تعقیب باید عرفاً متصل به نماز باشد. البته صدق "اتصال" به حسب مقامات مثل سفر و حضر و اضطرار و اختیار مختلف است؛ بنابراین در سفر و در حال اضطرار ممکن است اتصال، بر حالت سواره و پیاده هم صادق باشد.

^۱ . شیخ حرّ عاملی؛ وسائل الشیعه؛ ج ۶، ص ۴۳۱.

۲. سید محمدکاظم یزدی؛ العروة الوثقی؛ ج ۱، ص ۷۰۳ (الظاهر استحبابه بعد النوافل أيضا و إن كان بعد الفرائض أكد و يعتبر أن يكون متصلا بالفراغ منها غير مشغول بفعل آخر ينافي صدقه الذي يختلف بحسب المقامات من السفر و الحضر و الاضطراب و الاختيار ففي السفر يمكن صدقه حال الركوب أو المشي أيضا كحال الاضطراب و المدار على بقاء الصدق و الهيئة في نظر المتشرعة و القدر المتيقن في الحضر- الجلوس مشغولا بما ذكر من الدعاء و نحوه و الظاهر عدم صدقه على الجلوس بلا دعاء أو الدعاء بلا جلوس إلا في مثل ما مر و الأولى فيه الاستقبال و الطهارة و الكون في المصلی و لا يعتبر فيه كون الأذکار و الدعاء بالعربية و إن كان هو الأفضل كما أن الأفضل الأذکار و الأدعية المأثورة المذكورة في كتب العلماء).

۳. ظاهراً تعقیب بر "نشستن بعد از نماز بدون دعا خواندن" یا "دعا کردن بدون نشستن در غیر حال سفر و اضطرار" صادق نیست.
۴. بهتر است انسان در حال تعقیب هم، رو به قبله و با طهارت باشد و ذکرها و دعاها را به عربی بگوید و دعا‌های وارده را بخواند.

نمونه‌ای از تعقیبات وارده

۱. نماز گزار بعد از سلام نماز، سه بار تکبیر بگوید و دست‌هایش را همچون تکبیرهای دیگر بالا بیاورد.

عَنِ الْمُفَضَّلِ بْنِ عُمَرَ قَالَ: قُلْتُ لِأَبِي عَبْدِ اللَّهِ عليه السلام لَأَيِّ عِلَّةٍ يُكَبِّرُ الْمُصَلِّي بَعْدَ التَّسْلِيمِ ثَلَاثًا يَرْفَعُ بِهَا يَدَيْهِ فَقَالَ لِأَنَّ النَّبِيَّ صلى الله عليه وآله لَمَّا فَتَحَ مَكَّةَ صَلَّى بِأَصْحَابِهِ الظُّهْرَ عِنْدَ الْحَجَرِ الْأَسْوَدِ فَلَمَّا سَلَّمَ رَفَعَ يَدَيْهِ وَكَبَّرَ ثَلَاثًا وَقَالَ لَا إِلَهَ إِلَّا اللَّهُ وَحْدَهُ وَحْدَهُ أَنْجَزَ وَعْدَهُ وَنَصَرَ عَبْدَهُ وَأَعَزَّ جُنْدَهُ وَغَلَبَ الْأَحْزَابَ وَحْدَهُ فَلَهُ الْمُلْكُ وَلَهُ الْحَمْدُ يُحْيِي وَيُمِيتُ وَهُوَ عَلَى كُلِّ شَيْءٍ قَدِيرٌ ثُمَّ أَقْبَلَ عَلَى أَصْحَابِهِ فَقَالَ لَا تَدْعُوا هَذَا التَّكْبِيرَ وَهَذَا الْقَوْلُ فِي دُبُرِ كُلِّ صَلَاةٍ مَكْتُوبَةٍ فَإِنَّ مَنْ فَعَلَ ذَلِكَ بَعْدَ التَّسْلِيمِ وَقَالَ هَذَا الْقَوْلُ كَانَ قَدْ أَدَّى مَا يَجِبُ عَلَيْهِ مِنْ شُكْرِ اللَّهِ تَعَالَى عَلَى تَقْوِيَةِ الْإِسْلَامِ وَجَنْدِهِ.

مفضل بن عمر گوید به امام صادق عليه السلام عرض کردم: چرا نماز گزار پس از سلام نماز دستها را بالا می‌برد و سه مرتبه الله اکبر می‌گوید؟ حضرت در جواب فرمودند: چون پیامبر صلى الله عليه وآله پس از فتح مکه نماز ظهر را در کنار حجر الاسود با همراهی اصحاب به جا آوردند و پس از سلام نماز دستها را

بالا آورده سه مرتبه تکبیر گفتند و دعای "لَا إِلَهَ إِلَّا اللَّهُ" تا آخر را خواندند، سپس رو به اصحاب نموده و فرمودند: مبدا پس از هر نماز واجب این تکبیر و دعا را ترک کنید، چرا که هر که پس از نماز به این تکبیر و دعا ملتزم باشد آنچه را که بر او واجب است یعنی شکرگزاری از خداوند به خاطر تقویت اسلام و لشکر اسلام، را به جا آورده است.

۲. تسبیح حضرت زهرا (علیها السلام) افضل تعقیبات است.

عَنْ زُرَّارَةَ بْنِ أَعْيَنَ عَنْ أَبِي عَبْدِ اللَّهِ (عليه السلام) قَالَتْ تَسْبِيحُ فَاطِمَةَ الزَّهْرَاءِ (عليها السلام) مِنَ الذِّكْرِ الْكَثِيرِ الَّذِي قَالَ اللَّهُ عَزَّوَجَلَّ اذْكُرُوا اللَّهَ ذِكْرًا كَثِيرًا.^۱

امام صادق (عليه السلام) فرمودند: تسبیح فاطمه زهرا (علیها السلام) از جمله همان ذکر کثیر است که خداوند عزوجل فرموده است: "خدا را بسیار یاد کنید".

عَنْ عُقْبَةَ عَنْ أَبِي جَعْفَرٍ (عليه السلام) قَالَ مَا عُبِدَ اللَّهُ بِشَيْءٍ مِنَ التَّحْمِيدِ أَفْضَلَ مِنْ تَسْبِيحِ فَاطِمَةَ (عليها السلام) وَ لَوْ كَانَ شَيْءٌ أَفْضَلَ مِنْهُ لَنَحَلَهُ رَسُولُ اللَّهِ (صلى الله عليه وآله وسلم) فَاطِمَةَ (عليها السلام).^۲ امام باقر (عليه السلام) فرمودند: خداوند در مقام ستایش، به چیزی برتر از تسبیح حضرت فاطمه (علیها السلام) ستایش نشده است و اگر از این تسبیح چیزی برتر بود پیامبر (صلی الله علیه و آله و سلم) همان رابه فاطمه (علیها السلام) می بخشیدند.

عَنْ أَبِي خَالِدٍ الْقَمَطِ قَالَ سَمِعْتُ أَبَا عَبْدِ اللَّهِ (عليه السلام) يَقُولُ تَسْبِيحُ فَاطِمَةَ (عليها السلام) فِي كُلِّ يَوْمٍ فِي دُبُرِ كُلِّ صَلَاةٍ أَحَبُّ إِلَيَّ مِنْ صَلَاةٍ أَلْفِ رَكْعَةٍ فِي كُلِّ يَوْمٍ...^۳

^۱ . شیخ کلینی؛ کافی؛ ج ۲، ص ۵۰۰.

^۲ . همان، ج ۳، ص ۳۴۳.

^۳ . الکافی؛ ج ۳، ص ۳۴۳، باب التعقیب بعد الصلاة والدعاء.

ابا خالد می‌گوید: از امام صادق علیه السلام شنیدم که فرمودند: گفتن تسبیح حضرت فاطمه علیها السلام در هر روز پس از هر نمازی نزد من از هزار رکعت نماز مستحبی در هر روز محبوب تر است.

عَنْ أَبِي هَارُونَ الْمَكْفُوفِ عَنْ أَبِي عَبْدِ اللَّهِ عليه السلام قَالَ يَا أَبَا هَارُونَ إِنَّا نَأْمُرُ صِبْيَانَنَا بِتَسْبِيحِ فَاطِمَةَ عليها السلام كَمَا نَأْمُرُهُمْ بِالصَّلَاةِ قَالُوا لِمَ قَالَ لَمْ يَلْزِمَهُ عَبْدٌ فَشَقِيَ.^۱

اباهارون می‌گوید امام صادق علیه السلام خطاب به من فرمودند: ما تسبیح فاطمه علیها السلام را همچون نماز به فرزندانمان توصیه می‌کنیم، پس تو هم حتماً به گفتن آن مقید باش، چرا که هر کس خود را ملزم به این تسبیح کند روی شقاوت را نمی‌بیند.

عَنْ مُحَمَّدِ بْنِ مُسْلِمٍ قَالَ: قَالَ أَبُو جَعْفَرٍ عليه السلام مَنْ سَبَّحَ تَسْبِيحَ فَاطِمَةَ عليها السلام ثُمَّ اسْتَغْفَرَ غُفِرَ لَهُ وَ هِيَ مِائَةٌ بِاللِّسَانِ وَأَلْفٌ فِي الْمِيزَانِ وَ تَطْرُدُ الشَّيْطَانَ وَ تُرْضِي الرَّحْمَنَ.^۲

امام باقر علیه السلام فرمودند: هر کس تسبیح فاطمه علیها السلام را بگوید و پس از آن استغفار کند، بخشیده می‌شود. تسبیح فاطمه علیها السلام در مقام گفتن، صد مرتبه است ولی در میزان عمل، هزار بار به حساب می‌آید و شیطان را می‌راند و موجب خوشنودی خداوند رحمان می‌شود.

فِي مَجْمَعِ الْبَيَانِ عَنْ أَبِي عَبْدِ اللَّهِ عليه السلام أَنَّهُ قَالَ مَنْ بَاتَ عَلَى تَسْبِيحِ فَاطِمَةَ عليها السلام كَانَ مِنَ الدَّاكِرِينَ اللَّهُ كَثِيرًا وَ الدَّاكِرَاتِ.^۳

^۱ . شیخ حرعاملی؛ وسائل الشیعة ج ۶، ص ۴۴۲، باب استحباب ملازمة تسبیح الزهراء.

^۲ . همان.

^۳ . شیخ حرعاملی؛ وسائل الشیعة ج ۶، ص ۴۴۲، باب استحباب ملازمة تسبیح الزهراء.

امام صادق علیه السلام فرمودند: هر زن و مردی که قبل از خواب، تسبیح فاطمه علیها السلام را بگوید، خداوند را بسیار یاد کرده و مشمول آیه شریفه ۳۵ سوره احزاب خواهد بود (یعنی آمرزیده می شود و اجر عظیمی خواهد داشت).
۳. گفتن سی یا چهل مرتبه تسبیحات اربعه از مصادیق باقیات صالحات و ذکر کثیر شمرده شده و موجب آمرزش گناهان و موجب استجاب دعا است.^۱

فِي مَجْمَعِ الْبَيَانِ قَالَ رَوَى عَنْ أُمِّتِنَا الطَّيِّبَةِ أَنَّ مَنْ قَالَ سُبْحَانَ اللَّهِ وَالْحَمْدُ لِلَّهِ وَلَا إِلَهَ إِلَّا اللَّهُ وَاللَّهُ أَكْبَرُ ثَلَاثِينَ مَرَّةً فَقَدْ ذَكَرَ اللَّهُ ذِكْرًا كَثِيرًا.^۲
مرحوم طبرسی ره در تفسیر شریف مجمع البیان فرموده است: اما ما الطَّيِّبَةِ فرموده اند: هر کس تسبیحات اربعه را سی بار بگوید قطعاً خداوند را بسیار یاد کرده است [و به آیه "اذکروا الله ذکراً کثیراً"^۳ عمل کرده است].

عَنِ الْحَارِثِ بْنِ الْمُغِيرَةِ النَّضْرِيُّ قَالَ: سَمِعْتُ أَبَا عَبْدِ اللَّهِ عليه السلام يَقُولُ: مَنْ قَالَ سُبْحَانَ اللَّهِ وَالْحَمْدُ لِلَّهِ وَلَا إِلَهَ إِلَّا اللَّهُ وَاللَّهُ أَكْبَرُ أَرْبَعِينَ مَرَّةً فِي دُبُرِ كُلِّ صَلَاةٍ فَرِيضَةٍ قَبْلَ أَنْ يَتَنَبَّأَ رَجُلِيهِ ثُمَّ سَأَلَ اللَّهَ أُعْطِيَ مَا سَأَلَ.^۴

حارث بن مغیره می گوید: از امام صادق علیه السلام شنیدم که فرمودند: هر کس پس از هر نماز قبل از آنکه پاهایش را برگرداند، چهل بار تسبیحات اربعه

^۱. همان.

^۲. همان.

^۳. احزاب، ۴۰.

^۴. همان ص ۴۵۵.

بگوید و سپس از خداوند درخواست نماید، آنچه درخواست کرده به او عطا می‌شود.

عَنْ هِشَامِ بْنِ سَالِمٍ عَنْ أَبِي عَبْدِ اللَّهِ عليه السلام قَالَ: مَنْ صَلَّى صَلَاةً مَكْتُوبَةً ثُمَّ سَبَحَ فِي دُبُرِهَا ثَلَاثِينَ مَرَّةً لَمْ يَبْقَ شَيْءٌ مِنَ الذُّنُوبِ عَلَى بَدَنِهِ إِلَّا تَنَازَرًا.^۱

امام صادق عليه السلام فرمودند: هر کس پس از به جا آوردن نماز واجب سی مرتبه تسبیح بگوید، همه گناهانش فرو می‌ریزد (و آمرزیده می‌شود).

عَنْ حَمَّادِ بْنِ عُمَانَ عَنْ جَعْفَرِ بْنِ مُحَمَّدٍ عَنْ أَبِيهِ عليه السلام عَنْ عَلِيِّ عليه السلام قَالَ: قَالَ رَسُولُ اللَّهِ ﷺ لَمَّا أُسْرِيَ بِي إِلَى السَّمَاءِ دَخَلْتُ الْجَنَّةَ فَرَأَيْتُ فِيهَا قَصْرًا مِنْ يَافُوتٍ أَحْمَرَ يَرَى بَاطِنُهُ مِنْ ظَاهِرِهِ لُضَائِهِ وَ نُورُهُ وَ فِيهِ قَبْطَانٌ مِنْ دَرٍّ وَ زَبْرَجَدٍ فَقُلْتُ يَا جَبْرِئِيلُ لِمَنْ هَذَا الْقَصْرُ قَالَ هُوَ لِمَنْ أَطَابَ الْكَلَامَ وَ آدَمَ الصِّيَامَ وَ أَطْعَمَ الطَّعَامَ وَ تَهَجَّدَ بِاللَّيْلِ وَ النَّاسُ نِيَامٌ قَالَ عَلَى عليه السلام فَقُلْتُ يَا رَسُولَ اللَّهِ وَ فِي أَمَّتِكَ مَنْ يُطِيقُ هَذَا فَقَالَ أَتَدْرِي مَا إِطَابَهُ الْكَلَامُ فَقُلْتُ اللَّهُ وَ رَسُولُهُ أَعْلَمُ قَالَ مَنْ قَالَ سُبْحَانَ اللَّهِ وَ الْحَمْدُ لِلَّهِ وَ لَا إِلَهَ إِلَّا اللَّهُ وَ اللَّهُ أَكْبَرُ أَتَدْرِي مَا إِدَامَةُ الصِّيَامِ قُلْتُ اللَّهُ وَ رَسُولُهُ أَعْلَمُ قَالَ مَنْ صَامَ شَهْرَ الصَّبْرِ شَهْرَ رَمَضَانَ وَلَمْ يَفْطَرْ مِنْهُ يَوْمًا أَتَدْرِي مَا إِطْعَمَ الطَّعَامَ قُلْتُ اللَّهُ وَ رَسُولُهُ أَعْلَمُ قَالَ مَنْ طَلَبَ لِعِبَالِهِ مَا يَكْفِي بِهِ وَجْوهَ هُمٍ عَنِ النَّاسِ أَتَدْرِي مَا التَّهَجُّدُ بِاللَّيْلِ وَ النَّاسُ نِيَامٌ قُلْتُ اللَّهُ وَ رَسُولُهُ أَعْلَمُ قَالَ مَنْ لَمْ يَنْمَ حَتَّى يُصَلِّيَ الْعِشَاءَ الْآخِرَةَ وَ النَّاسُ مِنَ الْيَهُودِ وَ النَّصَارَى وَ غَيْرِهِمْ مِنَ الْمُشْرِكِينَ نِيَامٌ بَيْنَهُمَا.^۲

حضرت علی عليه السلام می‌فرمایند: رسول خدا ﷺ فرمودند: هنگام عروج به آسمان و در شب معراج وارد بهشت شدم و در بهشت قصری از یاقوت سرخ

^۱ همان، ص ۵۰۴.

^۲ علامه مجلسی ره؛ بحارالانوار؛ ج ۱۸، ص ۳۴۲.

مشاهده کردم. یاقوت‌هایی که چنان شفاف و درخشان بود که درون قصر، از بیرون آن دیده می‌شد و دو گنبد از درّ و زبرجد داشت. به جبرئیل گفتم: این قصر از آن کیست؟ گفت: برای کسی که (چهار ویژگی داشته باشد):

- سخنش را پاکیزه کند؛
- پیوسته روزه‌دار باشد؛
- به دیگران غذا دهد؛
- و در دل شب که مردم خفته اند، به شب زنده‌داری و عبادت مشغول باشد.

علی‌الکلیّه می‌فرماید: به پیامبر ﷺ عرض کردم: ای رسول خدا در بین امت شما کسی هست که چنین طاقت و توانی را داشته باشد؟! در پاسخ فرمودند: می‌دانی منظور از این چهار ویژگی چیست؟ عرض کردم خدا و رسولش داناترند؟ پیامبر ﷺ فرمودند:

منظور از پاکیزه بودن سخن این است که: "سبحان الله والحمد لله و لا اله الا الله و الله اکبر" بگویند؛

و منظور از روزه‌داری پیوسته این است که: ماه رمضان را که ماه صبر و مقاومت است، به صورت کامل روزه بگیرد و حتی یک روز از آن را روزه‌خواری ننماید؛

و منظور از غذا دادن به دیگران این است که: نفقه عیالش را تأمین کند، به گونه‌ای که ایشان محتاج به دیگران نشوند؛

و منظور از تهجد شبانه این است که: تا زمانی که نماز عشای خود را نخوانده، نخوابد و چون یهود و نصاری و مشرکان نباشد که چنین عبادتی دارند و در این فاصله می خوابند.

خواندن سی مرتبه تسبیحات بعد از نماز شکسته، فضیلت دو رکعت باقیمانده را دارد. امام رضا علیه السلام هر نمازی را که در سفر می گذارد و قصر می کرد بعد از اتمام نماز سی مرتبه می گفت: "سبحان الله و الحمد لله و لا اله الا الله و الله اکبر" و می فرمود که این متمم نماز قصر است.^۱

۴. لعن بر دشمنان دین.

جَمِيلٌ عَنْ جَابِرٍ عَنْ أَبِي جَعْفَرٍ علیه السلام قَالَ: إِذَا انْحَرَفَتْ عَنْ صَلَاةٍ مَكْتُوبَةٍ فَلَا تَنْحَرِفْ إِلَّا بِإِضْرَافٍ لَعْنِ بَنِي أُمَيَّةَ.^۲ امام باقر علیه السلام فرمودند: پس از نماز واجب، قبل از آنکه بنی امیه را لعن کنی از جای حرکت نکن (و حالت نماز را به هم نزن).

۵. خواندن سوره توحید.

از حضرت صادق علیه السلام روایت شده است: هر که ایمان به خدا و روز قیامت دارد، باید که بعد از هر نماز واجب "قل هو الله احد" را ترک نکند. به درستی هر که آن را بخواند، خدا خیر دنیا و آخرت را برای او جمع می کند و او و پدر و مادرش و هر که را از پدر و مادرش به هم رسیده، می آمرزد.^۳

۱- عیون أخبار الرضا علیه السلام؛ ترجمه آقاجفی؛ ج ۲، ص ۴۲۵.

۲. شیخ حر عاملی؛ وسائل الشیعة؛ ج ۶، ص ۴۶۲.

۳. شیخ کلینی؛ کافی؛ ج ۲، ص ۶۲۲.

و در روایت دیگر، خواندن آن بعد از هر نماز، موجب ریزش رحمت از آسمان بر سرش و نزول سکنیه و نظر رحمت افکندن خدا و آمرزش گناهان و برآورده شدن حاجات و در امان خدا بودن دانسته شده است.^۱

۶. قرائت حمد، آیه "شهد الله"، "آیه الكرسي"، آیه "ملک"، بعد از هر نماز واجب.^۲

عَنْ أَبِي عَبْدِ اللَّهِ عليه السلام قَالَ لَمَّا أَمَرَ اللَّهُ عَزَّ وَ جَلَّ هَذِهِ الْآيَاتِ أَنْ يَهْبِطْنَ إِلَى الْأَرْضِ تَعَلَّقْنَ بِالْعَرْشِ وَ قُلْنَ أَيُّ رَبِّ إِلَى أَيْنَ تَهْبِطُنَا إِلَى أَهْلِ الْخَطَايَا وَ الذُّنُوبِ فَأَوْحَى اللَّهُ عَزَّ وَ جَلَّ إِلَيْهِنَّ أَنْ اهْبِطْنَ قُوَّ عِزَّتِي وَ جَلَالِي لَا يَتْلُوَنَّ أَحَدٌ مِنْ آلِ مُحَمَّدٍ وَ شِعْتِهِمْ فِي دُبُرِ مَا أَفْتَرَضْتُ عَلَيْهِ مِنَ الْمَكْتُوبَةِ فِي كُلِّ يَوْمٍ إِلَّا نَظَرْتُ إِلَيْهِ بَعَيْنِي الْمَكْنُونَةَ فِي كُلِّ يَوْمٍ سَبْعِينَ نَظْرَةً أَقْضَى لَهُ فِي كُلِّ نَظْرَةٍ سَبْعِينَ حَاجَةً وَ قَبِلْتُهُ عَلَى مَا فِيهِ مِنَ الْمَعَاصِي وَ هِيَ أُمُّ الْكِتَابِ وَ شَهِدَ اللَّهُ أَنَّهُ لَا إِلَهَ إِلَّا هُوَ وَ الْمَلَائِكَةُ وَ أُولُوا الْعِلْمِ وَ آيَةُ الْكُرْسِيِّ وَ آيَةُ الْمُلْكِ.^۳

امام صادق عليه السلام فرمودند: هنگامی قرار شد آیات زیر نازل شود، این آیات به عرش الهی متوجه شدند و به خداوند چنین عرضه داشتند که: پروردگارا ما را به کجا و به سوی چه کسانی می‌فرستی؟! به سوی خطایندگان و گناهکاران؟! خداوند (به ایشان بشارت داد) و چنین امر کرد کهک فرود آید که به عزت و جلال خود سوگند یاد می‌کنم که هیچ کس از خاندان پیامبر صلی الله علیه و آله شیعیان ایشان شما را پس از نماز واجب خود تلاوت نخواهد کرد

۱. مجلسی ره؛ بحارالانوار؛ ج ۸۳، ص ۶۰ / در بیان عظمت سوره توحید، پیش از این روایاتی بیان شد.

۲. آیه شهادت: آل عمران/ ۱۸؛ آیه الكرسي: بقره/ ۲۵۵؛ آیه ملک: آل عمران/ ۳۶.

۳. شیخ کلینی؛ کافی؛ ج ۲، ص ۶۲۰.

مکر اینکه من با چشم پنهان خود در هر روز هفتاد بار به او مینگرم و در هر نگاه هفتاد حاجت او را برآورده می‌سازم و او را با گناهانش می‌پذیرم، و آن آیات عبارتند از: سوره مبارکه حمد، آیه "شهادت"، "آیه الكرسي" و "آیه ملک".^۱

۷. خواندن دعاهاى وارده که هر کدام فضیلت و اثر ویژه‌ای دارد.

۸. به جا آوردن سجده شکر

با وجود آنکه "سجده شکر" خود یکی از تعقیبات است و با بحث کردن از تعقیبات، در واقع از آن هم بحث شده است، ولیکن به دلیل اهمیت آن، و تصریح ائمه معصوم علیهم‌السلام به اینکه سجده شکر بخشی از نقص نماز را برطرف می‌کند، بحثی مستقل را به آن اختصاص می‌دهیم.

معنای سجده شکر و فلسفه آن

عَنْ أَبِي الْحَسَنِ الرِّضَا عليه السلام قَالَ السَّجْدَةُ بَعْدَ الْفَرِيضَةِ شُكْرٌ لِلَّهِ عَزَّ وَ جَلَّ عَلَى مَا وَفَّقَ لَهُ الْعَبْدُ مِنْ آدَاءِ قَرْضِهِ وَ أَدْنَى مَا يُجْزَى فِيهَا مِنَ الْقَوْلِ أَنْ يُقَالَ شُكْرًا لِلَّهِ شُكْرًا لِلَّهِ ثَلَاثَ مَرَّاتٍ قُلْتُ فَمَا مَعْنَى قَوْلِهِ شُكْرًا لِلَّهِ قَالَ يَقُولُ هَذِهِ السَّجْدَةُ مِنِّي شُكْرًا لِلَّهِ عَلَى مَا وَفَّقَنِي لَهُ مِنْ خِدْمَتِهِ وَ آدَاءِ قَرْضِهِ وَ الشُّكْرُ مُوجِبٌ لِلزَّيَادَةِ فَإِنْ كَانَ فِي الصَّلَاةِ تَقْصِيرٌ لَمْ يَتِمَّ بِالتَّوَاتُلِ تَمَّ بِهِذِهِ السَّجْدَةُ ۲.

امام رضا عليه السلام فرمودند: سجده بعد از هر نماز واجب لازم است تا بنده بتواند به این وسیله از خداوند عزوجل به خاطر توفیقی که به او داده،

^۱ . آیه شهادت: آل عمران/۱۸؛ آیه الكرسي: بقره/۲۵۵؛ آیه ملک: آل عمران/۳۶.

^۲ . شیخ حر عاملی؛ وسائل الشیعه؛ ج ۷، ص ۵.

سپاسگزاری کند و در آن حداقل سه مرتبه "شکراً لله" بگوید. راوی گوید: به حضرت عرض کردم: "شکراً لله" به چه معنا است و منظور از آن چیست؟ فرمودند: منظور این است که بنده می گوید: خدا را با این سجده، بر توفیق خدمت گزاریش و توفیق به جا آوردن دستورش سپاس می گویم. (سپس حضرت فرمودند): سپاسگزاری و شکر موجب فزونی می شود و اگر در نماز نقصان یا تقصیری باشد که با انجام نافله جبران نشده (نمی شود) با این سجده کامل می شود.

اهمیت و آثار سجده شکر

عَنْ أَبِي عَبْدِ اللَّهِ عليه السلام قَالَ سَجْدَةُ الشُّكْرِ وَاجِبَةٌ عَلَى كُلِّ مُسْلِمٍ تَتِمُّ بِهَا صَلَاتُكَ وَ تُرْضَى بِهَا رَبِّكَ وَ تَعَجَّبُ الْمَلَائِكَةُ مِنْكَ وَ إِنَّ الْعَبْدَ إِذَا صَلَّى ثُمَّ سَجَدَ سَجْدَةَ الشُّكْرِ فَتَحَّ الرَّبُّ تَبَارَكَ وَ تَعَالَى الْحِجَابَ بَيْنَ الْعَبْدِ وَ بَيْنَ الْمَلَائِكَةِ فَيَقُولُ يَا مَلَائِكَتِي انظُرُوا إِلَى عَبْدِي أَدَّى قُرْبَتِي وَ أَتَمَّ عَهْدِي ثُمَّ سَجَدَ لِي شُكْرًا عَلَى مَا أَنْعَمْتُ بِهِ عَلَيْهِ مَلَائِكَتِي مَا ذَا لَهُ عِنْدِي قَالَ فَتَقُولُ الْمَلَائِكَةُ يَا رَبَّنَا رَحِمَتَكَ ثُمَّ يَقُولُ الرَّبُّ تَبَارَكَ وَ تَعَالَى ثُمَّ مَا ذَا لَهُ فَتَقُولُ الْمَلَائِكَةُ يَا رَبَّنَا جَنَّكَ فَيَقُولُ الرَّبُّ تَعَالَى ثُمَّ مَا ذَا فَتَقُولُ الْمَلَائِكَةُ يَا رَبَّنَا كَفَايَهُ مُهِمَّهُ فَيَقُولُ الرَّبُّ تَعَالَى ثُمَّ مَا ذَا فَلَا يَبْقَى شَيْءٌ مِنَ الْخَيْرِ إِلَّا قَالَتْهُ الْمَلَائِكَةُ فَيَقُولُ اللَّهُ تَعَالَى يَا مَلَائِكَتِي ثُمَّ مَا ذَا فَتَقُولُ الْمَلَائِكَةُ يَا رَبَّنَا لَا عِلْمَ لَنَا فَيَقُولُ اللَّهُ تَعَالَى لَا شُكْرَ لَهُ كَمَا شُكْرُنِي وَ أَقْبَلْ إِلَيْهِ بِفَضْلِي وَ أَرِيهِ رَحْمَتِي وَ رَوَاهُ الصَّدُوقُ بِإِسْنَادِهِ عَنْ أَحْمَدَ بْنِ أَبِي عَبْدِ اللَّهِ نَحْوَهُ إِلَّا أَنَّهُ قَالَ وَ أَرِيهِ وَجْهِي^۱

چون ترجمه روشن است، خلاصه آن آورده می شود: به فرموده امام صادق عليه السلام سجده شکر بر هر مسلمانی لازم است، نماز با آن کامل

^۱ همان، ص ۷۶.

می‌شود، خداوند خشنود می‌گردد، فرشتگان شگفت زده می‌شوند و هنگام سجده شکر خداوند حجاب بین نمازگزار و فرشتگان را بر می‌دارد و به بنده‌اش در نزد فرشتگان مباحثات می‌کند و از فرشتگان می‌خواهد که پاداش چنین بنده‌ای را بیان کنند و وقتی فرشتگان، رحمت، جنت و برآورده شدن حاجات بنده را مطرح می‌کنند، باز هم خداوند طلب فزونی می‌کند و وقتی همه خوبی‌ها را مطرح می‌کنند باز هم بیش از آن مطالبه می‌کند و وقتی فرشتگان اظهار عجز می‌کنند، خودش می‌فرماید: از بنده‌ام تشکر می‌کنم همانگونه که از من تشکر کرد و با فضل خود به او رو می‌آورم و رحمت خود را به او می‌نمایانم.

ذکر سجده شکر (و استحباب طولانی بودن آن)

حداقل سه مرتبه "شکراً لله" است، ولی هرچه طولانی‌تر باشد، بهتر است. از حضرت رضا علیه السلام در سجده بعد از نماز، تا پانصد "سبحان الله" هم شنیده شده است و مکرر اتفاق افتاده که موسی بن جعفر علیه السلام بعد از نماز به سجده رفته‌اند و تا بالا آمدن روز همچنان در سجده بوده‌اند و...^۱

عَنِ ابْنِ أَبِي عُمَيْرٍ عَمَّنْ ذَكَرَهُ قَالَ قُلْتُ لِأَبِي عَبْدِ اللَّهِ عليه السلام: لِمَ اتَّخَذَ اللَّهُ إِبْرَاهِيمَ خَلِيلًا قَالَ لِكَثْرَةِ سُجُودِهِ عَلَى الْأَرْضِ.^۲

^۱ شیخ حر عاملی؛ وسائل الشیعه؛ ج ۷، ص ۱۰.

^۲ همان.

از امام صادق علیه السلام سؤال شد: چه چیز باعث شد که خداوند حضرت ابراهیم علیه السلام را خلیل خود کند؟ فرمودند: به خاطر اینکه بسیار بر زمین سجده می کرد.

عَنِ الْوَشَاءِ قَالَ سَمِعْتُ الرَّضَا يَقُولُ: أَقْرَبُ مَا يَكُونُ الْعَبْدُ مِنَ اللَّهِ عَزَّ وَ جَلَّ وَ هُوَ سَاجِدٌ وَ ذَلِكَ قَوْلُهُ عَزَّ وَ جَلَّ وَ اسْجُدْ وَ اقْرَبْ.^۱

از امام رضا علیه السلام شنیدم که فرمودند: نزدیک ترین حالت بنده به خداوند عزوجل حالت سجده است و سپس به آیه آخر سوره مبارکه علق استناد کردند.

عَنِ الْحَسَنِ بْنِ عَلِيٍّ الْوَشَاءِ قَالَ: سَمِعْتُ الرَّضَا علیه السلام يَقُولُ: إِذَا نَامَ الْعَبْدُ وَ هُوَ سَاجِدٌ قَالَ اللَّهُ تَعَالَى عَبْدِي قَبِضْتُ رُوحَهُ وَ هُوَ فِي طَاعَتِي.^۲

و شاء می گوید: از امام رضا علیه السلام شنیدم که فرمودند: هنگامی که بنده ای سجده می کند (و در اثر کثرت عبادت) در حال سجده به خواب می رود، خداوند متعال می فرماید: روح بنده ام را در حال عبادت و بندگی قبض نمودم.

وَ عَنْ أَبِيهِ عَنْ سَعْدِ عَنْ أَحْمَدَ بْنِ مُحَمَّدٍ بْنِ عِيسَى عَنِ الْحَسَنِ بْنِ عَلِيٍّ بْنِ فَضَالٍ فِي حَدِيثٍ قَالَ: رَأَيْتُ أَبَا الْحَسَنِ علیه السلام صَلَّى سِتَّ رَكَعَاتٍ أَوْ ثَمَانٍ رَكَعَاتٍ قَالَ وَ كَانَ مَقْدَارُ رُكُوعِهِ وَ سُجُودِهِ ثَلَاثَ تَسْبِيحَاتٍ أَوْ أَكْثَرَ فَلَمَّا فَرَغَ سَجَدَ سَجْدَةً أَطَالَ فِيهَا حَتَّى بَلَ عَرَفَهُ الْحَصَى قَالَ وَ ذَكَرَ بَعْضُ أَصْحَابِنَا أَنَّهُ أَصَقَ حَدِيثُهُ بِأَرْضِ الْمَسْجِدِ.^۳ ابْن فضال می گوید: حضرت ابوالحسن علیه السلام را مشاهده نمودم که شش رکعت یا

^۱ .شیخ کلینی؛ کافی ج ۳، ص ۲۶۴.

^۲ .شیخ حر عاملی؛ وسائل الشیعه؛ ج ۶، ص ۳۸۰.

^۳ .همان، ج ۷، ص ۹.

هشت رکعت نماز خواندند و در رکوع و سجده‌ای سه مرتبه یا بیشتر تسبیح گفتند ولی پس از نماز سجده‌ای طولانی نمودند به گونه‌ای که عرق صورتشان سنگ‌های مسجد را مرطوب کرد و بعضی از اصحاب گفته‌اند که حضرت، گونه‌های مبارک خود را به زمین مسجد چسبانده بودند.

چند نکته از احکام سجده شکر

۱. بهتر است انسان دو مرتبه سجده کند، به این صورت که بعد از سجده اول گونه راست و بعد گونه چپ را به خاک بمالد و مجدداً سر بر خاک گذارد.

عَنْ أَبِي عَبْدِ اللَّهِ عَلَيْهِ السَّلَامُ قَالَ: أَوْحَى اللَّهُ عَزَّوَجَلَّ إِلَى مُوسَى عَلَيْهِ السَّلَامُ أَنْ يَا مُوسَى أَتَدْرِي لِمَ أَصْطَفَيْتُكَ بِكَلَامِي دُونَ خَلْقِي قَالَ يَا رَبِّ وَلِمَ ذَاكَ قَالَ فَأَوْحَى اللَّهُ تَبَارَكَ وَتَعَالَى إِلَيْهِ أَنْ يَا مُوسَى إِنِّي قَلْبْتُ عِبَادِي ظَهْرًا لِبَطْنٍ فَلَمْ أَجِدْ فِيهِمْ أَحَدًا أَذِلَّ لِي نَفْسًا مِنْكَ يَا مُوسَى إِنَّكَ إِذَا صَلَّيْتَ وَضَعْتَ خَدَّكَ عَلَى التُّرَابِ أَوْ قَالَ عَلَى الْأَرْضِ.^۱

امام صادق علیه السلام فرمودند: خداوند عزوجل به حضرت موسی علیه السلام وحی نمود که: می‌دانی چرا در بین بندگان فقط با تو سخن می‌گویم؟ بدان جهت که بندگانم را زیر و رو کردم و دیدم هیچکس مثل تو در پیشگاه من ذلت و افتادگی ندارد. ای موسی! تو چون نماز می‌گزاری گونه‌ات را بر خاک (یا بر زمین) می‌نهی.

۲. سجده شکر بعد از فریضه و نافله و بعد از تذکر هر نعمتی، مطلوب است.

^۱. شیخ کلینی؛ کافی؛ ج ۲، ص ۱۲۱.

عن أبي عبد الله عليه السلام أنه قال: من سجد سجدة الشكر لنعمة و هو متوضاً، كتب الله له بها عشر صلوات و محاه عنه عشر خطايا عظام: ^۱ هر کس با وضو باشد و برای نعمتی سجده شکر به جای آورد، خداوند برای او ثواب ده نماز را می نویسد و ده گناه او را [از پرونده اش] محو می کند.

۳. آرنج را بر زمین گذاشتن و چسباندن سینه و شکم به زمین، در سجده شکر مستحب است (عکس آنچه در نماز انجام می شود).

۴. مستحب است انسان دست بر موضع سجده خود (پیشانی) بمالد و بعد به صورت (و سایر اعضای) خود بکشد.

عَنْ جَمِيلِ بْنِ دَرَّاجٍ عَنْ أَبِي عَبْدِ اللَّهِ عليه السلام قَالَ: أَوْحَى اللَّهُ إِلَى مُوسَى بْنِ عِمْرَانَ عليه السلام أَنْ تَذَرِي يَا مُوسَى لَمْ أَنْتَجِبْكَ مِنْ خَلْقِي وَ اصْطَفَيْتُكَ لِكَلَامِي فَقَالَ لَا يَا رَبِّ فَأَوْحَى اللَّهُ إِلَيْهِ إِنِّي أَطَلَعْتُ إِلَى الْأَرْضِ فَلَمْ أَجِدْ عَلَيْهَا أَشَدَّ تَوَاضَعاً لِي مِنْكَ فَخَرَّ مُوسَى سَاجِداً وَ عَفَّرَ خَدَيْهِ فِي التُّرَابِ تَذَلُّلاً مِنْهُ لِرَبِّهِ عَزَّ وَ جَلَّ فَأَوْحَى اللَّهُ إِلَيْهِ ارْفَعِ رَأْسَكَ يَا مُوسَى- وَ أَمْرٌ بِدَكَ عَلَى مَوْضِعِ سُجُودِكَ وَ امْسَحْ بِهَا وَجْهَكَ وَ مَا نَالَتَهُ مِنْ بَذَنِكَ فَإِنَّهُ أَمَانٌ مِنْ كُلِّ سُقْمٍ وَ دَاءٍ وَ آفَةٍ وَ عَاهَةٍ. ^۲

امام صادق عليه السلام فرمودند: خداوند به موسی بن عمران عليه السلام وحی فرمود: ای موسی! آیا می دانی چرا از میان آفریدگانم تو را برگزیدم و برای [شنیدن] سخنم تو را انتخاب کردم؟ عرض کرد: نه، ای پروردگار! خداوند به او وحی فرمود: من به زمین نگریستم و در روی آن کسی را نیافتم که در برابر من متواضع تر از تو باشد. حضرت موسی عليه السلام با شنیدن این سخن

^۱ . شیخ حر عاملی؛ وسائل الشیعة؛ ج ۷، ص ۵.

^۲ . همان، ص ۱۴.

به سجده افتادند و گونه‌های خود را از روی ذلّت و خواری در پیشگاه خداوند به خاک مالیدند. خدا به ایشان وحی کرد که: سرت را بلند کن موسی^۵ و دستت را بر جای سجده بکش و با آن صورت و قسمت‌های مختلف بدنت را لمس کن که امان از هر بیماری، درد و آفت و آسیبی است.

۸. اهتمام به نوافل

یکی دیگر از راه‌های کامل کردن نماز بلکه مهم‌ترین و مؤثرترین آنها، اهتمام به نوافل است. و این کار حاصل نمی‌شود مگر آنکه با اهمیت نافله‌ها بیشتر آشنا شویم.

اهمیت نوافل

امام خمینی ره در تحریرالوسیله می‌نویسد: یَسْتَحَبُّ قِضَاءُ النَوَافِلِ الرُّوَاتِبِ وَ یُکْرَهُ أَكْیْدًا تَرْکُهُ إِذَا شَغَلَهُ عَنْهَا جَمْعُ الدُّنْيَا؛ وَ مِنْ عَجْزٍ عَنْ قِضَائِهَا، اسْتَحَبَّ لَهُ التَّصَدُّقُ بِقَدَرِ طَوْلِهِ؛ وَ أَدْنَى ذَلِكَ التَّصَدُّقُ عَنْ كُلِّ رَكْعَتَيْنِ هَمْدٌ وَ إِنْ لَمْ یَتِمَّ كُنْ، فَعَنْ كُلِّ أَرْبَعِ رَكْعَاتٍ هَمْدٌ وَ إِنْ لَمْ یَتِمَّ كُنْ فَمَدٌّ لَصَلَاةِ اللَّیْلِ وَ مَدٌّ لَصَلَاةِ النَّهَارِ^۱.

عن الفضیل قال: سألت أبا جعفر علیه السلام عن قول الله عزَّ وَّ جَلَّ: "الَّذِينَ هُمْ عَلَى صَلَاتِهِمْ یَحَافِظُونَ"، قال: هی الفریضة. قلت: "الَّذِينَ هُمْ عَلَى صَلَاتِهِمْ دَائِمُونَ"، قال: هی النافلة. شاید وجه اینکه کسانی که نوافل را به جا می‌آورند، "دائم الصلاة" خوانده شده‌اند، این باشد که نماز نافله متّممّ نماز واجب است و کسی که نافله می‌خواند، هر روز نمازش به‌طور کامل بالا می‌رود.

^۱. امام خمینی؛ تحریر الوسیله؛ ج ۱، ص ۲۲۵، مسئله ۷.

در روایات زیادی، "نوافل" متمم فريضه تلقی شده و گفته شده که خداوند نقصان نماز واجب را با نافله جبران می‌کند.

عن أبي بصير عن أبي عبد الله عليه السلام في حديث قال: يا أبا محمد! إن العبد يرفع له ثلث صلاته و ز صفاها و ثلاثة ارباعها و أقل و أكثر على قدر سهوه فيها، لكنّه يتمّ له من النوافل. قال: فقال له ابو بصير: ما أرى النوافل ينبغي أن تترك على حالة. فقال عليه السلام: أجل، لا^۱.

كل سهو في الصلوة يطرح منها غير أنّ الله يتمّ بالنوافل^۲: سهو در نماز موجب از بین رفتن بخشی از آن می‌شود. البته خداوند این نواقص را با نافله جبران می‌کند. در اینجا باید گفت: اگر قبولی نمازهای واجب به طور کامل منوط به نافله است و اگر پذیرش همه اعمال منوط به پذیرفته شدن نماز است، پس چرا سهل انگاری در نافله؟

گفتنی است در روایات بسیاری^۳، قضای نوافل، مطلوب و مورد سفارش واقع شده است. یکی از آن روایات را ذکر می‌کنیم.

و عن أبي عبد الله عليه السلام قال: إن العبد يقوم فيصلّي النافلة فيعجب الربّ ملائكة منه فيقول: يا ملائكتي! عبدی يقضى ما لم افترض عليه^۴.

امام صادق عليه السلام فرمودند: وقتی بنده‌ای مشغول نماز نافله می‌شود، خداوند در پیشگاه ملائکه، اظهار شگفتی و مباحات می‌کند و می‌گوید: بنده‌ام مشغول کاری است که بر او واجب نکرده‌ام.

^۱. شیخ کلینی؛ کافی؛ ج ۳، ص ۳۶۳.

^۲. همان، ص ۲۶۸.

^۳. شیخ حر عاملی؛ وسائل الشیعه؛ ج ۴، ص ۷۵، باب ۱۸.

^۴. شیخ کلینی؛ کافی؛ ج ۳، ص ۴۸۸.

موانع قبولی نماز

برای تحقق نمازی که مورد پذیرش خداوند متعال و تأمین کننده سعادت باشد، باید موانع قبول نماز را هم برطرف کرد. چرا که ممکن است انسان زحمت زیادی متحمل شود و عبادت را به خوبی انجام دهد ولیکن به علت عدم مراقبت از آن، به مطلوب نرسد و همه زحماتش هدر رود؛ بنابراین همانگونه که دقت در انجام عمل مهم است، مراقبت های بعدی هم لازم است که در ادامه به بیان بعضی از موانع قبولی نماز می پردازیم.

برخی از موانع قبولی نماز

۱. نداشتن حضور قلب (که بحث از آن گذشت).

۲. عاق والدین و ناراحت کردن ایشان

قال ابو عبد الله عليه السلام : من نظر إلى ابويه نظرَ مَاقَةٍ و هما ظالمان له، لم يقبل الله له صلاة^۱.

امام صادق عليه السلام فرمودند: هر که به پدر و مادر خود، گرچه به وی ستم کرده باشند، با نگاه دشمنانه بنگرد، خداوند از او نمازی را نمی پذیرد.

^۱. شیخ کلینی؛ کافی؛ ج ۲، ص ۳۴۹.

قال ابو عبد الله عليه السلام: من العقوق أن ينظر الرجل إلى والديه فيحد النظر إليهما^۱.
امام صادق عليه السلام فرمودند: و از جمله نافرمانی از والدین، آن است که انسان به آنان خیره نگاه کند.

قال ابو جعفر عليه السلام: إن أبی نظر إلى رجل و معه ابنه یمشی و الابن متکئ علی ذراع الأب. قال عليه السلام: فما کلمه أبی عليه السلام مقتا له حتی فارق الدنیا^۲.

امام باقر عليه السلام فرمودند: پدرم مردی را دید که با پسرش راه می‌رفت و پسر به دست پدرش تکیه داده بود. پدرم عليه السلام از آن پسر چندان ناراحت شد که تا زنده بود با او سخن نگفت.

۳. غیبت

من اغتاب مسلماً أو مسلمة، لم یقبل الله صلاته و لا صیامه اربعین يوماً و لیلة إلا أن یغفر له صاحبه^۳.

پیامبر خدا صلی الله علیه و آله فرمودند: هر که از مردی مسلمان یا زنی مسلمان غیبت کند، خداوند متعال تا چهل شبانه روز، نه نماز او را می‌پذیرد و نه روزه‌اش را، مگر اینکه غیبت شونده او را ببخشد.

معنای غیبت:

قال ابوا عبدالله عليه السلام: الغیبة أن تقول فی أخیک ما هو فیہ ممّا قدستره الله علیه. فأما إذا قلت ما لیس فیہ، فذلک قول الله: فقد احتمل بهتاناً و اثماً مبیناً^۱.

^۱ همان، ص ۳۴۹، باب العقوق.

^۲ همان، ص ۳۴۸.

^۳ مجلسی؛ بحار الانوار؛ ج ۷۲ ص ۲۵۸.

امام صادق علیه السلام فرمودند: غیبت آن است که درباره برادرت چیزی بگویی که در او هست، اما خداوند آن را پوشانده است؛ اما اگر چیزی بگویی که در او نیست، این مشمول این سخن خداوند است که: "هر آینه بهتان یا گناهی آشکار به دوش کشید".

پیامبر خدا صلی الله علیه و آله فرمودند: غیبت آن است که از برادرت چیزی بگویی که خوش ندارد.

شنیدن غیبت:

امام علی علیه السلام فرمودند: "السامع للغیبة كالغتاب": شنونده غیبت، مانند غیبت کننده است.

نظر امیرالمؤمنین علیه السلام إلى رجل یغتاب رجلاً عند الحسن ابنه فقال: یا بنی نَزَّ سَمْعُکَ عن مثل هذا؛ فإنه نظر إلى أخبث ما فی وعائه فأفرغه فی وعائک^۱.

امام علی علیه السلام وقتی ملاحظه کرد که شخصی در حضور فرزند بزرگوارش حسن علیه السلام از کسی غیبت می کند فرمود: فرزندم! گوش خود را از چنین کسی به دور دار؛ زیرا او به پلیدترین چیزهایی که در ظرف خود دارد نگریسته و آنها را در ظرف تو خالی کرده است.

اثر غیبت:

قال رسول الله صلی الله علیه و آله: الغیبة اسرع فی دین الرجل المسلم من الأكلة فی جوفه^۱.

^۱ همان؛ ص ۲۲۰. پایان روایت به آیه ۱۱۲ سوره مبارکه نساء اشاره نموده است.

^۲ همان، ص ۲۵۹.

پیامبر خدا ﷺ فرمودند: غیبت کردن در [نابودی] دین مرد، زودتر کارگر می‌افتد تا بیماری خوره در اندرون او.

يُؤْتَى بِأَحَدٍ يَوْمَ الْقِيَامَةِ بَيْنَ يَدَيِ اللَّهِ وَ يُدْفَعُ إِلَيْهِ كِتَابُهُ فَلَا يَرَى حَسَنَاتِهِ فَيَقُولُ: إِلَهِي! لَيْسَ هَذَا كِتَابِي! فَإِنِّي لَا أَرَى فِيهَا طَاعَتِي! فَيَقَالُ لَهُ: إِنَّ رَبَّكَ لَا يَضِلُّ وَ لَا يَنْسِي، ذَهَبَ عَمَلُكَ بِاِغْتِيَابِ النَّاسِ، ثُمَّ يُؤْتَى بِآخَرٍ وَ يُدْفَعُ إِلَيْهِ كِتَابُهُ فَيَرَى فِيهَا طَاعَاتٍ كَثِيرَةً فَيَقُولُ: إِلَهِي! مَا هَذَا كِتَابِي؟ فَإِنِّي مَاعْمَلْتُ هَذِهِ الطَّاعَاتِ! فَيَقَالُ لَهُ: لِأَنَّ فَلَانًا اِغْتَابَكَ فَدَفَعْتُ حَسَنَاتِهِ إِلَيْكَ.^۱

پیامبر خدا ﷺ فرمودند: روز قیامت فردی را می‌آورند و او را در پیشگاه خدا نگه می‌دارند و کارنامه‌اش را به او می‌دهند، اما حسنات خود را در آن نمی‌بیند. عرض می‌کند: الهی! این کارنامه من نیست؛ زیرا من در آن طاعات خود را نمی‌بینم! به او گفته می‌شود: پروردگار تو نه خطا می‌کند و نه فراموش. عمل تو به سبب غیبت کردن از مردم بر باد رفت. سپس مرد دیگری را می‌آورند و کارنامه‌اش را به او می‌دهند. در آن طاعت بسیاری را مشاهده می‌کند. عرض می‌کند: الهی! این کارنامه من نیست؛ زیرا من این طاعات را به جا نیاورده‌ام! گفته می‌شود: فلانی از تو غیبت کرد و من حسنات او را به تو دادم.

امام علی علیه السلام فرمودند: إِيَّاكَ وَ الْغَيْبَةَ؛ فَإِنَّهَا تُمَقِّتُكَ إِلَى اللَّهِ وَ النَّاسِ وَ تَحْبِطُ أَجْرَكَ.^۲ از غیبت کردن بهره‌یز؛ که این کار، تو را نزد خدا و مردم مبعوض می‌سازد و پاداشت را بر باد می‌دهد.

^۱. کلینی؛ کافی؛ ج ۲، ص ۳۵۷.

^۲. مجلسی؛ بحارالانوار؛ ج ۸۱، ص ۲۴۲.

^۳. آمری؛ تصنیف غررالحکم؛ ص ۲۱.

۴. بی توجهی نسبت به محرومان

امام صادق علیه السلام فرمود: نماز کسانی که نسبت به آوارگان و برهنگان جامعه بی توجه‌اند، قبول نیست.^۱

۵. حرام خواری

قال رسول الله ﷺ: الصلوة مع أكل الحرام كالبناء على الرمل.^۲
پیامبر خدا ﷺ فرمودند: عبادتِ توأم با حرام خواری، چون ساختمانی است بر روی شن.

۶. بد خواهی برای مسلمانان

ابوعبدالله علیه السلام: لا یقبل الله من مؤمن عملاً و هو مضر علی اخیه سوء.^۳
امام صادق علیه السلام فرمودند: خداوند از مؤمنی که نسبت به برادر مؤمن خود نیت بد داشته باشد، هیچ عملی را نمی‌پذیرد.

۷. قطع رابطه با برادر دینی.

قال رسول الله ﷺ: یا اباذر! إیاک و هجران اخیک، فإنّ العمل لا یتقبّل مع الهجران.^۴

^۱. مجلسی؛ بحار الانوار؛ ج ۸۴ ص ۲۴۲.

^۲. همان؛ ص ۲۵۸.

^۳. کلینی؛ کافی؛ ج ۲، ص ۳۶۱.

^۴. رضی الدین طبرسی؛ مکارم الاخلاق؛ ص ۴۷۰.

۸. اذیت کردن همسر (مرد یا زن)

مَنْ كَانَتْ لَهُ امْرَأَةٌ يُؤْذِيهِ لَمْ يُقْبَلِ اللَّهُ صَلَاتَهَا وَ لَا حَسَنَةً مِنْ عَمَلِهَا- حَتَّى تُعِينَهُ وَ تَرْضِيَهُ وَ إِنَّ صَامَتِ الدَّهْرَ- وَ قَامَتْ وَ أَعْتَقَتِ الرِّقَابَ وَ أَنْفَقَتِ الْأَمْوَالَ فِي سَبِيلِ اللَّهِ وَ كَانَتْ أَوَّلَ مَنْ يَرِدُ النَّارَ ثُمَّ قَالَ رَسُولُ اللَّهِ ﷺ- وَ عَلَى الرَّجُلِ مِثْلَ ذَلِكَ الْوِزْرُ وَ الْعَذَابُ إِذَا كَانَ لَهَا مُؤْذِيًّا ظَالِمًا^۱.

پیامبر خدا ﷺ فرمودند: هر گاه زنی شوهرش را آزار دهد، اگر تمام عمرش را روزه بگیرد و شبها به عبادت پردازد و بندها آزاد کند و مالها در راه خدا انفاق نماید، خداوند هیچ نماز و کار نیکی را از او نپذیرد تا آنگاه که شوهرش را کمک و از خود راضی کند و گرنه آن زن نخستین کسی است که به دوزخ می‌رود. پیامبر خدا ﷺ سپس فرمود: مرد نیز اگر در حق همسر خود آزار و ستم روا دارد، چنین گناه و عذابی خواهد داشت.

عَنِ النَّبِيِّ ﷺ أَنَّهُ قَالَ: يَا عَلِيُّ تَمَانِيَةً لَا يُقْبَلُ مِنْهُمْ الصَّلَاةُ ... وَ النَّاشِزُ وَ زَوْجُهَا عَلَيْهَا سَاحِطٌ^۲.

پیامبر خدا ﷺ فرمودند: هشت نفرند که نمازشان پذیرفته نمی‌شود: ... زن نافرمانی که شوهرش از او ناراضی است.

۹. سبک شمردن نماز

وَاللَّهِ إِنَّهُ لِيَأْتِي عَلَى الرَّجُلِ خَمْسُونَ سَنَةً وَ مَاقِبَلِ اللَّهِ مِنْهُ صَلَوةٌ وَاحِدَةٌ. فَأَيُّ شَيْءٍ أَشَدُّ مِنْ هَذَا؟! وَ اللَّهُ انْكَمُ لَتَعْرِفُونَ مِنْ جِيرَانِكُمْ وَ اصْحَابِكُمْ مَنْ لَوْ كَانَ يَصَلِّي لِبَعْضِكُمْ،

^۱. مجلسی؛ بحارالانوار؛ ج ۷۳، ص ۳۶۳.

^۲. همان؛ ج ۸۱، ص ۱۸۳.

ماقبلها منه لاستخفافه بها. إن الله عزّ و جلّ لا يقبل إلا الحسن، فكيف يقبل ما يستخفّ به؟!^۱

امام صادق علیه السلام فرمودند: به خدا قسم، [گاه] انسان پنجاه سال عمر می‌کند و خداوند حتی یک نماز از او نمی‌پذیرد و چه چیزی بدتر از این؟! به خدا قسم، شما از همسایگان و یاران خود کسانی را می‌شناسید که اگر [به فرض] برای یکی از شما نماز می‌خواندند، چون آن را سبک به جا می‌آورند، از آنان نمی‌پذیرفت. حال خداوند عزوجل جز "خوب" نمی‌پذیرد، چگونه چیزی را که سبک شمرده شده است، بپذیرد؟!

۱۰. شرب خمر

فقال ابو عبد الله علیه السلام: لا تقبل صلوۀ شارب المسکر أربعین يوماً إلا أن يتوب^۲.

امام صادق علیه السلام فرمودند: نماز کسی که مُسکر می‌نوشد، تا چهل روز پذیرفته نمی‌شود، مگر اینکه توبه کند.

۱۱. ندادن زکات.

۱۲. و امامت نماز جماعت برای افرادی که انسان را نمی‌خواهند
يا عَلِيَّ هَمَانِيَّةٌ لَا يُقْبَلُ مِنْهُمْ الصَّلَاةُ ... وَ مَانِعُ الزَّكَاةِ ... وَ إِمَامٌ قَوْمٌ يُصَلُّوْنَ يَهُمُّ وَ هُمْ لَهُ
كَارِهُونَ ...^۳

^۱. کلینی؛ کافی؛ ج ۳، ص ۲۶۹.

^۲. مجلسی؛ بحارالانوار؛ ج ۶۳، ص ۴۸۸.

^۳. همان؛ ج ۸۱، ص ۱۸۳.

پیامبر خدا ﷺ فرمودند: هشت نفرند که نمازشان پذیرفته نمی‌شود: ... و کسی که زکات نمی‌دهد... و پیشوای قومی که با آنان نماز بخواند، در حالی که از او ناراضی هستند.^۱

گفتنی است ایمان، ولایت و تقوا شرط اساسی قبولی عمل است که مفروغ‌عنه گرفته شد. در ادامه آیه و احادیثی در این باره خواهد آمد.

خداوند در قرآن کریم می‌فرماید: "و من یکفر بالایمان، فقط حَبَطَ عمله"^۲؛ و هر کس به ایمان و اعتقاد کفر ورزد، قطعاً عملش تباه و بی‌اثر می‌شود و می‌فرماید: "إِنَّمَا يَتَقَبَّلُ اللَّهُ مِنَ الْمُتَّقِينَ"^۳؛ خدا فقط از پرهیزکاران می‌پذیرد.

و قال الباقر (علیه السلام): من دان الله عزوجل بعبادة يجهد فيها نفسه و لا امام له من الله، فسعيه غير مقبول و هو ضال متحير و الله شائن لأعماله.^۴

امام باقر (علیه السلام) فرمودند: هر که خود را در عبادت خداوند عزوجل به رنج و زحمت افکند، اما [برای خود] امامی از جانب خدا نداشته باشد، کوشش او

۱. روایت کامل: عَنْ النَّبِيِّ ص إِنَّهُ قَالَ: "يَا عَلِيُّ تَجَانِبَ لَا يَقْبَلُ مِنْهُمْ الصَّلَاةَ الْعَبْدُ الْإِيقُ حَتَّى يَرْجِعَ إِلَى مَوَالِيهِ وَ النَّاشِزِ وَ زَوْجَهَا عَلَيْهَا سَاخِطٌ وَ مَانِعُ الزَّكَاةِ وَ تَارِكُ الْوُضُوءِ وَ الْجَارِيَةِ الْمُدْرِكَةِ تَصْلِيٍّ بِغَيْرِ خِمَارٍ وَ إِمَامٌ قَوْمٌ يَصْلِي بِهَمٍّ وَ هُمْ لَهُ كَارِهُونَ وَ السَّكَرَانُ وَ الزَّيْنُ". هشت نفرند که نمازشان پذیرفته نمی‌شود؛ عبد فراری تا زمانی که نزد مولای خود برگردد و زن نافرمانی که شوهرش از او ناراضی است و کسی که زکات نمی‌دهد، و کسی که وضو نمی‌گیرد، و دختر بالغی که بدون روسری نماز بخواند، و پیشوای قومی که با آنان نماز بخواند، در حالی که از او ناراضی هستند، و آدم مست، و کسی که بول و غائط خود را به زور نکه دارد.

۲. مائده: ۵.

۳. مائده: ۲۷.

۴. شیخ کلینی؛ کافی؛ ج ۱، ص ۱۸۳.

پذیرفته نمی‌شود. چنین شخصی گمراه و سرگردان است و اعمالش مورد نفرت خداوند است.

اللَّهُمَّ لَا تَسْلُبْنَا مَا أَنْعَمْتَ بِهِ عَلَيْنَا مِنْ وِلَايَتِكَ
و وِلَايَةِ مُحَمَّدٍ وَآلِ مُحَمَّدٍ عَلَيْهِ وَ عَلَيْهِمُ السَّلَامُ
وَالْحَمْدُ لِلَّهِ رَبِّ الْعَالَمِينَ

کتاب نامه

- ابن بابویه، محمد بن علی - غفاری، محمد جواد، من لا یحضره الفقیه / ترجمه غفاری، علی اکبر و محمد جواد و بلاغی، صدر، ۶جلد، نشر صدوق - تهران، چاپ: اول، ۱۳۶۷ش.
- ابن بابویه، محمد بن علی، الأُمالی (للصدوق)، ۱جلد، کتابچی - تهران، چاپ: ششم، ۱۳۷۶ش.
- ابن بابویه، محمد بن علی، عیون أخبار الرضا علیه السلام، ۲جلد، نشر جهان - تهران، چاپ: اول، ۱۳۷۸ق.
- ابن بابویه، محمد بن علی - آقا نجفی اصفهانی، محمد تقی، عیون أخبار الرضا علیه السلام، ترجمه آقا نجفی، ۲جلد، انتشارات علمیه اسلامیة - تهران، چاپ: اول، بی تا.
- ابن بابویه، محمد بن علی، التوحید (للصدوق)، ۱جلد، جامعه مدرسین - ایران؛ قم، چاپ: اول، ۱۳۹۸ق.
- ابن بابویه، محمد بن علی - ذهنی تهرانی، محمد جواد، علل الشرائع، ترجمه ذهنی تهرانی، ۲جلد، انتشارات مؤمنین - ایران؛ قم، چاپ: اول، ۱۳۸۰ش.

- بحرانی، سید هاشم بن سلیمان، *البرهان فی تفسیر القرآن*، ۵ جلد، مؤسسه بعثه قم، چاپ: اول، ۱۳۷۴ ش.
- تمیمی آمدی، عبد الواحد بن محمد، *غرر الحکم و درر الکلم* (مجموعه من کلمات و حکم الإمام علی علیه السلام)، ۱ جلد، دار الکتاب الاسلامی قم، چاپ: دوم، ۱۴۱۰ ق.
- تمیمی آمدی، عبد الواحد بن محمد، *تصنیف غرر الحکم و درر الکلم*، ۱ جلد، دفتر تبلیغات - ایران؛ قم، چاپ: اول، ۱۳۶۶ ش.
- خمینی، سید روح الله موسوی، *توضیح المسائل* (محشی - امام خمینی)، ۲ جلد، دفتر انتشارات اسلامی وابسته به جامعه مدرسین حوزه علمیه قم، قم - ایران، هشتم، ۱۴۲۴ ه ق.
- شیخ حر عاملی، محمد بن حسن، *تفصیل وسائل الشیعه إلى تحصیل مسائل الشریعه*، ۳۰ جلد، مؤسسه آل البيت علیهم السلام - قم، چاپ: اول، ۱۴۰۹ ق.
- شیخ بهایی، محمد بن حسین، *مفتاح الفلاح فی عمل الیوم و اللیله من الواجبات و المستحبات* (ط - القدیمه)، ۱ جلد، نشر دار الأضواء - بیروت، چاپ: اول، ۱۴۰۵ ق.
- شیخ حر عاملی، محمد بن حسن، *الجواهر السنیه فی الأحادیث القدسیه* (کلیات حدیث قدسی)، ۱ جلد، انتشارات دهقان - تهران، چاپ: سوم، ۱۳۸۰ ش.
- طبرسی، حسن بن فضل، *مکارم الأخلاق*، ۱ جلد، شریف رضی - قم، چاپ: چهارم، ۱۴۱۲ ق / ۱۳۷۰ ش.

- علی بن الحسین علیه السلام، امام چهارم - فیض الاسلام اصفهانی، علی نقی، *الصحیفه السجادیه*، ترجمه و شرح فیض الإسلام، ۱ جلد، فقیه - تهران، چاپ: دوم، ۱۳۷۶ ش.
- قمی مشهدی، محمد بن محمد رضا، *تفسیر کنز الدقائق و بحر الغرائب*، ۱۴ جلد، وزارت فرهنگ و ارشاد اسلامی، سازمان چاپ و انتشارات - تهران، چاپ: اول، ۱۳۶۸ ش.
- کلینی، محمد بن یعقوب - مصطفوی، سید جواد، *أصول الکافی*، ترجمه مصطفوی، ۴ جلد، کتاب فروشی علمیه اسلامیة - تهران، چاپ: اول، ۱۳۶۹ ش.
- کلینی، محمد بن یعقوب بن اسحاق، *الکافی* (ط - الإسلامیة)، ۸ جلد، دار الکتب الإسلامیة - تهران، چاپ: چهارم، ۱۴۰۷ ق.
- کلینی، محمد بن یعقوب بن اسحاق، *الکافی* (ط - دارالحديث)، ۱۵ جلد، دار الحديث - قم، چاپ: اول، ۱۴۲۹ ق.
- مجلسی، محمد باقر بن محمد تقی، *بحار الأنوار الجامعة لدرر أخبار الأئمة الأطهار* (ط - بیروت)، ۱۱۱ جلد، دار إحياء التراث العربی - بیروت، چاپ: دوم، ۱۴۰۳ ق.
- مازندرانی، محمد هادی بن محمد صالح، *شرح فروع الکافی* (المولی محمد هادی بن محمد صالح المازندرانی)، ۵ جلد، دارالحديث للطباعة و النشر - قم، چاپ: اول، ۱۴۲۹ ق.

- مجلسی، محمد باقر بن محمد تقی، *مرآة العقول فی شرح أخبار آل الرسول*، ۲۶ جلد، دار الکتب الإسلامیة - تهران، چاپ: دوم، ۱۴۰۴ ق.
- نوری، حسین بن محمد تقی، *مستدرک الوسائل و مستنبط المسائل*، ۲۸ جلد، مؤسسه آل البيت علیه السلام - قم، چاپ: اول، ۱۴۰۸ ق.
- یزدی، سید محمد کاظم طباطبائی، *العروة الوثقی (للسید الیزدی)*، ۲ جلد، مؤسسه الأعلی للمطبوعات، بیروت - لبنان، دوم، ۱۴۰۹ هـ ق